

بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

## ۱- گزینه ۴

کسی که با یک تیر چند نشان میزند، فرد زیرکی است که با انتخاب یک هدف جامع، هدف های دیگر را هم برمیگزیند.

براساس آیه ی « مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ : هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» افراد، با انتخاب عبادت و بندگی خدا به عنوان هدف، با یک تیر چند نشان می زنند؛ هم از بهره های مادی زندگی استفاده درست می کنند و هم از آن جایی که تمام کارهای دنیوی خود را برای رضای خدا انجام می دهند، جان و دل خود را به خداوند نزدیک تر می کنند و سرای آخرت خویش را نیز آباد می سازند.

به کلیدواژه های «یک تیر چند نشان»، «زیرک» و «هدف جامع» در سؤال و گزینه ها و کلیدواژه های «عند الله» و «الدنيا والآخرة» در آیه دقت کنید.

بررسی سایر گزینه ها:

در گزینه های ۱ و ۳، آمده است که «به لذت های مادی سرگرم شده اند»، قطعاً چنین فردی هدفش یک چیز است؛ دنیا! (به تعبیر قرآن: به حیات دنیوی راضی شده و به آن آرام گرفته اند). پس این فرد فقط یک نشان می زند (دنیا) نه چند نشان! در ۲، آیه ی « وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ (کافران) گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست همواره (گروهی از ما) می میریم و اگرهوی زنده می شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می کند.» ارتباطی با موضوع سؤال ندارد و بیانگر دیدگاه منکران معاد است که مرگ را پایان همه چیز می دانند.

## ۲- گزینه ۲

خداوند در آیه ی ۶۴ سوره عنکبوت با عبارت ﴿ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاءُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ ﴾ به تعریف دنیا می پردازد و می فرماید: « وَمَا هَذِهِ الْحَيَاءُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ: این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست و سرای آخرت، زندگی حقیقی است. اگر می دانستند.» و در واقع در این آیه بر کم ارزش بودن زندگی دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت تأکید شده است.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید؛ هرگاه که شما را به چیزی فرامی خواند که به شما زندگی و حیات می بخشد.» به حیات بخش بودن دین و دعوت انبیا اشاره می کند.

(۳) « وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ (کافران) گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست همواره (گروهی از ما) می میریم و (گروهی) زنده می شویم و ما را فقط گذشت

روزگار نابود می کند.» ارتباطی با موضوع سؤال ندارد و بیانگر دیدگاه منکران معاد است که مرگ را پایان همه چیز می دانند.

۴) آیه « مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، برایشان هیچ ترسی نیست و غمگین نمی شوند.» بیانگر پیامد اعتقاد به معاد است.

۳- گزینه ۴

همه ی پیامبران الهی، پس از ایمان به خدا (توحید)، ایمان به آخرت (معاد) را مطرح کرده اند و آن را لازمه ایمان به خدا دانسته اند. (ایمان به معاد لازمه ایمان به خداست.)

در بحث استدلالهای معاد، حکمت و عدل الهی، بر ضرورت معاد تاکید دارند (نه امکان) و بنا بر حکمت الهی، اگر خداوند تمایلات و گرایش هایی را در موجودات قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش بینی کرده است. پس وجود گرایش هایی همچون میل به | جاودانگی و بقا در انسان بنا بر حکمت خداوند بیانگر ضرورت وجود جهان دیگری پس از این دنیای فانی است.

۴- گزینه ۱

مصاحب به معنای همنشین است و پیامبر ، در مورد این همنشین که صورت حقیقی عمل و کردار انسان است، می فرماید: «برای تو ناچار همنشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی گردد و با تو دفن می شود. آن گاه آن همنشین در رستخیز با تو برانگیخته می شود و تو مسئول آن هستی، پس دقت کن، همنشینی که انتخاب می کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می شود. آن همنشین، کردار تو است.» با توجه به سخن پیامبر اکرم ، و نیز آیات قرآن در می یابیم که در عرصه قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی شود؛ بلکه خود عمل نمایان می شود و هر کس عین عمل خود را می بیند.

۵- گزینه ۱

رابطه ی میان اعمال و جزای آن در دنیا با قراردادی است یا طبیعی، در رابطه قراردادی، پاداش و کیفر براساس مجموعه ای از قراردادها تعیین می شود و انسان ها می توانند با وضع قوانین جدید این رابطه ها را تغییر دهند. (مثلاً کیفر جرمی زندان است و آن را به پرداخت جریمه نقدی تبدیل کنند.) در رابطه ی طبیعی، پاداش و کیفر، محصول طبیعی خود عمل است و انسان ها نمی توانند آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ کنند و با آگاهی کامل از آن برنامه زندگی خود را تنظیم و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند. به عنوان مثال اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به طور طبیعی به علم و آگاهی دست می یابد یا اگر روزانه ورزش کند، به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است.

۶- گزینه ۲

جمله (لا اله الا الله) که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک «نه» و یک «آری» است؛ «نه» به هر چه غیر خدایی است و «آری» به خدای یگانه. نه به هر چه غیر خدایی، بیانگر مفهوم «تبری» (بیزاری از باطل و پیروان او) است که در ابتدای عبارت بیان شده است و در تقدم است؛ «لا اله» و «آری» به خدای یگانه، بیانگر مفهوم «تولی» (دوستی با خدا و دوستان او) است که در بخش دوم عبارت بیان شده است و در تأخر است «لا اله».

۷- گزینه ۱

قرآن کریم، یکی از ویژگی های مؤمنان را، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا می داند. (دانستن همین جمله کافی است تا بتوانید به سؤال پاسخ دهید، حتی بدون دانستن آیه)

آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ: اما کسانی که ایمان آورده اند، به خدا محبت بیشتری دارند، بر این موضوع تأکید دارد.

۸- گزینه ۱

ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده اند و آن را لازمه ی دینداری شمرده اند.

در زمان ظهور حضرت مسیح [ فلسطین، اروپا در شرک و بت پرستی به سر می برد و زنان آنها معمولاً موی خود را نمی پوشاندند، اما با آمدن مسیحیت به اروپا و گسترش تعالیم دین مسیح [ پوشیدن موی سر نیز در میان زنان گسترش یافت.

دقت کنید که در ادیان مختلف حدود حجاب و شکل آن متفاوت بوده است.

۹- گزینه ۴

خداوند در آیه ۱۹ سوره آل عمران در مورد دلیل اختلاف در دین و پدید آمدن ادیان مختلف چنین می فرماید: «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آن که به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.» در این جا تجاوز همان عدم پیروی از دین اسلام توسط اهل کتاب است که از روی آگاهی صورت گرفته (تابع یا معلول آگاهی است یعنی در پی آگاه شدن از حقیقت به مخالفت پرداختند) و برخلاف دستور خداوند و براساس حسد و رشک بوده است

۱۰- گزینه ۳

تشخیص عصمت برای انسان ها ممکن نیست؛ یعنی انسان ها نمی توانند تشخیص دهند که چه کسی معصوم است و مرتکب هیچ گناهی نمی شود. بنابراین، همان طور که پیامبر از طرف خدا معرفی و معین می شود، تنها خداوند است که می تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند و به مردم بشناساند.

#### ۱۱- گزینه ۴

پیامبر ، چنان علاقه مند به نجات مردم از گمراهی بود که سختیها و آزارهای این راه، هرگز سبب دوری او از مردم نگردید و آن قدر برای هدایتشان شبانه روز تلاش کرد که خداوند در این باره خطاب به مسلمانان فرمود: «رنج شما برای او سخت و دشوار است و بر (هدایت) شما حریص (به شدت علاقه مند) است» ترجمه آیه ی شریفه (لعلک باخع نفسک...) یعنی «از این که برخی ایمان نمی آورند شاید که...» خطاب خداوند به پیامبر ، در همین زمینه است.

#### ۱۲- گزینه ۳

پیامد تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت آن بود که شخصیت های با تقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر ، منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت قرب و منزلت یافتند.

به دو نکته توجه کنید:

یکی این که تبدیل شدن حکومت عدل نبوی به سلطنت در مقابل موضوع منزوی شدن شخصیت های با تقوا و به علت است، نه معلول، پس به همین دلیل (۴) رد می شود. در واقع این موضوع یعنی تبدیل شدن حکومت عدل نبوی به سلطنت یکی از چالش های عصر ائمه [ است که معلول دوری و خروج جامعه از راه ائمه ] می باشد.

و دوم این که در بحث چالش های عصر ائمه [ انزوای شخصیت های با تقوا مربوط به تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت و انزوای شخصیت های اصیل اسلامی به خصوص اهل بیت پیامبر ، مربوط به ارائه الگوهای نامناسب است.

#### ۱۳- گزینه ۲

• اصول کلی امامان در مبارزه با حاکمان در راستای ولایت ظاهری:

(۱) عدم تأیید حاکمان

(۲) معرفی خویش به عنوان امام برحق

(۳) انتخاب شیوه های درست مبارزه (مبارزه در قالب تقیه در همین راستا بود).

• اقدامات مربوط به مرجعیت دینی ائمه [

(۱) تعلیم و تفسیر قرآن کریم

(۲) اقدام برای حفظ سخنان و سیره ی پیامبر ، (انتقال سخنان پیامبر ، به فرزندان و یاران خود توسط امیرالمؤمنین [ و حضرت فاطمه { . در همین راستا بود.)

(۳) تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو

#### ۱۴- گزینه ۴

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنه ی نبرد حق طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی [ به امام مهدی ] خواهند گفت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما این جا می نشینیم»

پس مصداق این عبارت کسانی هستند که در زندگی خود، با باطل مبارزه نکرده اند و زمان ظهور را درک کرده اند.

#### ۱۵- گزینه ۲

هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه رو است؛ دعوت عقل و وجدان یا همان «نفس لوّامه» که از ما می خواهد در حد نیاز به تمایلات فروتر (دانی) پاسخ دهیم و فرصتی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی (عالی) در ما پرورش پیدا کند. دعوت دیگر، دعوت هوی و هوس یا همان «نفس اماره» است که از ما می خواهد فقط به تمایلات بعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی غافل بمانیم.

حد و مرز توجه به تمایلات دانی را خدا میداند و خداوند با احکام خود، چگونگی بهره مندی از این تمایلات را مشخص کرده تا انسان بتواند در عین بهره مندی از آنها، به رشد و کمال واقعی خود برسد.

#### ۱۶- گزینه ۱

همواره دیده ایم که علاقه و محبت به یک شخص، چشم و گوش را می بندد و عقل را به حاشیه می راند. این سخن زیبای امام علی [ مربوط به مواردی از این قبیل است: «حَبَّ الشَّيْءِ يعمى و يصمّ؛ علاقه ی شدید به چیزی، آدم را کور و کر می کند.» از این رو، پیشوایان دین از ما خواسته اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی درست برسیم و از پیامدهای ناخشنود کننده ی این موضوع در امان (مأمون) بمانیم.

#### ۱۷- گزینه ۳

مفهوم مطلق بودن و بی نیازی خداوند را می توان از عبارت «والله هو الغنى الحميد، و خدا است که (تنها) بی نیاز ستوده است.» برداشت کرد. عبارت «انتم الفقراء إلى الله: ای مردم شما به خداوند نیازمند هستید.» از فقر و نیازمندی مخلوقات، عبارت «کلّ يومٍ هو في شأنٍ؛ او همواره دست اندر کار امری است.» از فیض مستمر خداوند به مخلوقات و تدبیر امور و عبارت «يسأله من في السموات والأرض: آن چه در آسمان و زمین هستند پیوسته از او درخواست می کنند.» از درخواست و نیاز دائمی موجودات نسبت به خداوند سخن می گوید.

#### ۱۸- گزینه ۲

با توجه به آیه ی ۱۶ سوره ی رعد: «... قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ...: بگو آیا غیر از او سرپرستانی گرفته اید که (حتی) اختیار سود و زیان خود ندارند؟ بگو آیا نابینا و بینا برابر است؟ آیا تاریکی ها و روشنایی برابرند؟...» خطاب عبارت مشرکانی هستند که کسانی را غیر از خداوند به عنوان ولی و سرپرست خود انتخاب کرده اند (به کلمه اولیاء که از ریشه ی

ولی است. توجه کنید) و با استفهام (پرسش) آنکاری این افراد را به چالش می کشد که انتخاب های نادرستی داشته اند.

توجه:

برای پاسخ دادن به این سؤال لازمه که آیه رو حفظ باشید.

۱۹- گزینه ۴

تسلیم بودن در برابر امیال نفسانی و فرمان پذیری از طاغوت باعث می شود شخص، درونی تا آرام و شخصیتی ناپایدار داشته باشد.

در ابتدا به این موضوع توجه کنید که «درون ناآرام» به شرک عملی در بُعد فردی اشاره دارد، پس باید گزینه‌ای را انتخاب کنید که در مورد بعد فردی است. «امیال نفسانی» می تواند کلیدواژه ی بُعد فردی باشد و آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ ... : از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره ای (تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی) عبادت و بندگی می کند...» نیز در همین راستا است.

دقت کنید که آیه ی «قد كفروا بما جاءكم من الحقّ ...: حال آن که آنان به دین حقّی که برای شما آمده است، کفر ورزیده اند...» و عبارت «تمسک به ظالمان و حکومت های غیرالهی»، با توجه به کلمه ی «حکومت‌ها» به بُعد اجتماعی شرک عملی اشاره می کنند.

۲۰- گزینه ۱

تقدیر الهی شامل همه ویژگی های کیفیت ها و کلیه ی روابط میان موجودات می شود. این که آب در چه درجه ای به جوش می آید، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد و... همه از تقدیرات الهی است. همچنین یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد، در واقع مختار بودن نیز از ویژگی های انسان است و تقدیر الهی به شمار می آید.

در بحث علل طولی و عرضی به این نکته باید توجه کنید که علل عرضی در یک ردیف هستند، اما علل طولی در یک ردیف نبوده و نسبت به هم در مرتبه های مختلف قرار دارند. وجود و اراده انسان نیز ناشی از اراده الهی و خواست خداست و در طول اراده ی خدا قرار دارد.

۲۱- گزینه ۱

سنت ابتلاء به معنای قراردادن فرد در تنگنا یا موقعیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آن چه را که ادعا کرده، مشخص سازد. در واقع امتحان خداوند علیم برای رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است. در صورت سؤال همین توضیحات را به شکل دیگری می بینیم انسانی که انتخابگر است برای این که نیت و تمایل درونی اش آشکار شود، در معرض امتحان یا ابتلای الهی است.

به کلیدواژه ی «تمایلات درونی» دقت کنید.

برای انتخاب آیه هم اگر به کلیدواژه ی «یفتنون» توجه کنید، کار بسیار ساده خواهد بود.

خداوند در آیه ی ۲ عنكبوت می فرماید: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ: آیا مردم گمان کردند رها می شوند همین که بگویند ایمان آوردیم و آزمایش نمی شوند؟»

اول این که کلیدواژه های «فتنه» و «یفتنون» در آیه هایی که مربوط به امتحان الهی هستن، فراموش نشه! دوم این که سنت امتحان یک سری کلیدواژه یا بهتر بگیم عبارت‌ها و جملات ویژه ی خودش رو داره که این جا براتون میاریم تا بهتر بتونید موقع جواب دادن به سؤال ها ازشون استفاده کنید:

• بروز صفات درونی (نشان دادن تمایلات درونی)

• مشخص کردن درستی یا نادرستی آنچه ادعا کرده

• به ظهور رساندن استعدادها

• عام ترین و فراگیرترین قانون خداوند

• قانون ثابت و همیشگی و شامل همه افراد و در همه دوران ها

• ساخته شدن هویت و شخصیت انسان ها با آن

• مشخص شدن مراتب ایمان

• امور خیر و شرّ

۲۲- گزینه ۱

تکرار توبه، اگر واقعی باشد، نه تنها به معنی دور شدن از خداوند نیست، بلکه موجب محبوب شدن انسان نزد خداوند و جلب رحمت او می شود. خداوند می فرماید: «انَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ: خداوند کسانی را که زیاد توبه می کنند، دوست دارد.» «تَوَّابٌ» بر وزن فَعَّالٌ و اسم مبالغه است و در درس عربی خواندید که اسم مبالغه زمانی استفاده می شود که کاری بسیار اتفاق افتاده باشد.)

بررسی سایر گزینه ها:

عبارات گزینه های ۲ و ۳ از آیه ی ۵۳ زمر انتخاب شده اند که در آن خداوند به پیامبرش پیام می دهد که همه ی گناهان را مورد بخشایش قرار می دهد: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ: از رحمت الهی ناامید نباشید، خداوند همه گناهان را می بخشد، چرا که او آمرزنده ی مهربان است.» و عبارت ۴ نیز به تزکیه ی نفس اشاره می کند: «قَدْ افْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا: به یقین هر کس خود را تزکیه کرد، رستگار شد.»

۲۳- گزینه ۳



۱- در عرصه ی اقتصاد، قبل از ورود به عرصه ی کار و تجارت باید با احکام تجارت آشنا شویم تا گرفتار کسب حرام نگردیم

۲- امام علی [ در این باره می فرماید: «یا معشرَ التَّجَارِ الفقه ثمَّ المتجَرّ: ای گروه تاجران و بازرگانان! اول یادگیری مسائل شرعی تجارت، سپس تجارت کردن،»

۳- دقت کنید که سؤال «حدیث» خواسته است، نه «آیه» پس در همان ابتدا گزینه های (۱) و (۲) که با «آیه» شروع می شوند، حذف هستند

۴- از آن جا که رژیم صهیونیستی، سرزمین مسلمانان را به زور تصرف کرده و در آن جا غاصبانه یک کشور تشکیل داده است، هر نوع تجارتي که به نفع این رژیم باشد، همچون وارد کردن و ترویج کالایی که سرمایه داران این رژیم در آن شریک هستند، حرام است.

۲۴- گزینه ۴

یکی از معیارهای جامعه و تمدن اسلامی عقل و خردگرایی و توجه به علم و دانش بود که این موضوع در آیه شریفه ی «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِذَا ابْتِغَاءُ لِقَابٍ: بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسان اند؟ تنها خردمندان متذکر می شوند.» مشهود است.

تلاش پیامبر اکرم ، و پیشوایان در همین راستا سبب علاقه ی مسلمانان به علم و دانش شد. به طوری که نیاکان ما در بسیاری شهرها در کنار هر مسجد، مدرسه ای نیز بنا کنند.

به کلیدواژه های «مدرسه» در صورت سؤال و «یعلمون» و «لا يعلمون» و «اولوا الالباب» در آیه دقت کنید. بررسی سایر گزینه ها:

آیه مطرح شده در (۱) به معیارهای اول و دوم یعنی توحیدمحوری و آخرت گرایی اشاره می کند: «من آمن بالله و اليوم الآخر: کسی که به خدا ایمان آورد و روز قیامت»

آیه (۲)، به ولایت مداری و اطاعت از خدا، پیامبر ، و اولی الامر اشاره می کند: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منكم: اطاعت کنید از خدا و رسول و صاحبان امر که از شمایند.» و آیه (۳) بیانگر معیار عدالت محوری است: «ليقوم الناس بالقسط: تا مردم به عدل و داد برخیزند»

۲۵- گزینه ۱

پیامدهای منفی حوزه ی عدل و قسط عبارت اند از: (۱) ظهور ظلم فراگیر و پدیده استعمار، (۲) افزایش فاصله میان انسان های فقیر و غنی در جهان، (۳) جهان نظامی شده و محصور در تسلیحات.

و در مقابل این آثار منفی، مسئولیت های ما عبارت اند از: (۱) مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر، (۲) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی

مشارکت مردم در تشکیل حکومت، مربوط به آثار مثبت حوزه عدل و قسط است، نه وظیفه ی ما

ترسیم چهره ی عقلانی و منطقی دین اسلام و حضور فعال و مؤثر در جامعه جهانی، هر دو از مسئولیت های ما در حوزه ی علم هستند.

۲۶- گزینه ۴

بیت «ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش؟/ یا آن که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟» بیان می کند که چون خداوند خالق همه چیز از جمله عقل و دانش است، پس هر چیز را به عنوان هدف انتخاب کنیم، خداوند از آن برتر است و شایسته است او را مقصود اصلی خود قرار دهیم.

۲۷- گزینه ۳

برای پاسخ گویی به این سؤال باید بدانیم که آیه «قد افلح من زکّاه: به یقین هر کس خود را تزکیه کرد، رستگار شد.» آیه ی ۹ سوره ی شمس است که در ادامه ی آیات «و نفس و ما سواها \* فآلهمها فجورها و تقواها: سوگند به نفس و به آن که سامانش بخشید، آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد.» آمده است. پس سؤال از مفهوم آیات ۷ و ۸ سوره ی شمس مطرح شده است که این آیات به یکی از سرمایه های درونی انسان یعنی «گرایش به نیکی و خوبی» اشاره می کند. براساس این سرمایه ی الهی، خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در ما قرار داد، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم.

۲۸- گزینه ۲

استفهام انکاری، پرسشی است که در آن مفهوم موردنظر به صورت منفی و انکاری مطرح می شود و در واقع کسی که می پرسد، پاسخ را می داند و فقط برای تأکید، سؤال را به صورت انکاری مطرح می کند. خداوند در آیه «أفحسبتم أنّما خلقناکم عبثاً و أنّکم إلینا لا تُرجعون: آیا پنداشته اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟» موضوع معاد و ضرورت آن را با بیان استفهام انکاری بیان می کند. (یعنی آفرینش بیهوده نیست و شما قطعاً به سوی ما بازمی گردید و معادی در کار است.)

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه «افمن اسس بنیانه علی تقوی من الله و رضوان خیر: آیا آن کس که بنیاد (کار) خود را بر پایه ی تقوای الهی و خشنودی خدا نهاده، بهتر است؟»، بیانگر این موضوع است که زندگی محکم و استوار بر پایه تقوا و خشنودی خدا استوار است.

(۳) آیه «أغیر الله ابغی ربّاً و هو ربّ کلّ شیء: آیا جز خدا پروردگاری بطلبم در حالی که او پروردگار همه چیز است؟» به توحید در ربوبیت اشاره می کند

(۴) بر اساس آیه «ام من اسس بنیانه علی شفاعرف هار فانهار به فی نار جهنم؛ یا کسی که بنای خود را بر لبه پرتگاهی در حال سقوط ساخته و با آن در آتش دوزخ فرومی افتد؟» کسانی که به دستورات خداوند اعتماد نکرده

و براساس تقوا و رضایت خدا زندگی خود را بنا نکنند، انگار که بنیاد کار خود را بر لبه پرتگاهی در حال سقوط ساخته اند

\* دقت کنید که تمام این آیات پرسشی هستند، اما پرسش با استفهام انکاری نیستند.

۲۹- گزینه ۳

سخن پیامبر ، «هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد...» ، در مورد آثار متأخر اعمال است و از این لحاظ با آیه ی « یَنْبُوْا الْاِنْسَانَ یَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاٰخِرُ ؛ در آن روز به انسان خبر داده می شود به آنچه پیش (از مرگ) فرستاده و آن چه پس (از مرگ) فرستاده است.» که به آگاهی از این آثار در قیامت خبر می دهد، ارتباط دارد. براساس این آیه ی شریفه، آثار و نتایج برخی از اعمال محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ پرونده ی این اعمال بسته می شود (آثار ماتقدم)؛ اعمالی مانند نماز و روزه، اما بسیاری از اعمال آثارشان حتی بعد از حیات ما نیز باقی می ماند (آثار ماتأخر)، یعنی حتی با مرگ انسان نیز پرونده آن عمل هم چنان گشوده است. مانند جاری ساختن سنت و روش نیک یا بد در جامعه که در کلام پیامبر اکرم ، نیز آمده است.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه ی «من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً: کسی که ایمان آورد به خدا و روز قیامت و عمل صالح انجام دهد» به دیدگاه معتقدان به معاد اشاره دارد.

(۲) آیه ی «ربّ ارجعون لعلیّ اعلم صالحاً فیما ترکت: پروردگارا! مرا بازگردانید باشد که عمل صالح انجام دهم، آنچه را در گذشته ترک کرده ام.» درخواست گناهکاران مبنی بر بازگشت به دنیا را در عالم برزخ بیان می کند.

(۴) آیه «ام نجعل المتّقین کالفجّار: آیا ما متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟» در ارتباط با مفهوم ضرورت معاد براساس عدل الهی است.

۳۰- گزینه ۴

آتش جهنم، بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل (عمل اختیاری) خود انسان هاست و برای همین، از درون جان آنها شعله می کشد.

بهشتیان با خدا هم صحبت هستند و به جمله ی «خدایا! تو پاک و منزهی» مترنم اند.

۳۱- گزینه ۴

اقدام سوم در جهت ثابت قدم ماندن در مسیر بندگی و اطاعت خدا، مراقبت است.

باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می آورد؛ عهدی که ابتدا بسته می شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

امام علی (ع) در این باره می فرماید: «گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم ها و کارها می شود»

۳۲- گزینه ۱

● اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مدّ (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

این توضیحات نشان می دهد که در مرحله اول، بعد از برطرف شدن بیماری، قضای روزه تا قبل از رمضان سال آینده کفایت می کند.

● اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، کفاره جمع بر او واجب می شود.

چون شراب از محرّمات است، پس بر شخصی که روزه خود را با خوردن شراب باطل کرده است، کفاره جمع واجب است.

دقت کنید که کفاره جمع یعنی جمع دو کفاره، یعنی برای هر روز:

(۱) دو ماه روزه بگیرد و (۲) به شصت فقیر طعام بدهد.

البته اگر هر دو برای شخص ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

۳۳- گزینه ۴

آراستگی، اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت ها ندارد؛ بلکه شامل زمان حضور در خانواده و از آن مهم تر، زمان عبادت نیز می شود، پس آراستگی هنگام عبادت پراهمیت ترین زمان برای آراستگی است و در میان احادیث، حدیث امام صادق { «دو رکعت نماز که با بوی خوش گذارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.» به اهمیت آراستگی در هنگام نماز اشاره می کند.

بررسی سایر گزینه ها :

حدیث (۱)، در منع آراستگی بیش از حد و خودنمایی است و بیان می کند که آراستگی باید با عفاف همراه باشد.

حدیث (۲)، به آراستگی در هنگام معاشرت با دوستان اشاره دارد.

حدیث (۳)، بیانگر این است که آراستگی ظاهری مورد تأیید خداوند می باشد.

۳۴- گزینه ۱

امام کاظم به شاگرد برجسته ی خود، هشام بن حکم فرمود: «ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نافرستاد، جز آن که بندگان در پیام الهی تعقل کنند.» پس انحصار ارسال رسولان به سوی بندگان، تحقق تعقل است

ایشان در ادامه می فرماید: «کسانی این پیام را بهتر می پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند (پذیرش بهتر پیام الهی، معلول برتری معرفت) و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان های الهی داناترند (داناتر بودن نسبت به فرمان های الهی معلول تعقل و تفکر برتر) و آن کس که عقلش کامل تر است، رتبه اش در دنیا و آخرت بالاتر است (برتری رتبه در دنیا و آخرت معلول تکامل عقل)»

۳۵- گزینه ۱

آمادگی جامعه بشری زمینه ساز و اولین عامل ختم نبوت بود. در عصر نزول قرآن، با این که مردم حجاز سطح فرهنگ پایینی داشتند، اما آمادگی فکری و فرهنگی جوامع مختلف به میزانی بود که می توانست کامل ترین برنامه زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. صیانت به معنای «حفظ کردن و نگه داری» است و در اینجا منظور همان «حفظ قرآن کریم از تحریف»، یکی دیگر از عوامل ختم نبوت است. با تلاش و کوشش مسلمانان (علت) و در پرتو عنایت الهی (علت) و با اهتمامی که پیامبر اکرم، در جمع آوری و حفظ قرآن داشت (علت)، این کتاب دچار تحریف نشد (معلول) و هیچ کلمه ای بر آن افزوده یا کم نگردید، (پس قسمت دوم همه ی گزینه ها درست است). به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

سایر نکات درسی در این راستا:

کلاً عوامل ختم نبوت چهار تا بودن:

(۱) آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی

(۲) حفظ قرآن کریم از تحریف

(۳) وجود امام معصوم پس از پیامبر

(۴) پویایی و روزآمد بودن دین اسلام

۳۶- گزینه ۲

آیه «لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر... : نه خورشید را سزد که به ما برسد...» از گردش ماه در مسیر و مدار مشخص سخن می گوید و بیانگر یک نکته علمی است، پس به «ذکر نکات علمی بی سابقه» از اعجاز محتوایی قرآن اشاره می کند. (در این آیه از جاذبه ی خورشید و ماه سخنی نیست!) (رد گزینه های ۳ و ۴) آیه ی «خداوند آسمان ها را با ستون هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا داشته است نیز از وجود جاذبه میان ستارگان خبر می دهد و آن را عامل درهم نرفتن ستارگان در یکدیگر معرفی می کند (در صورتی که تا قرن هجدهم میلادی دانشمندان

فکر می کردند که ستارگان به سقف آسمان ها چسبیده اند و به همین علت نمی افتند)، پس این آیه هم به ذکر نکات علمی بی سابقه، اشاره می کند. (اما در بین گزینه های ۱ و ۲ که باقی مانده ی «ذکر نکات علمی» نیست بلکه موضوع علمی نهفته در آیه آمده است، پس طراح این جا برخلاف قسمت اول عمل کرده که خوب جالب هم هست!) آیه (افلا یتدبرون القرآن ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً) که به عدم تعارض و ناسازگاری در میان آیات قرآن کریم اشاره می کند، بیانگر «انسجام درونی در عین نزول تدریجی» قرآن کریم از جنبه های اعجاز محتوایی آن است. (در انتخاب قسمت سوم دیگر جای شکی نیست، چون آیه ربطی به تأثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت ندارد!)

۳۷- گزینه ۳

عامل واسطه ی ایصال فیض خالق به مخلوق شدن، ولایت معنوی است. رسول خدا ، با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه ای از کمال نائل شد که می توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و به اذن الهی در عالم خلقت تصرف نماید. به طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، بلایی را از شخص یا جامعه دور نماید و حاجات مردم را در صورتی که صلاح آنها در آن باشد، برآورده سازد. اینها همه فیض خالق به مخلوق است که پیامبر ، با توجه به رسیدن به مقام ولایت معنوی واسطه رسیدن این فیض ها از طرف خداوند به انسان ها می شود.

ایشان با استفاده از این قدرت و ولایت دل های آماده را نیز از طریق امداد غیبی و الهامات و مانند اینها هدایت می کند و میزان بهره مندی انسان ها از این هدایت به درجه ایمان و عمل آنان بستگی دارد.

پس تصرف در قلوب انسان ها یکی از نمونه های هدایت معنوی است که استعداد و لیاقت دریافت این فیض الهی به درجه ایمان و عمل فرد وابسته است.

۳۸- گزینه ۳

در پاسخ به سؤال «چرا کلمه ی «مولی» در حدیث غدیر به معنای سرپرست است، نه دوست؟» سه دلیل وجود دارد: (۱) پیامبر ، پیش از: «من کنت مولاه، فرمودند: «ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم: ای مردم، چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؟» و همان طور که در این جمله صحبت از اولویت و ولایت است، پس در جمله ی بعد هم که حدیث غدیر است، باید صحبت از ولایت و سرپرستی باشد تا ارتباط معنوی در جمله محفوظ بماند. (۳)، همین مفهوم را بیان کرده است.)

(۲) هیچ عاقلی باور نمی کند که پیامبر ، مردم را در شرایط و در آن هوای گرم نگه دارد و منظورش فقط این باشد که بگوید هر کس من دوست او هستم، علی هم دوست اوست

۳) اگر «مولی» به معنی دوست باشد، ابلاغ نشدن چنین پیامی نمی تواند مساوی انجام نپذیرفتن رسالت الهی قرار گیرد. (در آیه ابلاغ خداوند به پیامبر، می فرماید که اگر آنچه را بر تو نازل شده به مردم ابلاغ نکنی (نرسانی) رسالتش را نگزارده ای.)

۳۹- گزینه ۲

وقتی امام رضا { در جمع مردم نیشابور حدیث سلسله الذهب: «کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی: کلمه ی لا اله الا الله قلعه محکم من است، هر کس به این قلعه ی محکم من وارد شود، از عذاب من در امان است.» را بیان فرمودند، پس از اندکی درنگ، این جمله را اضافه کردند که: «بشروطها و أنا من شروطها: اما به شرط های آن و من از جمله شرط های آن هستم.» مقصود امام { این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر می گردد.

بیان این حدیث در راستای «حفظ سخنان و سیره پیامبر،»، از جمله اقدامات مربوط به مرجعیت دینی بود.

۴۰- گزینه ۱

پیامبر، در سخنانی ضمن معرفی همه امامان، درباره امام عصر ا می فرماید: «هر کس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر ا را بپذیرد.»

در یک همچین سؤال هایی که طراح از کلمات پیچیده تر و سنگین تری نسبت به اصل حدیث استفاده می کند، اصلاً نگران نباشید و به کلیدواژه ها دقت کنید: «ملاقات خداوند»، «ایمان کامل» و «ولایت و محبت امام عصر ا».

۴۱- گزینه ۳

استقامت و پایداری در برابر مشکلات، یکی از مسئولیت هایی است که مردم نسبت به رهبری دارند و این استقامت مردم فرصت و توان مقابله با مشکلات داخلی و خارجی را برای رهبر فراهم می کند. یعنی در واقع به انجام وظیفه رهبر در زمینه «حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان» کمک می کند.

دقت کنید:

در توضیح این وظیفه ی رهبر (حفظ استقلال...) آمده است: رهبر با دعوت مردم به استقامت و پایداری و بستن راه های سلطه، تلاش می کند عزت و استقلال کشور از دست نرود.

مسئولیت دیگر مردم در برابر رهبر، مشارکت در نظارت همگانی است که براساس آن، همه ما باید ناظر بر فعالیتهای اجتماعی باشیم و در صورت مشاهده گناه توسط هر کس، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را با روش درست انجام دهیم. این مشارکت سبب می شود که رهبر، همه افراد جامعه را پشتیبان خود بیابد و هدایت جامعه به سمت وظایف اسلامی برای رهبر جامعه آسان تر شود

سایر نکات درسی در این راستا:

همون طور که دیدین مسئولیت های رهبر و مردم به هم وابسته هستن دو موردش توی سؤال بالا بود، بقیه رو هم این جا براتون آوردیم:

● وحدت و همبستگی اجتماعی (از وظایف مردم) ← به رهبری امکان می دهد که برنامه های اسلامی را به اجرا در آورد.

● مشارکت در نظارت همگانی (از وظایف مردم) ← هدایت جامعه به سمت وظایف اسلامی برای رهبر جامعه آسان تر می شود.

● اولویت دادن به اهداف اجتماعی ← کمک خوبی به رهبری و حکومت است که بتوانند در اداره جامعه موفق تر باشند.

۴۲- گزینه ۳

در آیه «و الله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حَفَدَةً...» و خداوند برای شما همسرانی از (نوع) خودتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی نهاد...»، هدف از ازدواج و تشکیل خانواده، رشد و پرورش فرزندان بیان شده است.

به کلیدواژه های «بنین و حَفَدَةً: فرزندان و نوادگان، دقت کنید.

سایر نکات درسی در همین راستا:

در مورد اهداف ازدواج به آیه دیگر هم داریم که در ظاهر خیلی شبیه همین آیه است:

«و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمةً...» و از نشانه های خدا آن است که همسرانی از انواع خودتان برای شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و میان شما «دوستی» و «رحمت» قرار داد  
«...»

این آیه به هدف «آرامش و انس با همسر» اشاره می کند و کلیدواژه هایش هم «لتسکنوا: آرامش یابید» هستش. همین طور با توجه به کلیدواژه های «مودهً و رحمةً» به هدف «رشد اخلاقی و معنوی» هم اشاره داره.

۴۳- گزینه ۴

در مقدمه ی دوم نیازمندی جهان به خدا در پیدایش آمده است: یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد، در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.



ابیات «ذات نیافته از هستی، بخش / چون تواند که بود هستی بخش؟ خشک ابری که بود ز آب تهی / ناید از وی صفت آبدهی» در ارتباط با مفهوم مقدمه ی دوم هستند.

نکته:

در مقدمه اول از این مفهوم صحبت می شود که موجودات و از جمله انسان پدیده هستند و وجودشان از خودشان نیست.

در مقدمه دوم، از نیازمندی پدیده به پدیدآور صحبت می شود و این که بی نیازی به پدیدآورنده فقط در صورتی است که موجود ذاتاً از وجود داشته باشد و پدیده نباشد.

۴۴- گزینه ۴

هر کس مالک چیزی باشد، حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارد، اما دیگران بدون اجازه وی نمی توانند در آن تصرف یا از آن استفاده کنند. به این حق تصرف، ولایت و سرپرستی می گویند. از آنجا که خداوند، تنها مالک جهان است، تنها ولی و سرپرست جهان نیز است (پس ولایت خدا بر جهان برخاسته از / معلول مالکیت حقیقی اوست). و مخلوقات جز به اذن او نمی توانند در جهان تصرف کنند. چنین اذنی به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست (رد (۲) بلکه به این معناست که خداوند آن شخص را در مسیر و مجرای ولایت خود قرار داده است.

۴۵- گزینه ۱

خداوند در آیه ۳۳ سوره یوسف از زبان حضرت یوسف { می فرماید:

«قال ربَّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ: گفت: پروردگارا زندان برای من از آنچه مرا به سوی آن می خواننده محبوب تر است و اگر حيله آنها را از من بازنگردانی، به سوی آنها تمایل می کنم و از جاهلان می گردم.» این گفت و گو و درخواست حضرت یوسف از خداوند، بیانگر این مفهوم است که ایشان به حضور خداوند توجه دارد و می داند که تنها پناهگاه خداست و تنها با روی آوردن به سوی اوست که می تواند در دام زلیخا رهایی پیدا کند.

۴۶- گزینه ۲

روزی امیرمؤمنان علی { در جمع یاران خود از سایه دیوار کج که احتمال فروریختن آن وجود داشت، برخاست و زیر سایه دیوار دیگری نشست و به یاران خود فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم.» یعنی از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می برم، پس اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه ساز آن است و فرار از یک قضا با توجه به وجود اختیار و عقل در انسان ممکن است. در این سؤال آیه «أَنَا هُدِينَا السَّبِيلَ أَمَا شَاكِرًا وَا مَا كَفُورًا: ما راه رستگاری را به او نمایانندیم خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس» نیز به وجود اختیار در انسان اشاره می کند.

نکته:

در مثال سؤال، فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است و این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است. اما اگر دیواره ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو فضا را بشناسد تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند.

۴۷- گزینه ۳

دو واژه «ابرار: نیکان» و «اشرار، افراد شرور» این مفهوم را می رساند که سنت خواسته شده «توفیق» نیست؛ چون توفیق امداد خاص است و تنها مربوط به نیکوکاران است، پس به همین سادگی ۲ و ۴ حذف می شود. براساس سنت امداد، خداوند سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کس، هر کدام از راه پذیرش فرمان حق یا نافرمانی را برگزیند (یعنی جزء ابرار یا اشرار باشد)، بتواند از امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است به پیش برود و باطن خود را آشکار کند.

آیه «كُلَّمَا نُمِدَّ هَوَاءً وَ هَوَاءٌ مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا: هر یک از اینان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را مدد می رسانیم از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت (از کسی) منع نشده است.» نیز به سنت امداد اشاره می کند.

کلیدواژه ی «نُمدَّ: مدد می رسانیم» به انتخاب آیه در راستای سنت امداد کمک می کند.

نکته:

هر جا سخن از دو گروه (آخرت گرا و دنیاطلب / فرمان پذیر حق و از فرمان ناپذیر / نیکوکار و بدکار) شد، به سنت امداد اشاره شده است

۴۸- گزینه ۱

یکی از حيله های شیطان این است که انسان را به «تسویف» می کشاند.

«تسویف» از ریشه «سَوَف» و به معنای امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است. به عبارت دیگر، فرد گنهکار دائماً به خود می گوید «به زودی توبه می کنم.» و این گفته را آنقدر تکرار می کند تا این که دیگر میل به توبه در او خاموش می شود (تأخیر در توبه) این حيله شیطان بیشتر برای گمراه کردن جوانان به کار می رود. به او می گوید تو هنوز جوانی و فرصت توبه داری، بالاخره در آینده می توانی توبه کنی، اما این یک دام است و سبب عادت جوان به گناه می شود. کشاندن گام به گام و آهسته به سمت گناه نیز از حيله های شیطان است، اما به معنای «تسویف» نیست. (رد گزینه های ۳ و ۴)

۴۹- گزینه ۲

زنا، گناهی است که موقعیت خانواده را متزلزل می کند و سلامت جسمی و روحی انسان ها را به خطر می اندازد. خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَلَا تُقْرَبُوا الزَّوْجَةَ إِنَّهَا كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا: به زنا نزدیک نشوید، قطعاً آن عملی بسیار زشت و راهی ناپسند است»

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) «لیزدادوا اثمًا و لهم عذابٌ مهینٌ: تا بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذابی خوار کننده است.» به کسانی اشاره می کند که شامل سنت املائی الهی شده اند.

آیه ۳) «فیهما اثمٌ کبیرٌ و منافعٌ للنّاس و اثمهما اکبر من نفعهما: در آن دو گناهی بزرگ و منفعت هایی برای مردم است، اما گناهشان بزرگ تر از منفعتشان است.» در مورد دو عمل حرام شراب و قمار است. (با توجه به این که این آیه از دو عمل صحبت کرده و مثنی است، به راحتی قابل حذف شدن به عنوان پاسخ است.)

آیه ۴) «ام من اسّس بنیانه علی شفا جرفٍ هارٍ فانهار به فی نار جهنّم: یا کسی که بنای خود را بر لبه پرتگاهی در حال سقوط ساخته و با آن در آتش دوزخ فرومی افتد.» در مورد کسانی است که زندگی دینی را کنار گذاشته و از دستورات خداوند اطاعت نمی کنند.

۵۰- گزینه ۲

قرآن کریم، اصولاً تلقی درجه دوم بودن زن را به شدت نفی کرد و با این که در آن عصر و حتی تا همین دوره های اخیر، در اروپا زن را براساس تورات، موجود درجه دوم تلقی می کردند، آیات قرآنی با این نگاه مبارزه کرد.

خداوند در آیه «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم ازواجاً؛ و از نشانه های خدا آن است که همسرانی از (نوع) خودتان برای شما آفرید.» به یکسانی مقام انسانی زن و مرد اشاره می کند.

۵۱- گزینه ۲

از آن جا که روح انسان بی نهایت طلب است و خوبی ها را به صورت بی پایان می خواهد، پس شایسته است که تنها خدا و بندگی او را به عنوان هدف نهایی خود انتخاب کند.

۵۲- گزینه ۳

پیامدهای انکار معاد:

(۱) بی ارزش شدن زندگی چندروزه ی دنیا

(۲) دچار شدن به یأس و ناامیدی

(۳) از دست دادن شادابی و نشاط زندگی

(۴) کناره گیری از دیگران

(۵) دچار شدن به انواع بیماری های روحی

سایر گزینه های (۱) (۲) و (۴)، از پیامدهای اعتقاد به معاد هستند.

عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و جهان را بر عدل استوار ساخته است. زندگی انسانها نیز داخل این نظام عادلانه قرار دارد؛ از این رو خداوند وعده داده است که هر کس را به آن چه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند. اما زندگی انسان در دنیا به گونه ای است که امکان تحقق این وعده را نمی دهد. بنابراین باید جهان دیگری به نام آخرت وجود داشته باشد تا انسان ها به آن چه استحقاقش را دارند برسند.

آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ: آیا ما آن ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند با تباهاکاران یکسان قرار خواهیم داد؟ آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟» نیز با بیان پرسش های انکاری بر لزوم آخرت براساس عدل الهی تأکید می کند.

بررسی سایر گزینه ها:

و آیه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ: آیا پنداشته اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟ بیانگر ضرورت معاد براساس حکمت الهی است. دقت کنید آیه ۱۶ مؤمنون؛ یعنی «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ» در کتاب نیست و تأثیری هم در پاسخ گویی سؤال ندارد.

۲) آیه « حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ: آن گاه که مرگ یکی از آنها فرا رسد می گوید: پروردگارا مرا بازگردانید، باشد که عمل صالح انجام دهم، آنچه را در گذشته ترک کرده ام، بیانگر درخواست دوزخیان در عالم برزخ از خداوند مبنی بر بازگشت به دنیا است تا اعمال صالحی را که ترک کرده اند، انجام دهند. این آیه به وجود شعور و آگاهی در عالم برزخ نیز اشاره دارد.

۴) آیه ی « اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا: خداوند کسی است که هیچ خدایی جز او نیست او قطعاً شما را در روز قیامت جمع می کند که شکی در الوقوع آن نیست و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است؟»، به قطعیت معاد از نظر قرآن کریم و براساس صادق القول بودن خداوند اشاره می کند.

«تغییر در ساختار زمین و آسمان ها» یکی از وقایع مرحله اول قیامت است که پس از «شنیده شدن صدایی مهیب» (نفخ صور اول) اتفاق می افتد. در طی این واقعه، تحولی عظیم در آسمان ها و زمین رخ می دهد. این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمان ها و زمین به آسمان ها و زمینی دیگر تبدیل می شوند.

در واقعه ی کنار رفتن پرده از حقایق عالم است که سرگذشت انسان ها و حوادث دیده می شوند. (رد گزینه های ۳ و ۴)

نکته:

۱) قرآن کریم از این صدای مهیب و سهمگین که در عالم می پیچد به «نفخ صور: دمیدن در شیپور» یاد می کند  
۲) در ابتدای مرحله دوم قیامت بار دیگر این صدای مهیب شنیده می شود، اما این بار منجر به زنده شدن همه انسان ها می شود. (رد ۲)

سایر نکات درسی در این راستا:

وقایع دو مرحله قیامت را با هم مرور می کنیم:

مرحله اول:

۱) شنیده شدن صدایی مهیب

۲) مرگ اهل آسمان ها و زمین

۳) تغییر در ساختار زمین و آسمان ها

مرحله دوم:

۱) زنده شدن همه انسان ها

۲) کنار رفتن پرده از حقایق عالم

۳) برپاشدن دادگاه عدل الهی

۴) حضور شاهدان و گواهان

۵) دادن نامه ی اعمال

۵۵- گزینه ۲

گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه ای از قراردادها تعیین می شود، مانند این که اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن کار دریافت می کند یا اگر کسی مرتکب جرمی شود (مانند عدم تبعیت از قوانین راهنمایی و رانندگی) مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه نقدی یا در موارد دیگر به زندان و نظایر آن محکوم می شود.

آنچه در این جا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

هماهنگ کردن برنامه ی زندگی با آن، مربوط به رابطه ی «نتیجه ی طبیعی خود عمل» است و ارتباطی با مثال صورت سؤال ندارد. (رد گزینه های دیگر)

سایر نکات درسی در این راستا:

در مورد رابطه ی قراردادی به نکته مهم دیگه هم وجود داره اونم این که «از آنجا که رابطه بین کارها و پاداش‌ها و کيفرها، یک رابطه قراردادی است، انسان ها می توانند با وضع قوانین جدید این رابطه ها را تغییر دهند.» اما در رابطه ی «نتیجه ی طبیعی خود عمل» این ویژگی وجود ندارد، یعنی چون پاداش و کيفر، محصول طبیعی خود عمل هستش، انسان ها نمیتونن تغییرش بدن بلکه «باید خود را با آن هماهنگ کنند و با آگاهی کامل از آن برنامه زندگی خود را تنظیم و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند.» (به جورایی تفاوت این دو رابطه رو گفتیم!)

۵۶- گزینه ۴

امام علی { می فرمایند: «گذشت ایام، آفاتی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم ها و کارها می شود». پس آفت گذشت ایام، از هم گسیختگی تصمیم ها و کارها است

از آن جا که در کتاب درسی این حدیث در زیر تیتر «مراقبت» مطرح شده، پس مرتبط با این اقدام می باشد.

۵۷- گزینه ۱

عشق و محبت الهی، افسردگی، ترس و یأس را از بین می برد و به انسان، نشاط، شجاعت و قدرت می بخشد. محبت الهی، تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم طاقت و ناشکیبا را صبور و شکيبا می کند و سرانجام آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خود گذشتگی می رساند.

عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی را به وی عطا می کند.

سایر نکات درسی در همین راستا:

این همه تحول (یعنی نشاط و شادی و شجاعت و بخشنده شدن و... بر اثر عشق به خداوند)، به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خدا است و جز با خدا آرام و قرار نمی یابد.

امام صادق { هم در همین زمینه فرمود: «قلب انسان حرم خدا است، در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.»

۵۸- گزینه ۴

یکی از شرایط برای روزه نگرفتن در سفر این است که رفتن شخص بیشتر از ۴ فرسخ شرعی و مجموع رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد. در (۴) آمده است که رفتن او کم تر از چهار فرسخ شرعی است، پس یکی از شرایط برای روزه نگرفتن وجود ندارد و شخص باید در این سفر روزه بگیرد

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزهاش را بگیرد. اما در ۱، بیان شده که فرد به چنین سفری نرفته! پس این که در سفر باید روزه بگیرد، شامل حال او نمی شود.

۲) کسی که بخوهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد  
۳) کسی که برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد، نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد. (اگر به قصد کار حرام، مانند ستم به مظلوم با همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد.)

۵۹- گزینه ۱

امام کاظم { به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم، فرمود: «ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که بندگان در پیام الهی تعقل کنند..». پس فلسفه و علت ارسال رسل از نظر ایشان تعقل در پیام الهی بود.

خداوند برنامه ی هدایت خود را از طریق انبیا برای انسان ارسال کرده است اما انسان به علت دارا بودن اختیار می تواند راه های دیگری را نیز برگزیند قرآن کریم چنین کسی را «ناسپاس» نامیده و می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ أَمَّا شَاكِرًا وَّ أَمَّا كَفُورًا: ما راه را به او نشان دادیم، خواه سپاسگزار باشد، خواه ناسپاس..»

آیه ی «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَّ مُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حِجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ: رسولانی (را فرستاد که) بشارت دهنده و انذار کننده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند، دستاویز و دلیلی نباشد.» بیانگر اتمام حجت خداوند با مردم به واسطه ارسال پیامبران است. (رد گزینه های ۳ و ۴)

۶۰- گزینه ۳

خداوند به کسانی که در الهی بودن قرآن کریم شک دارند، پیشنهاد کرده است تا کتابی همانند آن را بیاورند و برای اثبات نهایت عجز و ناتوانی آنان، پیشنهاد آوردن حتی یک سوره مانند سوره های قرآن را هم به آنها داده است:

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ: می گویند (پیامبر قرآن را) به خداوند افترا بسته است، بگو: اگر می توانید یک سوره همانند آن را بیاورید.»

بررسی سایر گزینه ها:

۱) آیه « أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا: پس آیا در قرآن تدبر نمی کنند؟ و اگر از نزد غیر خدا بود، قطعاً در آن ناسازگاری بسیار می یافتند.» به عدم ناسازگاری در قرآن اشاره می کند و بیانگر انسجام درونی در عین نزول تدریجی یکی از جنبه های محتوایی اعجاز قرآن است.

۲) آیه « و مَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَّ لَا تَخْطُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِأَرْتَابِ الْمُبِطِلُونَ: و پیش از آن هیچ نوشته ای را نمی خواندی و با دست خود آن را نمی نوشتی که در آن صورت، کجروان به شک می افتادند.» به درس نخوانده بودن (امی بودن) پیامبر، اشاره می کند که این عامل سبب شده که کج اندیشان نتوانند شک و شبهه ای ایجاد کنند.

۴) آیه « قُل لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ: بگو: اگر تمامی انس و جن جمع شوند تا همانند قرآن را بیاورند، نمی توانند همانند آن را بیاورند.» بر این موضوع تأکید می کند که انسان ها و حتی جن ها هیچ گاه نمی توانند همانند قرآن را بیاورند.

۶۱- گزینه

لازمه ی ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پس آنچه سبب باقی ماندن تعالیم پیامبران در میان مردم و ماندگاری پیام الهی شد، استمرار در دعوت پیامبران و ترویج پیوسته دین الهی (یکی از علل فرستادن پیامبران متعدد) بود

به کلیدواژه های «باقی ماندن» و «ماندگاری» در صورت سؤال و «استمرار» و «ترویج پیوسته» در گزینه صحیح دقت کنید.

سایر گزینه ها نیز به نحوی به علل تجدید نبوت، یعنی «رشد تدریجی سطح فکر مردم» و «تحریف تعلیمات پیامبر پیشین» اشاره می کنند اما با موضوع صورت سؤال در ارتباط نیستند.

۶۲- گزینه ۳

امام خمینی (ره) در مورد لازم الاجرا بودن دور کردن آثار شرک از جامعه مسلمانان می فرماید: «به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی نظامی شرک آمیز است، چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم.» این سخن ایشان بیانگر «ضرورت پذیرش ولایت الهی و نفی حاکمیت طاغوت»، از دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است و با آیه « أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ ... : آیا ندیده ای کسانی که گمان می برند به آن چه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می خواهند داوری به نزد طاغوت برند، در حالی که به آنان دستور داده شده که به آن کفر بورزند و شیطان می خواهد آنان را به گمراهی دور و دراز بکشاند.» که به نفی حاکمیت طاغوت تأکید دارد. در ارتباط می باشد.

بررسی سایر گزینه ها:

۱) آیه ی « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ: به راستی که پیامبرانمان را همراه با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به اقامه عدل و داد برخیزند.» به ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام اشاره می کند.

۲) آیه ی تطهیر درباره عصمت اهل بیت است و ارتباطی با سخن امام خمینی (ره) ندارد.

۴) آیه « وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ؛ و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.» بیان می کند که تنها دینی که می تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند، اسلام است.



### ۶۳- گزینه ۱

حدود سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر آمد: «و أنذر عشیرتک الاقربین: خویشان نزدیکت را انذار کن.»

در آن جلسه پس از آن که تنها حضرت علی { قاطعانه اعلام آمادگی و وفاداری نسبت به پیامبر اکرم ، کرد، پیامبر ، دست آن حضرت را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود: «همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود.»

پیامبر ، در حدیث منزلت خطاب به حضرت علی { فرمود: «تو برای من به منزله ی هارون برای موسی هستی، جز این که بعد از من پیامبری نیست.» (رد گزینه های ۳ و ۴)

### ۶۴- گزینه ۴

ابن ابی الحدید که از دانشمندان بزرگ اهل سنت است، شرح مفصلی بر نهج البلاغه نوشته که امروزه در چندین جلد، چاپ شده است، در مقدمه کتاب خود می گوید: «به حق، سخن علی را از سخن خالق (قرآن) فروتر و از سخن مخلوق (دیگر انسان ها) برتر خوانده اند...»

این سخن بیانگر علم بی کران امیرالمؤمنین { است و به همین دلیل با حدیث گهربار پیامبر اکرم ، که می فرمایند: «أنا مدینة العلم و علیُّ بأبها: من شهر علم هستم و علی در آن است.» ارتباط مفهومی داشته و بر آن تأکید می کند بررسی سایر گزینه ها:

گزینه های ۱ و ۳، بیانگر فضایل حضرت علی { هستند و (۲) نیز به منزلت و جایگاه حضرت علی { اشاره می کند و هیچ کدام به طور مستقیم به «علم بی کران» ایشان اشاره ندارند.

### ۶۵- گزینه ۳

برخی از عالمان وابسته به بنی امیه و بنی عباس و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الأحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان (حاکمان بنی امیه و بنی عباس) پرداختند و سبب تحریف معارف اسلامی شدند.

### ۶۶- گزینه ۳

در دوره غیبت، بنا به فرمان امام زمان ا و به نیابت از ایشان، «فقیهان» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «رهبری و ولایت» (ولایت ظاهری) را برعهده دارند و البته از میان همه فقیهان واجد شرایط، کسی که توانایی سرپرستی و ولایت جامعه را دارد، عهده دار حکومت (ولایت ظاهری) می شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا در می آورد که به او «ولی فقیه» می گویند. (پس قسمت اول و دوم گزینه های ۱ و ۳ درست تر است.)

آیه « وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ ...: و نمی شود که مؤمنان، همگی (برای آموزش دین) اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را (به طور عمیق) بیاموزند...»، به دستور قرآن کریم مبنی بر «تفقه در دین» و مرجعیت دینی اشاره می کند.

۶۷- گزینه ۲

حضرت زینب { در پاسخ به جمله ی تحقیر آمیز عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه که گفت: «دیدنی خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟ با قدرت فرمود: «(در این واقعه) جز زیبایی ندیدم.»، این جمله حاکی از عزت بالای ایشان دارد که با تکیه بر بندگی خداوند و پیوند با او به دست آمده است. بنابراین سخن ایشان با آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدَ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا: هر کس عزت می خواهد (بداند) که هر چه عزت است، از آن خداست.» تناسب مفهومی دارد.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه ی « لَمْ يَكُ مَغْبِرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَيَّ قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ: نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی دهد، مگر آن که آنها، خود وضع خود را تغییر دهند.»، علت از دست دادن نعمت ها را خود مردم و عملکردشان می داند و ارتباطی با عزت نفس ندارد.

(۳) آیه ی « إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا: همانا خداوند اراده کرده که دور گرداند از شما اهل بیت، پلیدی و ناپاکی را و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد.» بیانگر عصمت اهل بیت [ است

(۴) آیه « وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ: ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه روزی شان دادیم.» بیانگر جایگاه انسان ها در نظام خلقت است.

نکته:

صورت عربی آیه ی (۴)، در کتاب های نظام قدیم بوده و در کتاب های نظام جدید تنها بخشی از ترجمه آن در صفحه ۱۵۸ کتاب درسی بیان شده است، پس بد نیست که شما دانش آموزان نظام جدید هم ابا صورت عربی آن آشنا باشید.

۶۸- گزینه ۴

رشد اخلاقی و معنوی: پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه های فساد را از خود دور می کنند، پس مسئولیت پذیری را تجربه می نماید.

آیه « وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً: و از نشانه های خدا آن است که همسرانی از نوع خودتان برای شما آفرید تا با آن ها آرامش یابید و میان شما «دوستی» و «رحمت» قرار داد. این مفهوم دریافت می شود که زمینه ساز مودت و رحمت، احساس آرامش درونی زن و مرد است.

سایر نکات درسی در همین راستا:

از آیه (وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ...) نکته های دیگه ای هم برداشت میشه که می خوایم اونها رو هم این ها بگیم براتون:

- ۱- هدف از تشکیل خانواده در این آیه «انس با همسر» و برخورداری از آسایش و آرامش است
- ۲- نگاه اسلام به زن و مرد این است که آنها از یک جنس خلق شده اند، بنابراین هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد
- ۳- آفرینش همسرانی از جنس خود انسان و ایجاد مودت و رحمت بین همسران، به عنوان آیات و نشانه های الهی در این آیه مطرح شده اند.

۶۹- گزینه ۳

این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان اند، یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده اند، به معنای آن است که هر کدام از آنها محدود و ناقص هستند و به تنهایی نمی توانند کل جهان را خلق کنند. هم چنین به معنای آن است که هر یک از خدایان مذکور کمالاتی دارد که دیگری آن کمالات را ندارد و گرنه عین همدیگر می شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی، خود، نیازمند هستند و هر یک از آنها به خالق کامل و بی نیازی احتیاج دارد که نیازش را برطرف نماید، پس تصور چند خدایی صحیح نیست و خدای واحد آفریننده ی جهان است.

← توحید در خالقیت

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه های ۱ و ۴ به توحید در ربوبیت اشاره می کنند.

(۲) بیانگر توحید در ولایت است

سایر نکات درسی در همین راستا:

توحید در خالقیت عبارت است از این است که معتقد باشیم خداوند تنها مبدا و خالق جهان است، موجودات، همه مخلوق او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد

۷۰- گزینه ۴

از آیه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ: همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بندگی کنید (که) این راه راست (و درست) است. این مفهوم برداشت می شود:

که اعتقاد به این که «خدا تنها اداره کننده ی جهان است» (توحید در ربوبیت)، در می یابیم که تنها وجود شایسته پرستش، خدا است. (توحید عملی)

به عبارت دیگر، نتیجه‌ی اعتقاد به توحید در ربوبیت، بندگی و اطاعت از خداست که راه درست زندگی است.

۷۱- گزینه ۳

حکمت، به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطا است که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می‌دهد و مانع لغزش‌ها و تباهی‌ها می‌شود. انسان حکیم، به درجاتی از بصیرت و روشن بینی می‌رسد که می‌تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود.

پس رسیدن به درجاتی از بصیرت از نتایج دستیابی به اندیشه‌های محکم و دانش استوار یا همان حکمت است.

نکته:

پ دستیابی به درجاتی از حکمت، از میوه‌های درخت اخلاص است.

۷۲- گزینه ۳

آیه « وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ: و کسانی که در راه ما جهاد (و تلاش) کنند، حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم و در حقیقت خداوند با نیکوکاران است.»

بیانگر سنت توفیق الهی (امداد خاص) است و براساس آن یکی از جلوه‌های توفیق الهی، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است

۷۳- گزینه ۴

خدای متعال به حضرت داود { فرمود: «ای داود! اگر روی گردانان از من می‌دانستند که چگونه انتظار آنها را می‌کشم و شوق بازگشتشان را دارم، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می‌دادند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گسست.»

۷۴- گزینه ۴

رسول خدا، به رسالت برانگیخته شده بود تا جامعه‌ای بنا نهد که در آن جامعه، به جای حکومت ستمگران و طاغوتیان، ولایت الهی حاکمیت داشته باشد و نظام اجتماعی بر پایه قوانین و دستورات الهی استوار گردد؛ یعنی روابط اجتماعی مردم، بر مبنای دستورات خداوند تنظیم شود و غیر خدا اطاعت نشود، این مفهوم از آیه « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا، رسول و صاحبان امر را اطاعت کنید » نیز برداشت می‌شود. (ولایت مداری، یکی از معیارهای تمدن اسلامی است که در این سؤال به آن اشاره شده است.)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) آیه «لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط: به راستی که پیامبرانمان را همراه با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به اقامه عدل و داد برخیزند.»، به عدالت محوری، یکی دیگر از معیارهای تمدن اسلامی اشاره می کند.

۲) آیه « أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ؛ به راه پروردگارت دعوت کن با دانش استوار و اندرز نیکو و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است، مجادله نما»، بیانگر «ترسیم چهره عقلانی و منطقی دین اسلام» و روش های صحیح دعوت است.

۳) آیه « مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...: کسی که به خدا ایمان آورد و به روز قیامت و کار شایسته انجام دهنده پس برای آنان نزد پروردگارشان پاداش است...» به دو معیار «توحید محوری» و «آخرت گرایی» از معیارهای تمدن اسلامی اشاره می کند.

۷۵- گزینه ۲

امام خمینی (ره) می فرماید: «نکته ی مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند، به یقین، آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند...»

سایر نکات در همین راستا:

۱) این سخن امام خمینی (ره) در راستای «مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر»، یکی از مسئولیت های ما در حوزه عدل و قسط بیان شده است.

تا حالا چند بار توی کنکورهای مختلف از این سفن سؤال اومده پس بهتره که بقیه نکاتش رو هم بدونید:

۲) امام خمینی در ادامه ی صحبتشان، آیه قرآن کریم را بیان می کنند و می فرمایند: «به گفته قرآن کریم دشمنان هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند، مگر این که شما را از دینتان برگردانند.» پس حواستون باشه که این جمله آیه قرآن هستش!

۳) ادامه صحبتشون هم این هست که «ما چه بخوایم و چه نخواهیم صهیونیست ها، آمریکا و شوروی در تعقیب ما خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند.»

۷۶- گزینه ۳

علت آن که خداوند شیطان را از درگاه خود راند و برای همیشه او را طرد کرد، آن بود که فرمان خدا را برای سجده بر انسان اطاعت نکرد.

در مورد راه شکست این دشمن (شیطان):

راه پیروز شدن در برابر این دشمن (شکست او) را می توان در کلام امام عصر ا یافت، که می فرماید: «هیچ چیز مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد.»

در مورد «گرایش به نیکی ها و خوبی ها» می دانیم که این گرایش به عنوان یک سرمایه از طرف خداوند، در وجود همه ی انسان ها وجود دارد، اما برخی انسان ها وجود این گرایش، تسلیم شیطان می شوند. (رد ۴)

۷۷- گزینه ۳

نترسیدن خداپرستان (الهیون) از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

دقت کنید که منظور از «الهیون» کسانی هستند که دیدگاه اعتقاد به معاد دارند و نترسیدن از مرگ به پیامد دوم این اعتقاد اشاره می کند.

۷۸- گزینه ۳

حضرت علی در راه بازگشت از جنگ صفین به قبرستانی رسیدند. در این هنگام رو به قبرها کردند و فرمودند: «...ای آرمیدگان در خاک، ای اهل غربت و تنهایی، ای فرورفتگان در وحشت، شما در رفتن بر ما پیشی گرفتید و ما از پی شما می آییم...». سپس آن حضرت به یاران خود نگاه کردند و فرمودند: «اگر به آنان اجازه ی سخن گفتن داده می شد، خبر می دادند و می گفتند: یقیناً بهترین توشه برای ابدیت تقواست». این سخن حضرت علی { از جمله سخنان پیشوایان دین در مورد عالم برزخ و وجود شعور و آگاهی در آن عالم است.

بررسی سایر گزینه ها:

در همین راستا پیامبر / خطاب به بزرگان لشکر کفار که در جنگ بدر کشته شده بودند، فرمود:

«آن چه پروردگاران به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید».

در مورد گزینه های ۱ و ۲ با توجه به این که می دانیم مردگان در عالم برزخ قادر به سخن گفتن با انسان ها در دنیا نیستند، پس به راحتی این دو گزینه حذف می شود.

۷۹- گزینه ۲

برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می کنند بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها مهر خاموشی می زند و اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می کنند و علیه صاحب خود شهادت می دهند:

« وَ قَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ...: آنها به پوست خود می گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ گویند: ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن آورد.» با دقت در کلیدواژه های

«لجلودهم: پوست خود»، «شهدتم: شهادت دادید» و «انطقنا: به سخنان آورد» به راحتی و به سرعت به پاسخ درست می رسید.

۸۰- گزینه ۱

دوزخیان گاهی دیگران را مقصر می شمارند و می گویند: «شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما شدند»، اما شیطان می گوید:

«خدا به شما وعده راست داد و من به شما وعده دروغ دادم؛ اما من بر شما تسلطی نداشتم...»

سایر نکات درسی در این راستا:

۱) در قیامت، جهنمیان وقتی اوضاع رو وخیم می بینن، حسرت می خورن و دنبال این هستن که راه فراری پیدا کنن: اول از همه از خدا میخوان که بر گردن به دنیا.

«پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از این جا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می دهیم.»

۲) اما خداوند قاطع پاسخ اون ها رو می ده (پاسخ قطعی خداوند به دوزخیان): «آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می خواست به راه راست آید؟» و «ما می دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می گیرید.»

۳) بعدش می گن شیطان مقصر بوده و ... که شیطان هم جوابشونو می ده (سخن شیطان در مقابل ادعای دوزخیان که او را مقصر می دانند): «خدا به شما وعده ی راست داد و من به شما وعده دروغ دادم. اما من بر شما تسلطی نداشتم. من فقط شما را فرا خواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید»

۴) آخر سر هم می رن سراغ نگهبان های جهنم و فرشته ها که اونا هم با یه سؤال، ناامیدشون میکنن. (پاسخ نگهبانان جهنم به دوزخیان که طلب تخفیف مجازات دارند: «مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟»

۸۱- گزینه ۴

خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است شرط اصلی (لازمه ی) دوستی با خدا اعلام می کند: «قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله: بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان دارد.» همین موضوع در کلام امام صادق { نیز چنین آمده است: « ما احبَّ الله من عصاه: کسی که از فرمان خدا سرپیچی کند، او را دوست ندارد»

توجه:

۱) در صورت سؤال گفته شده «عبارت»، نه «عبارت قرآنی یا آیه»

پس جواب می تواند حدیث باشد.

۲) آیه « وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ: اما کسانی که ایمان آورده اند به خدا محبت بیشتری دارند.» به موضوع محبت و عشق به خداوند اشاره دارد، به شرط دوستی با او (رد گزینہ های ۱ و ۳) و براساس همین آیه، یکی از ویژگی های مؤمنان، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خداست.

۸۲- گزینه ۲

یکی از اعمالی که تأثیر نماز را از بین می برد، ناراحت کردن پدر و مادر است. امام صادق { در این باره می فرماید: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند - هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست»

عمل دیگری که تأثیر نماز را از بین می برد، غیبت کردن است که پیامبر ، در این مورد به ابوذر فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی شود؛ مگر این که فرد غیبت شده، او را ببخشد». (۴) پس به خاطر بسپارید:

ناراحت کردن پدر و مادر ← کلاً نماز پذیرفته نیست!

غیبت کردن ← تا چهل روز نماز و روزه پذیرفته نیست!

۸۳- گزینه ۲

یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است برخی انسان ها در آراستگی و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروری می شوند؛ به گونه ای که در آراسته کردن خود، زیاده روی می کنند و به خودنمایی می رسند (حالت تبرج)؛ پس آراستگی از سلامت نفس ناشی می شود و خودنمایی از حقارت نفس با توجه به آنچه گفتیم آراستگی جنبه مثبت دارد و خودنمایی جنبه منفی، پس در میان گزینه ها به راحتی میتوان به دنبال گزینه ای گشت که این ویژگی را داشته باشد. عفاف و مقبولیت هر دو جنبه مثبت دارند (رد ۱)

جهالت و تبرج نیز هر دو منفی هستند (رد ۳). افراط و تفریط به معنی زیاده روی و کوتاهی هم هر دو جنبه منفی دارند و خارج از تعادل هستند (رد ۴).

۸۴- گزینه ۴

قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره احزاب هم حدود حجاب و هم علت با فلسفه ی حجاب را بیان می کند:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ: ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمن بگو پوشش های خود را به خود نزدیک تر کنند (حدود حجاب)، این برای آن که (به عفاف) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (علت حجاب)»



دقت کنید:

در این آیه گفته شده زنان جلباب ها یا پوشش های خود را به خود نزدیک تر کننده یعنی این پوشش وجود داشته و قرآن با بیان عبارت به خود نزدیکتر کنند، حدود آن را مشخص می کند. بنابراین، زنان مسلمانان از همان ابتدا موی سر خود را می پوشاندند، ولی با حدود آن آشنا نبودند

۸۵- گزینه ۲

مصراع اول شعر: «از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود، با توجه به کلیدواژه ی «آمدنم بهر چه بود» به نیاز «شناخت هدف زندگی» و مصراع دوم شعر: «به کجا می روم آخر نمایی وطنم» با توجه به کلیدواژه «به کجا می روم»، به نیاز «درک آینده خویش»، اشاره می کند.

نیازهای اساسی و برتر انسان برآمده از سرمایه های ویژه ای است که خداوند به انسان عطا کرده است و پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می کند. (سرمایه های ویژه ی انسان عبارت بودند از عقل، اختیار، گرایش به نیکی، وجدان، راهنمایان الهی)

توجه:

بینش های خاص انسان منشأ اختلاف ها در انتخاب هدف است و این موضوع در درس ۱، سال دهم بیان شده است و ارتباطی با منشأ نیازهای برتر ندارد.

۸۶- گزینه ۲

در بخش اعجاز لفظی قرآن می خوانیم که: «ساختار زیبا، و «آهنگ موزون» و دلنشین کلمه ها و جمله ها، «شیرینی بیان» و «رسایی تعبیرات با وجود اختصار» سبب شده بود که سران مشرکان، مردم را از شنیدن قرآن منع کنند. تمام کلیدواژه های بالا به علاوه کلیدواژه های «زیباترین و مناسب ترین» کلمات و عبارت ها، «نفوذ خارق العاده» در افکار و قلوب و افصاحت و بلاغت، همگی بیانگر اعجاز لفظی قرآن هستند.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) به انسجام درونی در عین نزول تدریجی قرآن و ۴، به ذکر نکات علمی بی سابقه، از جنبه های اعجاز محتوایی قرآن کریم اشاره دارند.

(۳) نیز به طور کلی نادرست است، چون قرآن کریم از عقاید دوران جاهلیت مودم حجاز تأثیر نپذیرفت

۸۷- گزینه ۲

حدود سه سال پس از بعثت، طبق فرمان خداوند: «و آنذر عشیرتک الاقربین: خویشان نزدیکت را انذار کن» پیامبر، در بین حدود چهل نفر از خویشان خود با بیان جمله ی «همانا این، (حضرت علی { برادر من، وصی من و جانشین

من در میان شما خواهد بود.» جانشین خود را در همان ابتدای دعوتش مشخص کرد. در واقع انجام این کار به این معناست که:

(۱) جانشینی پیامبر چنان اهمیتی دارد که از همان روزهای اول دعوت باید برای مردم مشخص شود.

(۲) جانشینی پیامبر ویژگی هایی دارد که نمی توان آن را به انتخاب مردم واگذار کرد؛ به همین جهت باید از همان ابتدا به مردم معرفی شود تا مردم آن جانشین را بشناسند

۸۸- گزینه ۳

بنا بر سخنان جابر بن عبدالله انصاری، از یاران خوب رسول خدا، و نزول آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»: کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اینان بهترین مخلوقات اند.» بعد از (مؤخر از) دو حدیث پیامبر، درباره حضرت علی { صورت گرفته است:

(۱) «سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد و شیعیان و پیروان او، رستگاران و در روز قیامت، اهل نجات اند.»

(۲) «این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا راسخ ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات بین آنها و ارجمندترین شما نزد خداست.»

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) سخن پیامبر، در یوم الانذار و مراسم دعوت از خویشان است.

(۲) حدیث منزلت است و ارتباطی به آیه ندارد.

(۴) حدیث ثقلین است و ارتباطی به آیه ندارد و به طور کلی سایر گزینه ها احادیثی هستند که در باب جانشینی حضرت علی { بیان شده اند، اما آیه و حدیث ۳ در رابطه با بیان فضایل و مقام بلند حضرت علی { نزد خدا و پیامبر، است

۸۹- گزینه ۳

پس از گذشت مدتی از رحلت پیامبر، جاهلیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. شخصیت های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر، منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت قرب و منزلت یافتند، حاکمان بنی امیه و بنی عباس نیز، به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیانشان کاخ های بزرگ و مجلل ساختند و خزائن خود را از جواهرات گران قیمت انباشته کردند و به این صورت حکومت عدل نبوی به سلطنت تبدیل شد.

۹۰- گزینه ۳

امام رضا { پس از بیان حدیث سلسله الذهب: (کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی: کلمة لا اله الا الله قلعه ی محکم من است، هر کس به این قلعه محکم من وارد شود، از عذاب من در امان است. فرمود: «بشروطها و انا من شروطها: اما به شرط های آن و من از جمله شرط های آن هستم».

مقصود امام { (از نحوه ی بیان خاص حدیث یعنی اضافه کردن جمله ای در پایان آن) این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر می گردد.

سایر نکات درسی در همین راستا:

(۱) بیان حدیث «سلسله الذهب» از زبان امام رضا { در راستای اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر , از جمله اقدامات مربوط به مرجعیت دینی ائمه [ بود

(۲) امام رضا { این حدیث را در بین مردم نیشابور بیان کردند.

(۳) شیوه بیان امام در نقل این حدیث (من از پدرم، امام کاظم { شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق { و ایشان ... نشان می دهد که چگونه احادیث رسول خدا , از امامی به امام دیگر منتقل می شده است

(۴) این حدیث به جهت توالی و پشت سر هم آمدن اسامی امامان در آن، به حدیث سلسله الذهب (یعنی زنجیره ی طلایی) مشهور است.

۹۱- گزینه ۱

خداوند نعمت هدایت را با وجود امامان تمام و کامل گردانید و راه رسیدن به رستگاری را برای انسان ها هموار ساخت. در همین رابطه پیامبر اکرم , خود و امام علی { را پدران امت معرفی فرموده است.

۹۲- گزینه ۲

امیرالمؤمنین علی { در عهدنامه مالک اشتر می فرمایند:

«دل خویش را نسبت به مردم، مهربان کن و با همه، دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو و دسته ای دیگر در آفرینش همانند تو هستند»

سایر نکات درسی در این راستا:

حضرت علی { در عهدنامه مالک اشتر در واقع وظیفه کارگزاران رو مشخص کردن و همون جا علت رو هم گفتن. به عنوان مثال در همین سخن حضرت علی {: وظیفه کارگزاران ← دوستی و مهربانی با شهروندان است.

علت ← برخی از شهروندان برادر و خواهر دینی و هم این کارگزار هستند و دوستی و مهربانی با هم آیین ضروری است. برخی از شهروندان هم، هم نوع هستند و مهربانی با هم نوع هم ضروری است

پاسخ سوال: «چرا خداوند می تواند نیاز انسان و هر موجود دیگری را برطرف کند؟» این است:

هر موجودی غیر خداوند خود نیازمند است و باید شخص دیگری نیاز او را برطرف کند، اما چون خداوند بی نیاز مطلق است (هو الغنی) و به هیچ چیز وابسته نیست، می تواند نیاز هر موجود دیگری را برطرف کند این موضوع از آیه شریفه «و الله هو الغنی الحمید: و خدا است که (تنها) بی نیاز ستوده است.» برداشت می شود.

به کلیدواژه «غنی: بی نیاز» برای پاسخگویی دقت کنید.

بررسی سایر گزینه ها:

آیه ۲، «انتم الفقراء الی الله»: شما به خداوند نیازمند هستید.» به فقر و نیازمندی موجودات نسبت به انسان اشاره می کند. در صورتی که سؤال از توانایی خداوند در برطرف کردن نیاز انسان و سایر موجودات صحبت کرده است.

آیه ۳، «کلّ یوم هو فی شأن: او همواره دست اندرکار امری است.» به این موضوع اشاره می کند که خداوند هر لحظه دارای فیضی جدید و مستمر برای آفریده هاست و همواره امور هستی را تدبیر و اداره می کند.

آیه ۴، «یسأله من فی السّموات و الأرض: هر آنچه در آسمان ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می کند.» به نیازمندی لحظه به لحظه همه موجودات به خداوند اشاره می کند.

دانستن پیام های آیات سوره توحید، برای پاسخ گویی به این سؤال ضروری است.

آیه ۳، سوره توحید: (لم یلد ولم یولد): پیام

(۱) رابطه خداوند با موجودات، رابطه آفرینش است، نه زایش. او موجودات را می آفریند، یعنی از نیستی به هستی می آورد، نه آن که خود بزاید. (لم یلد)

(۲) خداوند علتی ندارد و از چیزی به وجود نیامده است. مولود، معلول است و نمی تواند خدا باشد. (و لم یولد) آیه ۴، سوره توحید: (و لم یکن له کفواً احد): پیام:

در این آیه هرگونه هم طرازی سایر موجودات با خداوند چه در ذات او، چه در صفات و چه در افعال، نفی می شود؛ به عبارت دیگر، معنای این آیه این است که خداوند هیچ همتا و شبیهی ندارد.

از مجموع پیام های این دو آیه می توان به این نتیجه رسید که خداوند پدیده نیست و نیازی به پدید آورنده ندارد، بلکه او تنها پدید آورنده ای است که تمام جهان هستی خود را از او می گیرند.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) بیانگر هدفمندی خلقت است.

۲) «قل هو الله احدٌ \* الله الصمد: بگو خدا یکتاست، آن خدایی که (از همه عالم) بی نیاز است»؛ پیام:

(قل هو الله احد) اشاره به یگانگی خدا دارد. (الله الصمد)؛ بیانگر این موضوع است که خداوند از هر جهت کامل و بی نیاز است، تنها خداست که سزاوار قصد کردن و برطرف کردن نیاز مخلوقات است و توجه تمام موجودات خواسته یا ناخواسته به سوی خداست.

۴) «قل أغير الله ابغی رباً و هو رب كل شیء: بگو آیا جز خدا پروردگاری را بطلبیم در حالی که او پروردگار همه چیز است؟»، به توحید در ربوبیت اشاره می کند.

۹۵- گزینه ۲

یکی از ویژگی های انسان موحد آن است که باور دارد که دشواری های زندگی نشانه بی مهری خداوند نیست، بلکه بستری برای رشد و شکوفایی اوست. این مفهوم در شعر حافظ نیز وجود دارد:

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست / که هر چه بر سر ما می رود ارادت اوست

نظیر دوست ندیدم، اگر چه از مه و مهر / نهادم آینه ها در مقابل رخ دوست

بررسی سایر گزینه ها:

۱) از ویژگی های جامعه ی موحد است، در صورتی که ابیات سؤال ویژگی انسان موحد را بیان می کند.

۳) توضیحات مربوط به «افزایش معرفت نسبت خداوند» از راه های تقویت اخلاص است.

۴) توضیحات مربوط به تقویت روحیه حق پذیری از راه های تقویت اخلاص است

۹۶- گزینه ۲

در ابتدا بهتر است تعریف «حسن فاعلی» و «حسن فعلی» را مرور کنیم حسن فاعلی: یعنی انجام دهنده کاره دارای معرفت درست و نیت الهی باشد.

حسن فعلی: یعنی کار به درستی و به همان صورت که خدا فرمان داده است، انجام شود.

کسی که تنها برای سلامتی جسم و لاغر شدن روزه بگیرد، عملش حسن فاعلی ندارد، زیرا عملش نیت الهی ندارد و برای عمل به فرمان خدا نیست؛ چنین روزهای پذیرفته شده نیست و باطل است.

نکته:

انسان مؤمن روزه را برای عمل به فرمان خدا می گیرد و البته می داند که روزه برای سلامتی اش مفید است، اما نیت وی از روزه کسب سلامتی نیست بلکه اطاعت از فرمان خداست.

۹۷- گزینه ۱

خداوند درباره ی قدر و قضای الهی و این قانون مندی تخلف ناپذیر و استوار، مثالی می زند و می فرماید: « لا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ... نه خورشید را سزد که به ماه برسد و نه شب بر روز پیشی جوید و هر یک در مداری در گردش اند.»

مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدر به تقدیر الهی هستند و از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می شوند، به قضای الهی وابسته اند.

کلیدواژه های تقدیر الهی: «اندازه» «حدود»، «ویژگی» «موقعیت مکانی و زمانی»

کلیدواژه های قضای الهی: «انجام رساندن»، «پایان دادن»، «حکم کردن»، «و حتمیت بخشیدن»، «فرمان و حکم الهی»، «اراده الهی»، «ایجاد شدن»

۹۸- گزینه ۱

خداوند در آیه ۳۵ سوره انبیاء در مورد سنت امتحان (ابتلاء) عام الهی می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوکُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ اَلینَا تُرْجَعُونَ: هر کسی طعم مرگ را می چشد، و قطعاً ما شما را با شت و خیر می آزمایشیم و به سوی ما بازگردانده می شوید.»

به کلیدواژه ی «فتنه: آزمایش» توجه کنید.

یکی از بارزترین ویژگی های سنت ابتلاء یا امتحان این است که عام ترین و فراگیرترین قانون خداوند است که ثابت و همیشگی است و شامل همه انسان ها در همه دوران ها می شود.

دقت کنید که فراهم کردن امکانات و لوازم رسیدن به خواسته ها و هدف های همه مردم توسط خداوند، بیانگر سنت امداد عام الهی است و ربطی به آیه ندارد. (رد ۳)

سایر نکات درسی در این راستا:

در مورد سنت امتحان یا ابتلای الهی، دوتا آیه در کتاب داریم؛ یکی همین آیه که در سؤال است و یکی هم آیه ی «أَحْسَبُ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يَفْتَنُونَ: آیا مردم گمان کردند رها می شوند همین که بگویند ایمان آوردیم و آزمایش نمی شوند؟

به حدیث هم از امام صادق داریم که البته بیشتر «امتحان خاص» رو شامل میشه: «أَتَمَّا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلِهِ كَفَّهُ الْمِيزَانَ كَلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بِلَائِهِ: به راستی که مؤمن به منزله کفه ی ترازو است، هر اندازه ایمانش افزوده شود، امتحانش نیز سنگین تر می شود.»

۹۹- گزینه ۲

شرط بندی، از امور زیان آور روحی و اجتماعی است و انجام آن، حتی در بازی ها و ورزش های معمولی نیز حرام است.

دادن جایزه توسط سازمان ها، نهادها و افراد به ورزشکاران جایز است و اگر کسانی این جوایز را به نیت الهی بدهند که افراد جامعه به ورزش و بازی های مفید رو آورند و سلامت جسم و جان خود را افزایش دهند کار نیکی کرده اند و از پاداش اخروی برخوردار خواهند بود.

۱۰۰- گزینه ۱

رسول خدا، دعوت خود را در جامعه ای جاهلی آغاز کرد که نشانه هایی بسیار اندک از تعقل، تفکر و دانایی داشت. ایشان آمد (مبعوث شد) تا این جامعه را متحول کند (آداب جاهلی را نابود کند) و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد. اولین آیاتی که بر رسول خدا، نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، درباره ی دانش و آموختن بود.

نکته:

آن چیزی که به شما کمک می کند تا با سرعت و اطمینان بتوانید گزینه صحیح را انتخاب کنید، دانستن این موضوع است که اولین آیاتی که بر پیامبر، نازل شد (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...) در مورد دانش و آموختن بود. با دانستن این موضوع عبارت های مرتبط با آن یعنی «آداب جاهلی» و «تفکر و علم» به راحتی انتخاب می شوند.

سایر نکات درسی در این راستا:

سؤال به معیار ششم جامعه و تمدن اسلامی اشاره می کند که همون «عقل گرایی و خردورزی»، هستش. یادتون باشه که آیه ی مربوط به این موضوع آیه ی شریفه «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ أَلَمَّا يَتَذَكَّرْ أُولَئِكَ أَلَّا بَابُ: بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسان اند، تنها خردمندان متذکر می شوند» هستش.

۱۰۱- گزینه ۳

لازمه شناخت هر چیزی احاطه ی دسترسی به آن است و ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد در نتیجه ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. (پس هر چپستی که برای خداوند فرض کنیم، او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده ایم). به همین دلیل پیامبر، فرموده است: «تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ: در همه چیز تفکر کنید ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.»

نکته:

شناخت «چیستی» و «ذات» خداوند برای ما امکان پذیر نیست. اما شناخت «صفات»، «اسماء»، «افعال» و «هستی» خداوند تا حدی برای انسان ها امکان پذیر است.

## ۱۰۲- گزینه ۲

از آن جا که خداوند، تنها مالک جهان است تنها ولیّ و سرپرست جهان نیز هست و مخلوقات، جز به اذن و اجازه او نمی توانند در جهان تصرف کنند. چنین اذنی به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست (رد گزینه های ۲ و ۴)، بلکه بدین معناست که خداوند آن شخص را در مسیر و مجرای ولایت خود قرار داده است یعنی در طول ولایت خداوند نه عرض! (رد ۳)

## ۱۰۳- گزینه ۲

ابیات «ای دوست شکر بهتر یا آن که شکر سازد؟ / خوبی قمر بهتر یا آن که قمر سازد ...» به این مفهوم اشاره می کند که خداوند به عنوان خالص و پدیدآورنده همه چیز، هدف جامع و برتری است که انسان باید او را به عنوان هدف اصلی انتخاب کند تا به سایر اهداف نیز برسد. همین مفهوم را می توانیم از آیه «من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخرة: هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» نیز به دست آوریم. پیام آیه چنین است که رسیدن به اهداف دنیوی و اخروی با هدف قراردادن خداوند به دست خواهد آمد، زیرا همه چیز نزد اوست.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه « ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: جن و انس را نیافریدم مگر این که مرا عبادت کنند.» به این مفهوم اشاره می کند که هدف از آفرینش جن و انسان، عبادت و بندگی خداست

(۳) آیه « قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: بگو نمازم، تمامی اعمالم و زندگی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است.» بیانگر تعبیر «زندگی به خاطر خدا» است.

(۴) آیه « وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينِ وَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ: و ما آسمان ها و زمین و آنچه بین آنهاست را به بازیچه نیافریدیم، آن ها را جز به حق خلق نکردیم.» به هدفمندی آفرینش آسمان ها و زمین اشاره می کند.

## ۱۰۴- گزینه ۳

زندگی انسان در دنیای فانی به گونه ای است که امکان تحقق وعده ی خداوند مبنی بر این که هر کس را به آن چه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند (عدل الهی)، نمی دهد. زیرا:

الف) پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر نیست

ب) مجازات بسیاری از کسانی که به دیگران ستم کرده اند، در این دنیا عملی نیست. پس براساس عدل الهی، وجود معاد و جهان دیگر ضروری و لازم است.



آیه «ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصّالحات کالمفسدین فی الأرض: آیا ما آن ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند با تباهاکاران یکسان قرار خواهیم داد؟» که به عدم تساوی مؤمنین صالح با مفسدین در زمین اشاره می کند نیز بیانگر عدل الهی است.

آیه « أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ: آیا پنداشته اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟ به ضرورت معاد براساس حکمت الهی اشاره می کند.

۱۰۵- گزینه ۴

در نتیجه ی اعتقاد به خدایی حکیم که با حکمت خود جهان را خلق کرده و اداره می کند، انسان خداشناس می داند که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند که پشتوانه آن علم و قدرت خداست، وی امکان حرکت و فعالیت دارد؛ زیرا با زندگی در چنین جهانی است که او می تواند قوانین حاکم بر جهان هستی و خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود استفاده کند و به هدف های خود برسد.

۱۰۶- گزینه ۲

براساس سنت امداد عام الهی، خداوند سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کس، هر کدام از این دو راه حق یا باطل را برگزیند بتواند از امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است به پیش رود و باطن خود را آشکار کند. آیه « كَلَّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ: هر یک از اینان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را مدد می رسانیم از عطای پروردگارت» نیز بیانگر سنت امداد عام الهی است.

کلیدواژه ی «کمک های الهی» به ما نشان می دهد که آیه باید مرتبط با امداد الهی باشد و در بین «امداد عام» یا «امداد خاص» عبارت «فرد بتواند در راهی که انتخاب کرده، پیش رود» به ما کمک می کند تا امداد عام را انتخاب کنیم. چون به طور مشخص نگفته است چه راهی پس مربوط به هر دو گروه حق یا باطل می تواند باشد.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) ﴿ تَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً﴾ به سنت ابتلاء اشاره دارد.

(۳) «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا: و کسانی که در راه ما جهاد (و تلاش) کنند حتماً آنان را به راه های خود هدایت می کنیم»، بیانگر سنت «امداد خاص الهی» یا «توفیق الهی» است

(۴) « مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا: کسی که کار نیکی بیاورد ده برابر آن (پاداش) می گیرد.» به سنت سبقت رحمت پر غضب می پردازد.

۱۰۷- گزینه ۳

استمرار و پیوستگی در دعوت، یکی از علل فرستادن پیامبران متعدد است:

لازمه‌ی ماندگاری یک پیام تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان استوار و تلاش بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف دین الهی را تبلیغ می‌کردند. این تداوم سبب شد تا تعالیم الهی جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.

به این نکته توجه کنید: برای این که چیزی جزء آداب و رسوم یک جامعه شود، باید تداوم داشته باشد. دانستن همین نکته ساده باعث می‌شود به راحتی به پاسخ برسید.

۱۰۸- گزینه ۲

پاسخ به نیازهای برتر باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشد، زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است. در حالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون اند.

۱۰۹- گزینه ۴

از جمله اقداماتی که برای حفظ وحدت میان مسلمانان باید انجام دهیم، این است که از اهانت و توهین به مقدسات سایر مسلمانان خودداری کنیم. برای این منظور شایسته است اعتقادات خود را با دانش و استدلال، اعتلا و ارتقا ببخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و استدلال سخن بگوییم و اعتقادات خود را به نحو صحیح و بدون نزاع و ناسزاگویی بیان کنیم.

۱۱۰- گزینه ۲

خداوند در آیه ابلاغ خطاب به پیامبر، می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ: اَي رسول، آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، برسان.**

و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته: و اگر چنین نکنی، رسالتش را نگزارده‌ای.

و الله يعصمك من الناس: و خداوند تو را از مردمان حفظ می‌کند.

ان الله لا يهدي القوم الكافرين: خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند. با توجه به ترجمه آیه، عبارت **(و الله يعصمك من الناس)** نشان می‌دهد که در مسیر تبلیغ دین، خطراتی برای پیامبر وجود دارد.

زیرا ابلاغ این پیام یعنی اعلام ولایت حضرت علی { منافع برخی را به خطر می‌انداخت و احتمال آن بود که به مخالفت برخیزند، به همین دلیل خداوند به پیامبر وعده می‌دهد که او را حفظ خواهد کرد.

نکته:

۴) یعنی **(بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)** بیانگر فرمان و دستور خداوند به پیامبر، است و ۱) یعنی **(إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)** به اهمیت این فرمان اشاره می‌کند.

سایر نکات درسی در این راستا:

آیه ی تبلیغ با ابلاغ همون آیه ای هست که بعد از آخرین حج پیامبر، یعنی «حجّة البلاغ» یا «حجّة الوداع» بر ایشان نازل شد و پیامبر، برای این که محتوا و دستور این آیه رو به مردم ابلاغ کنن در غدیر خم دستور دادن که همه توقف و جمع بشن و بعد هم حدیث غدیر رو بیان فرمودن: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»

۱۱۱- گزینه ۱

یکی از اصول کلی امامان در مبارزه با حاکمان و در راستای ولایت ظاهری، انتخاب شیوه های درست مبارزه بود و «تقیّه» یکی از روش ها بود. از آن جا که خشونت و ستمگری حاکمان بنی امیه و بنی عباس به گونه ای بود که اگر کسانی به عنوان پیرو و شیعه امامان شناخته می شدند، به سختی آزار و اذیت می شدند و در بسیاری مواقع به شهادت می رسیدند. از این رو ائمه { می کوشیدند آن بخش از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت دارد، در قالب «تقیّه» پیش ببرند؛ یعنی اقدامات خود را مخفی نگه دارند به گونه ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کم تر ضربه بخورند.

۱۱۲- گزینه ۲

حضرت علی { در «عهدنامه مالک اشتر» در خصوص طبقات محروم جامعه می فرماید: «عده ای افراد مورد اطمینان را انتخاب کن تا درباره ی وضع طبقات محروم تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس برای رفع مشکلات آنها عمل کن ...، زیرا این گروه (افراد محروم) بیش از دیگران به عدالت نیازمندند.»

۱۱۳- گزینه ۱

وعده ی خداوند به مؤمنان صالح و ثمره ی جانشینی آنان در زمین و استقرار دین خداوند در آیه (وعد الله الذین...) ، «پرستش خداوند و شرک نوزیدن»، بیان شده است.

برای پاسخگویی به این سؤال باید عبارات آیه و ترجمه آن را به خوبی بدانید:

«وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصّالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکننّ لهم دینهم الّذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبُدوننی لا یشرکون بی شیئاً...: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، وعده داده است که آنان را جانشین در زمین قرار دهد، همانطور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد و دینش را که برای آنان پسندیده، مستقر سازد.

(به گونه ای که دیگر) مرا بپرستند و به چیزی شرک نوزند.

(ثمره)

بررسی سایر گزینه ها:

در سایر گزینه ها، اولاً عبارت ها مربوط به آیه مورد سؤال نیستند و ثانیاً، هیچ کدام بیانگر ثمره با نتیجه ی وعده ی خداوند نمی باشند.

۲) «و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثين: آنان را پیشوایان (مردم) قرار دهیم و آنان را وارثان (زمین) قرار دهیم.»

۳) «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ: زمین را بندگان شایسته ی من به ارث می برند.»

۴) «حَتَّى يُغَيَّرُوا مَا بَانَفْسِهِمْ...» که مربوط به علت غیبت است که خود مردم و اعمالشان می باشد.

۱۱۴- گزینه ۲

رسول خدا، در ضمن نصیحتی که به یکی از یاران خود می کرد فرمود: «برای تو ناچار هم نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی گردد و با تو دفن میشود ... آن گاه آن همنشین در رستخیز با تو برانگیخته می شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم نشینی که انتخاب می کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه ی انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می شود. آن هم نشین، کردار توست.» بنابراین در عرصه قیامت، تصویر اعمال انسان با گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی شود، بلکه خود عمل نمایان می شود و هر کس عین عمل خود را می بیند.

۱۱۵- گزینه ۲

پیامبر، می فرماید: «هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می کنند ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می گذارند، بدون این که از اجر انجام دهنده ی آن کم کنند و هر کس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می گذارند، بدون این که از گناه عامل آن، کم کنند.»

سایر نکات درسی در همین راستا:

همان طور که می دونید این حدیث پیامبر، به «آثار متأخر» اعمال اشاره می کند، یعنی این که توی برزخ پرونده ی بعضی از اعمال بازه و ثواب یا گناه بهش اضافه میشه.

آیه مربوط بهش هم آیه ی «يُنَبِّؤُا الْإِنسَانَ يَوْمِئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاَخَّرَ» هست.

۱۱۶- گزینه ۴

قرآن کریم، زندگی دنیا را کم ارزش و زندگی آخرت را حقیقی می داند و بیان می کند که زندگی دنیا بدون آخرت، چیزی جز سرگرمی و بازی (لهو و لعب) نیست: «و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهي الحيوان لو كانوا يعلمون: این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست و سرای آخرت، زندگی حقیقی است، اگر می دانستند.»

رسول خدا، در پاسخ به سؤال «باهوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند.»

دقت کنید:

۱) گاهی اوقات صورت سؤال با توجه به مفهوم آیه مطرح می شود، ولی خود آیه در صورت سؤال با گزینه ها وجود ندارد. پس مفهومی یادگرفتن آیه ها الزامی است

۲) جمله ی «مرگ را پلی به حساب می آورند که آدمی را از یک هستی به هستی دیگر منتقل می کند.» به دیدگاه اعتقاد به معاد اشاره می کند، اما سخن پیامبر ، تا در مورد باهوش ترین مؤمنان نیست!  
سایر نکات درسی در همین راستا:

یادتون باشه که در سخنان بزرگان یک «باهوش ترین مؤمنان» داریم که مربوط به پیامبر ، است و توی همین سؤال مطرح شده، یک «زیرک ترین انسان» داریم که حضرت علی { در موردشون فرمودند: «کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد». حواستون باشه که این دو تا رو با هم قاطی نکنید.

۱۱۷- گزینه ۲

اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، به آنچه در مقابل خداوند قرار دارد، توجه نخواهیم کرد.

بررسی سایر گزینه ها:

۱) غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار سبب می شود که کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل شویم.

۳) قرائت صحیح و بدون اشکال آیات و اذکار

۴) انجام به موقع نماز سبب می شود که بی نظمی را از زندگی خود دور کنیم.

۱۱۸- گزینه ۱

نوجوانی و جوانی بهترین زمان برای پاسخ منفی دادن به تمایلات نامشروع گاه و بی گاه درونی و بیرونی است. انسانی که در این دوره سنی به سر می برد، هنوز به گناه عادت نکرده و خواسته های نامشروع در وجود او ریشه دار نشده است. یعنی گرایش به خوبی ها در او قوی تر است. بنابراین نوجوان، بهتر از هر آدمی می تواند ایستادگی در برابر تمایلات منفی را تمرین کند و عزت نفس خود را تقویت کند.

۱۱۹- گزینه ۲

استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند. (پس اگر چنین باشد، حرام است.)

امام صادق { در پاسخ یکی از یاران خود به نام فضیل بن یسار که پرسید: آیا ساعد زن از قسمت هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟ فرمود: «بلی، آنچه زیر روسری قرار می گیرد، نباید آشکار شود. همچنین از میج به بالا باید پوشیده شود.»

این سخن که دیدن «چهره و دست تا مچ» از بدن زن نامحرم جایز است، سخن امام کاظم { است. (رد ۳)

۱۲۰- گزینه ۳

عمل براساس معرفت و آگاهی بسیار ارزشمندتر و مقدس تر از عملی است که در آن معرفتی نیست یا با معرفت اندکی صورت می گیرد. حتی گاه پیش می آید که انسان های نادان به تصور اینکه کار خیر می کنند، مرتکب گناهان بزرگ می شوند.

با توجه به همین مسئله اگر شخصی تصمیم بگیرد کاری را به خاطر خدا انجام دهد، اما نسبت به ارزش و عواقب آن کار معرفت نداشته باشد. ممکن است به دلیل جهالت نسبت به زوایای آن مسئله و عدم آگاهی از نتایج آن، آسیب های زیادی هم به خود و هم به اطرافیان خود وارد کند.

۱۲۱- گزینه ۴

آیه « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ: کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اینان بهترین مخلوقات اند.» پس از سخنان پیامبر اکرم ، را در مورد شخصیت ممتاز حضرت علی { برایشان نازل شده است و مفهوم آن شناساندن شخصیت حضرت علی { به عنوان بهترین مخلوقات است. از آن جا که پیروان حضرت علی { از بهترین مخلوقات هستند، پس مردم متوجه شدند که راه رستگاری، پیروی از حضرت علی { است.

۱۲۲- گزینه ۳

خداوند، زن و مرد را به گونه ای آفریده که زوج یکدیگر باشند، یعنی زن و مرد اگرچه در ویژگی های انسانی (فطری) با هم مشترک هستند (رد گزینه های ۱ و ۲)، خداوند برای هر دو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن»، یعنی از نظر خصوصیات جسمی با هم متفاوت اند. این تفاوت ها به گونه ای است که هر دو را به هم نیازمند کرده است؛ بدون این که یکی بر دیگری برتری داشته باشد. زیرا برتری هر کس نزد خداوند به تقواست و هر انسانی می تواند آن را در وجود خود پرورش دهد.

تفاوت های میان زن و مرد به جهت وظایف مختلفی است که خالق حکیم بر عهده هر یک از زن و شوهر نهاده است تا هر کدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش های خاصی (نه یکسانی) را بر عهده بگیرند و یک خانواده ی متعادل پدید آورند. (رد ۴)

۱۲۳- گزینه ۲

پیامبر ، می فرمود: «برترین جهاد، سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.» مفهوم سخن ایشان عدالت طلبی است و با معیار «عدالت طلبی» یا «برپایی جامعه ای عدالت محور» در ارتباط است.

سایر نکات درسی در همین راستا:

در مورد معیار «عدالت طلبی» به آیه هم در کتاب درسی هست که بهتره همین جا اون رو هم یادآوری کنیم: (لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط)

۱۲۴- گزینه ۲

برنامه ای که ما را در راه دستیابی به هدف بزرگ تلاش برای جامعه و تمدن آرمانی اسلام یاری نماید باید ما را به آن سطح لازم از توانمندی برساند و قدرت لازم برای ایفای نقش در جهان کنونی را به ما ببخشد.

سایر نکات درسی در همین راستا:

برنامه های پیشنهادی که در سؤال از شون صحبت شده عبارت اند از:

(۱) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری

(۲) حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی

(۳) ترسیم چهره عقلانی و منطقی دین اسلام

۱۲۵- گزینه ۳

کسانی که برای تقویت رابطه ی صمیمانه میان خودشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده در برگزاری بازی ها و ورزش های دسته جمعی پیش قدم می شوند، از پاداش اخروی بهره مند خواهند شد.

اگر ورزش و بازی های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی بند و باری های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.

۱۲۶- گزینه ۳

قرآن کریم در آیات مختلف آفرینش جهان را حق می داند، از جمله در آیه ی «و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لاعین ما خلقناهما الا بالحق» و ما آسمان ها و زمین و آن چه بین آن هاست را به بازیچه نیافریدیم، آن ها را جز به حق خلق نکردیم.» حق بودن آفرینش آسمان ها و زمین به معنای هدفدار بودن خلقت آن هاست و این آیه به خوبی دلالت بر این دارد که جهان آفرینش بی هدف نیست.

دقت کنید:

کلیدواژه ی هدفمندی، «بالحق» می باشد.

اخلاص در عمل یعنی انجام کارها برای رضای خداوند و همان گونه که او دستور داده است که این موضوع در عبارت «لله رب العالمین: برای خداست که پروردگار جهانیان است.» تجلی دارد. این عبارت بخشی است از آیه ی ۱۶۲ سوره ی انعام: «قُلْ اِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: بگو نمازم، تمامی اعمالم و زندگی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است.»

#### ۱۲۷- گزینه ۴

این که خداوند، جهان را اداره می کند و آن را به سوی مقصدی که برایش معین فرموده هدایت می نماید و به پیش می برد، به توحید در ربوبیت اشاره می کند.

آیه ی « قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّاً وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ: بگو: آیا جز خدا پروردگاری را بطلبیم در حالی که او پروردگار همه چیز است؟» نیز مرتبط با توحید در ربوبیت است

کلیدواژه ی «ربّ» به طور واضح به توحید در ربوبیت اشاره دارد.

آیه «ما لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا: آن ها هیچ ولی (سرپرستی) جز او ندارند و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی سازد.» به توحید در ولایت اشاره دارد.

#### ۱۲۸- گزینه ۴

خداوند در آیات سوره عصر، به زمان (عصر) سوگند می خورد و می فرماید: «وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* أَلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ؛ سوگند به عصر، همانا انسان در خسارت است مگر آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق و صبر سفارش می کنند».

با توجه به این آیات، هشدار خداوند به انسان ها این است که همه در خسران و زیان از دست دادن سرمایه وجود خود یعنی عمرشان هستند و تنها کسانی دچار خسارت و زیان نمیشوند که ایمان بیاورند، عمل صالح انجام دهند، خودشان حق را رعایت می کنند و به سوی حق دعوت می کنند و همچنین خودشان صبور هستند و دیگران را نیز به صبر دعوت می کنند.

#### ۱۲۹- گزینه ۴

با توجه به آیه « وَ نَفْسٍ وَ مَآ سَوَّأَهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا: سوگند به نفس و آن که سامانش بخشید، آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد.» مرتبه ی اولیه ی تقوا به عنوان ودیعه ی الهی در وجود انسان وجود دارد.

در کنار این ودیعه ی الهی، قرآن کریم راه های متعددی را برای کسب تقوا و رشد مرتبه ی اولیه آن به ما نشان داده است که «نماز» و «روزه» از نمونه های آن است

بررسی سایر گزینه ها:

در گزینه های ۱ و ۲ آیه «كُنْتُ عَلَيْكُمْ الصِّيَامُ كَمَا كُنْتُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شده بود، باشد که تقوا پیشه کنید، به کسب تقوا به واسطه ی روزه داری اشاره می کند، نه مرتبه ی اولیه تقوا!

#### ۱۳۰- گزینه ۴



خداوند در مورد عهد و پیمان خود با انسان می فرماید: «ألم أعهد إليكم يا بني آدم أن لا تعبدوا الشيطان إنّه لكم عدو مبين \* و أن اعبدوني هذا صراط مستقيم: ای فرزندان آدم، آیا از شما پیمان نگرفته بودم که شیطان را نپرستید که او دشمن آشکار شماست؟ و این که مرا پرستید (که) این راه مستقیم است؟»

اگر آیه را به صورت کامل بدانید، عبارت «اعهد» پاسخ گویی را برایتان ساده خواهد کرد.

بررسی سایر گزینه ها:

آیه (۱) «استجیبوا لله و للرسول إذا دعاكم لما يحييكم: دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هرگاه شما را به چیزی فرا می خواند که به شما زندگی و حیات می بخشد.» از زندگی بخش بودن دین و دعوت پیامبر، سخن می گوید.

آیه (۲) «يا أيها الناس أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغني الحميد: ای مردم شما به خداوند نیازمند هستید و خدا است که تنها بی نیاز ستوده است.» از فقر و نیازمندی مخلوقات به خدا و بی نیازی خداوند متعال صحبت می کند.

آیه (۳) «قل أنما أعظكم بواحدة أن تقوموا لله مثنی و فرادی: (به بندگانم) بگو شما را فقط یک موعظه می کنم، (و آن) این که به صورت جمعی و فردی برای خدا قیام کنید...» بیانگر پند و موعظه ی خداوند به بندگان است

۱۳۱- گزینه ۱

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن به گمراهان، بر امکانات آنان می افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات و با اصرار خودشان بیشتر در فساد فرو می روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک تر می شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدراج» می خوانند. سنت ابتلاء عام ترین و فراگیرترین قانون خداوند است که ثابت و همیشگی است و شامل همه ی انسانها در همه دوران ها می شود. به عبارت دیگر، زندگی هر انسانی، چه مؤمن و چه کافر، چه فقیر و چه غنی چه سیاه و چه سفید، صحنه انواع امتحان ها و آزمایش هاست. هویت و شخصیت انسان ها با این ابتلائات ساخته می شود و شناخته می گردد.

نکته:

در سنت املاء یا امهال، اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجابت ورزنده خداوند به آنها فرصتی می دهد و آنها این فرصت را وسیله ی غوطه ور شدن در تاریکی قرار می دهند. در حقیقت مهلت ها و امکانات، با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای الهی جلوه گر می شود. پس در سنت املاء، صحبت از مهلت هاست. ولی در سنت استدراج خداوند علاوه بر مهلت دادن به گمراهان بر امکانات آنان می افزاید. (رد ۳)

۱۳۲- گزینه ۴

دومین پیامد اعتقاد به معاد (دیدگاه پیامبران الهی و پیروان آنان) این است که انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خداست. همین عامل سبب می شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا

آسان تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد و آن گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان ها به استقبال شهادت بروند.

۱۳۳- گزینه ۱

آیه «خداست که باها را می فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان (وسیله) پس از مرگش زندگی بخشیدیم زنده شدن قیامت نیز چنین است. با اشاره به «نظام مرگ و زندگی در طبیعت» به عنوان یک جریان رایج، از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می کنند می خواهد تا مسئله معاد را بهتر درک کنند.

این آیه یکی از دلایل و شواهد برای اثبات امکان معاد و آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت است.

بررسی سایر گزینه ها:

۲) آیه امکان معاد را بیان می کند، نه ضرورت را.

۳) حقیقت وجود انسان روح است، نه جسم؛ در ضمن این موضوع ربطی به آیه ندارد!

۴) آیه اشاره به قیامت دارد نه برزخ!

سایر نکات درسی در این راستا:

با توجه به کتاب های نظام قدیم، دانش آموزان باید صورت عربی این آیه رو هم میدونستن و چون امسال قراره که شما و نظام قدیم ها سؤال مشترک هم داشته باشید، بد نیست که صورت عربی آیه رو هم بدونید: «و الله الذی أرسلَ الرِّیَاحَ فَتَثِیرُ سَحَاباً فُسِقِنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مِیتٍ فَاحِیِنَا بِه الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا کَذَلِکَ النَّشُورُ»

۱۳۴- گزینه ۱

به هر میزان که رشته های عفاف در روح انسان ضعیف و گسسته می شود آراستگی و پوشش او سبک تر شده و جنبه خودنمایی به خود می گیرد امام صادق { می فرماید: «لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دین است.»

نکته:

به همان میزان که رشته های عفاف در روح انسان قوی و مستحکم می شود، نوع آراستگی و پوشش او باوقار تر می شود.

سایر نکات درسی در این راستا:

در زمینه ی عفاف و آراستگی حدیث دیگه ای هم از امام علی { داریم:

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می شوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی.»

### ۱۳۵- گزینه ۳

یکی از وقایع مرحله ی دوم قیامت، «حضور شاهدان و گواهان» می باشد و فرشتگان، یکی از این شاهدان می باشند. فرشتگان در طول زندگی انسان ها همواره مراقب و نگهبان آنها بوده اند و تمامی اعمال آنها را ثبت و ضبط کرده اند. «و انّ علیکم لحافظین کراماً کاتبین یعلمون ما تفعلون: بی گمان برای شما نگهبانانی هستند، نویسندگانی گرانقدر، میدانند آنچه را که انجام می دهید.»

بررسی سایر گزینه ها:

- (۱) توضیحات مربوط به «برپا شدن دادگاه عدل الهی» یکی از وقایع مرحله دوم قیامت است و ارتباطی به آیه ندارد.
- (۲) یکی از شاهدان دادگاه عدل الهی پیامبران و امامان هستند که این گزینه علت این که ایشان برترین گواهان هستند را بیان می کند، اما آیه در مورد شهادت اعضای بدن است.
- (۴) این گزینه نیز از شهادت اعضای بدن سخن می گوید و ارتباطی با آیه ندارد.

### ۱۳۶- گزینه ۳

نامه ی عمل انسان با نامه های ثبت شده در دنیا تفاوتی اساسی دارد. نامه های این دنیا، صرفاً گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته در آمده است؛ اما نامه ی عمل انسان به گونه ای است که خود عمل و حقیقت آن را در بر دارد. از این رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می شوند و انسان عین اعمال خود را می بیند.

نکته:

- (۱) کلمات «گزارش عمل»، «تصویر عمل» و «جنبه ی ظاهری و مادی» کلمات نادرست در ارتباط با نامه عمل انسان هستند، پس با دانستن این نکته به راحتی می توان گزینه های ۱، ۲ و ۴ را حذف کنید.
- (۲) در ارتباط با نامه ی عمل، کلیدواژه های درست عبارت اند از: «عین عمل»، «حقیقت عمل»، «باطن عمل»، «تجسم عمل» و «خود عمل».

### ۱۳۷- گزینه ۱

امیرالمؤمنین { در پاسخ به سؤال «زیرک ترین انسان کیست؟» فرمود: «کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.» این حدیث بیانگر محاسبه و ارزیابی، یکی از اقدامات برای گام گذاشتن و ثابت قدم ماندن در مسیر بندگی خداست که سبب میشود که میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود.

توجه:

سخن «آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند.» از پیامبر اکرم ، در پاسخ به سؤال «باهوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟» می باشد و در ارتباط با دیدگاه اعتقاد به معاد مطرح شده است. (رد گزینه های ۳ و ۴)

۱۳۸- گزینه ۱

هر چه دوستی با خدا عمیق تر باشد، نفرت از باطل هم عمیق تر است پس ثمره دوستی واقعی با خداوند، عمیق تر شدن نفرت از باطل است.

۱۳۹- گزینه ۳

علل فرستادن پیامبران متعدد (تجدید نبوت) عبارت اند از:

الف) استمرار و پیوستگی در دعوت

ب) رشد تدریجی سطح فکر مردم: در هر عصر و دوره‌های پیامبران جدیدی مبعوث می شدند تا همان اصول ثابت دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان های دوران خود بیان کنند.

پ) تحریف تعلیمات پیامبر پیشین: پیامبران می آمدند و تعلیمات اصیل و صحیح (تحریف نشده) را بار دیگر به مردم ابلاغ کنند.

با توجه به موارد (ب) و (ج) متوجه می شویم که قسمت اول هر چهار گزینه صحیح است؛ اما در قسمت دوم حدیث «أنا معاشر الأنبياء امرنا أن نكلّم الناس على قدر عقولهم: ما پیامبران مأمور شده ایم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم.» مربوط به «رشد تدریجی سطح فکر مردم» و توضیحات مربوط به آن است.

توجه:

عبارت «أحلّ الله البيع و حرّم الربّا: خداوند معامله را حلال کرده است، اما ربا را حرام.» اولاً آیه است، نه حدیث و دوم این که در مورد «پویایی و روز آمد بودن دین اسلام» یکی از عوامل ختم نبوت است، نه تجدید نبوت!

۱۴۰- گزینه ۲

ائمه بزرگوار { دانشمندانی را تربیت می کردند که در حدّ توان به معارف و احکام دین دست یابند، این دانشمندان به نقاط مختلف شهر خود با شهرهای دیگر می رفتند و احکام اسلام را به مردم می آموختند. این روش برگرفته از قرآن کریم است. خداوند در قرآن کریم دستور می دهد گروهی از مردم وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در دین بپردازند تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند: «و ما كان المؤمنونَ لينفروا كافةً فلو لا نفر من كل فرقة منهم طائفةً ليتفقهوا في الدين ..... و نمی شود که مؤمنان، همگی (برای آموزش دین) اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را (به طور عمیق) بیاموزند ...».

بررسی سایر گزینه ها:

آیه ی ۱) « وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ: ما می خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) قرار دهیم و آنان را وارثان (زمین) قرار دهیم.» به آینده ی زندگی انسان ها در زمین می پردازد.

آیه ۳) « ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرَ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ: خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است تغییر نمی دهد مگر آن که آنها، خود وضع خود را تغییر دهند.» بیانگر این موضوع است که اگر مردم نعمتی را که خدا به آنها داده است، درست استفاده نکنند، خداوند آن نعمت را از آنها می گیرد.

(اشاره به غیبت امام عصر (ع))

آیه ی ۴) « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ: خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، وعده داده است که آنان را جانشین در زمین قرار دهد، همان طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد.» از وعده خداوند به مؤمنان صالح در آینده تاریخ سخن می گوید.

۱۴۱- گزینه ۲

انسان موحد (یعنی کسی که به مراتبی از توحید عملی رسیده است) می کوشد تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیت های خود را در جهت خواست و رضایت الهی قرار دهد (یعنی امیال و غرایز خود را به شکلی کنترل و تنظیم کند که گرایش برتر ظهور بیشتری داشته باشد. مثلاً در انتخاب همسر، شغل، دوست، تفریح، ورزش و ... به طور کل در تمام برنامه های روزانه ی خود، خدا را در نظر می گیرد.

انسان موحد، چون زندگی خود را براساس رضایت خداوند تنظیم کرده و پیرو فرمان های اوست، شخصیتی ثابت و پایدار دارد و برخوردار از آرامش روحی است.

سایر نکات در همین راستا:

دوتا از ویژگی های انسان موحد در سؤال بالا اومده و بد نیست بقیه ی ویژگی ها رو هم مرور بکنیم:

- برای او جهان معنای خاص خود را دارد و هیچ حادثه ای در عالم از نظر او بی حکمت نیست.
- انسانی امیدوار است.
- در مقابل سختی ها و مشکلات، صبور و استوار است و آنها را زمینه موفقیت های آینده اش قرار می دهد.
- باور دارد که دشواری های زندگی نشانه بی مهری خداوند نیست، بلکه بستری برای رشد و شکوفایی اوست. • خود را در برابر مخلوقات خدا مسئول می داند. و بدن خود را امانت الهی می شمارد و سلامتی خود و دیگران را به خطر نمی اندازد.

• حتی به حیوانات آسیب نمی رساند.

۱۴۲- گزینه ۱

پیامبر , در حدیث منزلت، خطاب به حضرت علی { می فرماید:

«أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي: تو برای من به منزله ی هارون برای موسی هستی؛ جز این که بعد از من پیامبری نیست.» پس تفاوت منزلت امام علی { برای پیامبر , خاتمیت پیامبر , بود.

جمله ی «من كنت مولاه فهذا عليُّ مولاه: هر کس که من ولیّ و سرپرست اویم، علی نیز ولیّ و سرپرست اوست.» حدیث غدیر می باشد که پیامبر اکرم , آن را پس از برگزاری «حجة البلاغ» یا «حجة الوداع» که آخرین سفر حج ایشان بود، برای ابلاغ جانشینی حضرت علی { بیان کردند.

دقت کنید که در روز انداز، پیامبر , با بالابردن دست علی { فرمود: «همانا این، برادر من، وصیّ من و جانشین من در میان شما خواهد بود.» (رد گزینه های ۳ و ۴)

۱۴۳- گزینه ۱

امام علی { پس از بیان اوضاع و احوال پس از خود و آگاه کردن مردم و هشدار به آنها فرمود:

«در آن شرایط، در صورتی می توانید راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا پشت کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می توانید به عهد خود با قرآن وفادار بمانید که پیمان شکنان را تشخیص دهید و آنگاه می توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.»

یک خلاصه نویسی ساده شاید کمک کند که حدیث بهتر در ذهنتان بماند:

• تشخیص راه رستگاری ← شناسایی پشت کنندگان به صراط مستقیم

• وفای عهد با قرآن ← تشخیص پیمان شکنان با قرآن

• پیرو قرآن بودن ← شناسایی فراموش کنندگان قرآن

۱۴۴- گزینه ۱

توبه، گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شست و شو می دهد. به همین جهت این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» می گویند.

پیامبر , در این باره می فرماید: «التائب من الذنب كمن لا ذنب له: کسی که از گناه توبه کرده مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است»

حدیث «المستغفر من الذنب و يفعله كالمستهزئ برّبه: کسی که از گناهی استغفار کند و در عین حال انجامش دهد، مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است. در مورد عدم تکرار گناه، یکی از مراحل تکمیلی توبه است.

سایر نکات در همین راستا:

در مورد توبه و پاکی و یا «پیرایش» و «تخلیه» امیر مؤمنان هم یه حدیث دارن:

«التَّوْبَةُ تَطَهَّرُ الْقُلُوبَ وَ تَغْسِلُ الذَّنُوبَ: توبه دل ها را پاک می کند و گناهان را می شوید.»

۱۴۵- گزینه ۴

پس از رحلت رسول خدا، حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر، برنامه ریزی کرده بود و به آن فرمان داده بود، خارج کرد و فقط در یک دوره ی کوتاه چهار سال و نه ماهه اداره ی حکومت به امام علی { رسید. اما طولی نکشید که حکومت به دست بنی امیه افتاد، آنان کسانی بودند که سرسختانه با پیامبر، مبارزه می کردند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم، شهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند.

۱۴۶- گزینه ۴

قرآن کریم نه تنها از فرهنگ جاهلیت تأثیر نپذیرفت، بلکه به شدت با آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع هایی همچون عدالت خواهی، علم دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان ها (از جمله زن و مرد) سخن گفته است.

به عنوان نمونه، در فضای جاهلی آن روز قرآن کریم با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد: «هر کس از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می بخشد.»

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) در بردارنده ی اعجاز لفظی قرآن است.

(۲) «انسجام درونی در عین نزول تدریجی» از جنبه های اعجاز محتوایی قرآن است.

(۳) بیانگر «ذکر نکات علمی بی سابقه» از جنبه های اعجاز محتوایی قرآن است.

۱۴۷- گزینه ۲

مقام معظم رهبری می فرماید: «باید علم را که مایه اقتدار ملی است همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی بهره باشند هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم درون جوش و درون زاست...»

۱۴۸- گزینه ۳

حدیث «إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا: همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس خود را به کمتر از آن نفروشید.» در ارتباط با «شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک» است. به کلیدواژه «ثمن» به معنای ارزش و بها در حدیث و قسمت اول گزینه ها دقت کنید.

سایر نکات درسی در این راستا :

در مورد دومین راه تقویت عزت نفس، یعنی «توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او» هم دو سخن از حضرت علی { وجود داره:

(۱) «خالق جهان در نظر آنان عظیم است. در نتیجه غیر خدا در چشم آنان کوچک است.»

(۲) «بنده کسی مثل خودت نباش، زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است.»

۱۴۹- گزینه ۲

حضرت علی { می فرماید: «ما رأیتُ شیئاً إلّا و رأیتُ اللهَ قبلَهُ و بَعْدَهُ و مَعَهُ: هیچ چیزی را ندیدم مگر این که خداوند را قبل و بعد و با آن دیدم.»

این حدیث بیانگر این مفهوم است که در همه حال می توان مشاهده کرد، زیرا خداوند بی پایان بر تمام جهان احاطه دارد و همه جا و در دل تک تک ذرات عالم حضور دارد و اگر انسان اهل تفکر و تعقل باشد، به لطف الهی به مقامی می رسد که در همه چیز خدا را می بیند.

نکته:

«پاکی و صفای قلب» وسیله ی رؤیت هستی نیست! بلکه اگر کسی عزم و تصمیم قوی برای رسیدن به این معرفت عمیق داشته باشد که با هر چیزی خدا را ببیند، پاکی و صفای قلب به او کمک خواهد کرد.

۱۵۰- گزینه ۱

«قاعده ی نفی سبیل»: قرآن کریم از مسلمانان میخواهد که سلطه بیگانگان را نپذیرند و زیر بار آنها نروند، این حکم قرآنی را «قاعده ی نفی سبیل» می گویند.

• یکی از مصداق های قاعده ی نفی سبیل این است که مانع سلطه ی رسانه ای و ارتباطی بیگانگان بر کشور شویم. بنابراین بر دولت اسلامی واجب است که زیرساخت های لازم برای پایگاه های ارتباط بومی و داخلی را فراهم کند. بر ما نیز واجب است که حتی المقدور از وسایل ارتباط داخلی بهره ببریم و مانع نفوذ و سلطه رسانه ای بیگانگان شویم و مدیریت اقتصاد کشور به گونه ای که استقلال اقتصادی حفظ شده و مانع سلطه و نفوذ بیگانگان شود، مصداق دیگری از قاعده ی نفی سبیل است.

۱۵۱- گزینه ۴

اعتقاد به خدایی حکیم که با حکمت خود جهان را خلق کرده (وحدانیت یا توحید در خالقیت) و اداره می کند (وحدانیت یا توحید در ربوبیت)، این اطمینان را به آدمی می دهد که جهان خلقت حافظ و نگهدارنده دارد که در کار او اشتباه نیست.



قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ : همانا که خداوند نگه می‌دارد آسمان‌ها و زمین را از این که نابود شوند، کسی نمی‌تواند آنها را حفظ کند، مگر خود خداوند...»

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) آیه ی «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ: همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بندگی کنید (که) این راه راست (و درست) است.» بیانگر این مفهوم است که نتیجه و ثمره ی توحید در ربوبیت، توحید عملی و بندگی خداست. (در این آیه مفهوم توحید در خالقیت وجود ندارد.)

(۲) آیه ی «ذَلِكُمْ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيَاتِكُمْ وَ أَنْ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ: این (عقوبت)، به خاطر کردار پیشین شماست (و نیز خاطر آن است که) خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند. به این مفهوم اشاره دارد که انسان مسئول سرنوشت و اعمال خویش است و عاقبتش به واسطه کردارش رقم می‌خورد.

(۳) آیه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ: به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد. پس هر کس که بینا گشت، به سود خود او و هر کس کوردل گردد، به زبان خود اوست و من بر شما نگهبان نیستم.» نیز به اختیار انسان در تصمیم‌گیری‌هایش اشاره می‌کند و هم چنین از ربوبیت خداوند. (در این آیه نیز مفهوم توحید در ربوبیت هست، اما توحید در خالقیت از آن برداشت نمی‌شود.)

۱۵۲- گزینه ۲

شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، یا همان سنت‌های الهی، موجب نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌های شکست‌ها و موفقیت‌ها، بیماری و سلامت و به طور کلی همه ی حوادث زندگی می‌شود و دیدگاه ما را نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز می‌سازد و بالأخره این شناخت در روابطمان با خدا، با خود، با خلقت و با دیگران تأثیر بسزایی دارد.

درک عظمت خالق و بهره‌مندی از طبیعت و پدیده‌های طبیعی مربوط به شناخت قوانین جهان خلقت است. (رد ۴)

۱۵۳- گزینه ۳

خداوند در آیه ۱۳ سوره شوری می‌فرماید: «خداوند از دین همان را برایتان بیان کرد که نوح را به آن سفارش نمود و آنچه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به پا دارید و در آن تفرقه نکنید.»

این موضوع ناظر بر هدایت تشریحی است.

نکته:

هدایت عمومی: هدایتی است که شامل حال همه ی موجودات می شود. هدایت تشریحی، هدایت ویژه انسان است که خداوند از طریق ارسال پیامبران و رساندن برنامه هدایت به انسان ها، آنها را هدایت می کند.

۱۵۴- گزینه ۲

اعضای بدن انسان یکی از شاهدان روز قیامت هستند.

بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها مهر خاموشی میزند و اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می کنند و علیه صاحب خود شهادت می دهند. بدکاران با مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می آیند و خطاب به آنها با لحنی سرزنش آمیز می گویند که چرا علیه ما شهادت می دهید؟

«و قالوا لجلودهم لم شهدتم علينا: آن ها به پوست خود می گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟»

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) حضور شاهدان و گواهان از جمله اعضای بدن انسان، قبل از دادن نامه اعمال است

(۳) شهادت اعضا، ارتباطی با مسئله اثبات امکان معاد ندارد.

(۴) «ناظر و شاهد بودن بر اعمال انسان» مربوط به گواهی و شهادت «پیامبران و امامان» است

۱۵۵- گزینه ۴

سراسر عمر ظرف زمان توبه است، اما بهترین زمان برای توبه، دوره ای است که امکان توبه بیشتر و انجام آن آسان تر و جبران گذشته راحت تر است؛ یعنی دوران جوانی. زیرا دوره جوانی دوره ی انعطاف پذیری، تحول و دگرگونی و دوره پیری دوره کم شدن انعطاف و تثبیت خوی ها و خصلت هاست.

مهمترین راه اصلاح و معالجه جامعه از گناهان اجتماعی (از جمله رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی و ...) انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است.

ادا کردن حقوق مادی و معنوی افراد جامعه، یکی از مراحل تکمیلی توبه فردی است. (رد ۳)

۱۵۶- گزینه ۴

حکیم کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج درست و صحیح منتهی می شود، بنابراین خدایی که حکیم است، کار بیهوده نمی کند. این که «دفتر زندگی انسان با مرگ بسته شود و همه کمالات کسب شده را از دست بدهد.» کاری بیهوده است که از خداوند حکیم به دور است و ممکن نیست.

آیه « أَوْ فَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَأْتِرَجِعُونَ: آیا پنداشته اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟» نیز با بیان استفهام انکاری بر بیهوده نبودن آفرینش و ضرورت بازگشت به سوی خدا (معاد) براساس حکمت الهی تأکید دارد.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) مفهوم این سؤال عدل خداوند نیست؛ بلکه حکمت اوست.

(۲) قسمت اول درست است اما آیه ی «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا: خداوند کسی است که هیچ خدایی جز او نیست او قطعاً شما را در روز قیامت جمع می کند که شکی در (وقوع) آن نیست و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است؟» بیانگر حتمیت و قطعیت معاد براساس صادق القول بودن (راستگو بودن) خداوند است

(۳) هر دو قسمت مربوط به عدل الهی است که با سؤال تناسبی ندارد. «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ: آیا ما آن ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند با تباہکاران یکسان قرار خواهیم داد؟»

سایر نکات درسی در این راستا:

معاد براساس عدل و حکمت خداوند، هر کدام کلیدواژه ها یا عبارت های مخصوص خودشون رو دارن که در پاسخگویی می تونن کمک باشن: حکمت الهی: «عدم بیهودگی»، «گرایش به بقا و جاودانگی»، «کسب کمالات و زیبایی ها»، «استعدادها و سرمایه های انسان»

عدل الهی: «تحقق وعده ی الهی»، «ضایع نشدن حق»، «رسیدن به آن چه استحقاق دارد»، «پاداش شهادت»، «مجازات بسیاری از ستم ها»

۱۵۷- گزینه ۲

امام رضا { پس از بیان حدیث سلسله الذهب: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ جِصْتِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي: کلمه لا اله الا الله قلعه ی محکم من است هر کس به این قلعه ی محکم من وارد شود، از عذاب من در امان است.»

در جمع مردم نیشابور فرمود: «بشروطها و أنا من شروطها: اما به شرط های آن و من از جمله شرط های آن هستم.» که این جمله اهمیت ولایت امام را نشان می دهد و بیانگر «معرفی خویش به عنوان امام بر حق»، از جمله اقدامات ائمه [ در راستای ولایت ظاهری است.

نکته:

(۱) این حدیث در کتاب درسی در بخش مرجعیت دینی و یکی از اقدامات مربوط به آن یعنی «اقدام برای حفظ سخنان و سیره ی پیامبر / مطرح شده است، زیرا شیوه بیان امام { در نقل این حدیث نشان می دهد که چگونه

احادیث رسول خدا، از امامی به امام دیگر منتقل می شده است: «من از پدرم، امام کاظم { شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق { و ایشان از پدرش ... و ایشان از رسول خدا، شنیدم که فرمود ...»

اما در بین گزینه ها، گزینه ای که مربوط به «مرجعیت دینی و اقدام برای حفظ سخنان پیامبر، باشد، وجود ندارد. پس باید از زاویه دیگری به این حدیث نگاه کرد و مطالبی که بعد از بیان حدیث از جانب امام رضا { مطرح شد را به یاد آورد که در آن صورت طبق توضیحاتی که دادیم، ولایت ظاهری و معرفی خویش به عنوان امام بر حق صحیح است.

۲) تنها گزینه ای که هر دو قسمت آن با هم هماهنگ و درست است نیز همین گزینه است.

۱۵۸- گزینه ۳

در پاسخگویی به این سؤال ابتدا باید به موضوع و مفهوم اصلی سؤال پی ببریم. در این سؤال جمله مطرح شده دارای مفاهیم زیر است:

در این دنیا انسان به کارهایی مشغول می شود که او را از کارهای مفید باز می دارد. ← مفهوم  
امور دنیوی به تنهایی بازیچه ای بیش نیستند، اما سرای دیگر جایی است که انسان با کمالات واقعی زندگی می کند.

← مفهوم  
سرای آخرت حقیقی و جاودانه است. این دو مفهوم یعنی کم ارزش و بازیچه بودن زندگی دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت از آیه «و ما هذه الحیة الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهی الحیوان لو كانوا یعلمون: این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست و سرای آخرت، زندگی حقیقی است. اگر می دانستند.» برداشت می شود.  
دقت کنید:

در جمله ی سؤال عبارت «از راه ایمان و عمل صالح به دست می آورد.» فرعی است و به اصل مفهوم ارتباطی ندارد و تنها به این خاطر گذاشته شده که در نگاه سطحی دانش آموز در دام آموزشی افتاده و از گزینه دیگری را انتخاب کند.

بررسی سایر گزینه ها:

۱) آیه « ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما یهلکنا الا الدهر؛ کافران گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست، همواره آگروهی از ما می میریم و (گروهی) زنده می شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می کند.» بیانگر دیدگاه منکران معاد است.

۲) آیه « من آمن بالله والیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم: هر کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، پس بر آنها ترسی نیست و ناراحت نمی شوند.» به پیامد دیدگاه اعتقاد به معاد می پردازد.

۴) آیه « مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» به موضوع انتخاب خداوند و بندگی او به عنوان هدف اصلی زندگی می‌پردازد.

۱۵۹- گزینه ۴

یکی از فواید اعتقاد به زنده بودن امام زمان ا این است که جامعه به صورت های گوناگون از هدایت های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد. پس چنانچه معتقد به زنده بودن ایشان نباشیم، در انجام وظیفه دولایت معنوی، ایجاد خلل می‌شود.

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنه ی نبرد حق طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی { به امام مهدی ا خواهند گفت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید ما اینجا می نشینیم.»

در دوره غیبت بنا به فرمان امام زمان ا و به نیابت از ایشان، «فقیهان واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «رهبری و ولایت» را بر عهده دارند. پس «مرجعیت دینی» در عصر غیبت بر عهده ی فقهاست نه امام زمان ا که در آن خلل ایجاد شود! (رد ۳)

سایر نکات درسی در همین راستا:

یکی دیگه از فواید اعتقاد به زنده بودن امام زمان ا است و حضور ایشان در جامعه اینه که:

• پیروان آن حضرت، از یک سو، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و از سوی دیگر، آنان می‌توانند خواسته های خود را با امام خود همانند دوستی صمیمی در میان بگذارند و برای به دست آوردن رضایت ایشان، تلاش کنند.

۱۶۰- گزینه ۲

قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان را دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا می‌داند و می‌فرماید: « وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ: و بعضی از مردم همتایانی را به جای خدا می‌گیرند آنان را دوست می‌دارند مانند دوستی خدا، اما کسانی که ایمان آورده اند، به خدا محبت بیشتری دارند.»

۱۶۱- گزینه ۲

زیاده روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن (تبرج)، باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

۱۶۲- گزینه ۱

عموم مردم در اعتقادات و عمل خود، دنباله روی شخصیت های برجسته جامعه هستند و آنها را اسوه قرار می‌دهند.

سایر نکات درسی در همین راستا:

«ارائه الگوهای نامناسب»، یکی از چالش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه [ بود

در زمانی که رسول خدا، اسوه مردم بوده انسان‌های آزاده، با ایمان و شجاعی مثل امام علی {، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، اما هر چه که جامعه از زمان پیامبر، فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که شخصیت‌های اصیل اسلامی (به ویژه اهل بیت) منزوی شوند و افرادی که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی دور بودند، به جایگاه برجسته برسانند و آنها را راهنمای مردم معرفی کنند.

۱۶۳- گزینه ۱

با توجه به آیه «حتی إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون \* لعلی أعمل صالحاً... و من ورائهم برزخ إلى يوم یبعثون: آن‌گاه که مرگ یکی از آنها فرا رسد می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید، باشد که عمل صالح انجام دهم؛... و پیش روی آنها برزخ و فاصله‌ای است تا روزی که برانگیخته می‌شوند». به عبارت (قال رب ارجعون) سخن و درخواست گناهکاران در عالم برزخ است.

و با توجه به آیه «إنّ الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً إنّما یأکلون فی بطونهم ناراً و سیصلون سعیراً: کسانی که می‌خورند اموال یتیمان را از روی ظلم، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند و به زودی در آتشی فروزان در آیند.» ظرف تحقق عبارت (سیصلون سعیراً) قیامت موعود است، زیرا از فرجام کار کسانی که مال یتیم را به ستم می‌خورند در آخرت سخن می‌گوید.

نکته:

ظرف تحقق آیه یعنی این که آیه مربوط به چه زمانی است و اتفاقات و مفاهیم آن در چه زمانی رخ می‌دهد.

۱۶۴- گزینه ۴

پس از نزول آیه ولایت: «إنّما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون: همانا ولی شما خداوند و رسول اوست و مؤمنانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.» بر رسول خدا، ایشان دریافت که چنین واقعه‌ای رخ داده است و کسی در رکوع صدقه داده است و خداوند قصد دارد او را معرفی کند، به همین دلیل با شتاب و در حالی که آیه را می‌خواند و مردم را از آن آگاه می‌کرد، به مسجد آمد و پی برد که حضرت علی { در حال رکوع، انگشتی خود را به فقیری بخشیده است. نزول آیه در چنین شرایطی و اعلام ولایت حضرت علی { از جانب رسول خدا برای آن بود که مردم با چشم ببینند و از زبان پیامبر، بشنوند تا امکان مخفی کردن (کتمان) آن نباشد.

آیه تطهیر در مورد عصمت اهل بیت پیامبر، است و در منزل ام سلمه بر ایشان نازل شد و قبل از نزول این آیه پیامبر، امام علی {، حضرت فاطمه {، امام حسن { و امام حسین { را در کنار خود جای داد و برای آنان این گونه دعا کرد: «خدا یا! اینان اهل بیت من اند، آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن.» (رد گزینة های ۱، ۲ و ۳)

۱۶۵- گزینه ۴

وجود الگوها، اولاً به ما ثابت می کند این راه موفقیت آمیز است؛ ثانیاً می توان از تجربه آنان استفاده نمود مانند آنان عمل کرد و از همه مهم تر این که می توان از آنان کمک گرفت و با دنباله روی از آنان سریع تر به هدف رسید.

دیگر نکات در مورد الگو گرفتن این است که:

اسوه بودن در اموری است همواره برای بشر خوب و با ارزش بوده اند و اسوه قراردادن پیامبر ، و ائمه به این معنا نیست که ما عین ایشان باشیم و در همان حد عمل کنیم (رد ۱)، بلکه به این معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیکتر کنیم.

۱۶۶- گزینه ۴

با توجه به آیه «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم: ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید. هرگاه که شما را به چیزی فرا می خواند که به شما زندگی و حیات می بخشد.» حیات معنوی بشر وابسته به اجابت دعوت خدا و پیامبر ، است.

دغدغه ی چگونه زیستن (کشف راه درست زندگی) از آن رو دغدغه ای جدی است که انسان فقط یک بار به دنیا می آید و یک بار زندگی در این دنیا را تجربه می کند. بنابراین در این فرصت تکرارنشده، باید از بین همه راه هایی که پیش روی اوست، راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد.

۱۶۷- گزینه ۱

قرآن کریم می فرماید: «و من الناس من یعبده الله علی حرف فان اصابه خیر اطمان به و ان اصابته فتنه انقلب علی وجهه خسر الدنيا والاخرة ذلك هو الخسران المبين: از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره ای (تنها) به زبان و هنگام وسعت و آسودگی) عبادت و بندگی می کند، پس اگر خیری به او رسد، از خدا رویگردان می شود. او در دنیا و آخرت، (هر دو)، زیان می بیند. این همان زیان آشکار است.»

توجه:

تنها راه پاسخگویی به این تیپ از سؤال ها دانستن کل آیه است.

۱۶۸- گزینه ۳

نفس اماره عاملی درونی است که انسان ها را برای رسیدن به لذت های زودگذر دنیایی به گناه دعوت می کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می دارد. دقت کنید استماع ندای عقل و وجدان یعنی شنیدن صدای عمل و وجدان! در صورت سؤال به کلمه ی تقابل دقت کنید، در اصل این جا عامل مقابل نفس اماره را می خواهد که نفس لوامه (نفس سرزنشگر) یا همان وجدان است که در عبارت (و لا اقسّم بالنفس اللّوامة) به آن اشاره شده است.

توجه:

نفس طغیانگر همان نفس اماره است.

۱۶۹- گزینه ۲

« لا تقنطوا من رحمة الله » ← حرام بودن یأس از رحمت خدا

از رحمت خدا ناامید نشوید. همگانی و عام بودن رحمت خدا

«عبادی: بندگانم» ← توحید در مالکیت

(دقت کنید در «بندگانم» میم مالکیت به کار رفته است، پس توحید در مالکیت درست است.)

۱۷۰- گزینه ۲

تسلیم شدن و بندگی خالصانه ی خداوند علت و سبب «عزت نفس» است و عزت نفس سبب می شود (علت) که انسان پیمان با خدا و رسولش را حفظ کند (معلول).

بررسی سایر گزینه ها:

• «سرکوب تمایلات دانی» نادرست است، زیرا این تمایلات در ذات خود بد نیستند و حتی لازمه زندگی در دنیا هستند. پس این تمایلات را باید کنترل کرد، نه سرکوب! (رد گزینه های ۱ و ۳)

• توانایی کنترل بر هوس ها و تمایلات، معلول و نتیجه ی «عزت نفس» است، نه علت آن! (رد ۴)

سایر نکات درسی در این راستا:

در آخر درس ۱۱، یه بخش به نام «خودارزیابی» هست که پر از روابط علت و معلوله:

تسلیم و بندگی خداوند (علت) ← عزت نفس (معلول)

احساس حضور در پیشگاه خداوند (علت) ← عزت نفس، دوری از گناه، توجه به خود عالی و نفس لوامه (معلول)

غفلت از خداوند (علت) ← ذلت نفس و افتادن در دام گناه و گرفتار شدن به خود دانی و نفس اماره (معلول) عزت

نفس (علت) ← حفظ پیمان با خدا و باقی ماندن بر عزم و تصمیم (معلول)

ذلت نفس (علت) ← شکستن پیمان با خدا و سستی در عزم و تصمیم (معلول)

۱۷۱- گزینه ۴

خداوند در آیه ۱۶ سوره ی رعد در مورد کسانی که سرپرستانی غیر از خداوند گرفته اند، می فرماید: «قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا: بگو آیا غیر از او سرپرستانی گرفته اید که (حتی) اختیار سود و زیان خود را ندارند؟» و سپس در نفی کار این افراد این گونه استدلال می آورد: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ: بگو آیا نابینا و بینا برابر است؟ آیا تاریکی ها و روشنایی برابرند؟»



پس این استدلال قرآنی مربوط به کسانی است که برای خود ولی و سرپرستی انتخاب کرده اند که اختیار سود و زیان خود را ندارد (دچار شرک در ولایت شده اند).

سایر نکات درسی در این راستا:

در آیه ۱۶ سوره رعد، مراتب مختلف توحید و شرک اومده:

(قل من رب السماوات و الارض): توحید در ربوبیت

(قل آ فاتخذتم من دونه اولياء): شرک در ولایت

(ام جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه الخلق عليهم): شرک در خالقیت

(قل الله خالق كل شيء): توحید در خالقیت

(و هو الواحد القهار): همه مراتب توحید

۱۷۲- گزینه ۴

ترسیم چهره عقلانی و منطقی دین اسلام میان یک پیام و روش تبلیغی آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. حق را نمی توان با روش های نادرست به دیگران رساند.

سایر نکات درسی در همین راستا:

آیه مربوط به این موضوع که خیلی موقع ها هم مورد سؤال طراحان کنکور بوده آیه ۱۲۵ سوره نحل هست:

«أدع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتي هي أحسن» به راه پروردگارت دعوت کن با دانش استوار و اندرز نیکو و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است، مجادله نما.»

۱۷۳- گزینه ۱

این سؤال براساس سخن امام خمینی (ره) طرح شده است. امام خمینی (ره) در یکی از پیام های خود به مسلمانان، چنین پیام می دهد:

«ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت ها را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید. دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلامی تکیه کنید و با غرب و غرب زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید.»

پس با توجه به این سخن، اجتماع مسلمین زیر پرچم توحید، دوری از اختلافات و هواهای نفسانی و تکیه بر فرهنگ اسلام موجب کوتاه کردن دست ابرقدرت ها از ممالک اسلامی است.

۱۷۴- گزینه ۲

پیش قدم شدن در بازی برای سلامت اخلاقی ← بهره مندی از پاداش اخروی  
فراهم کردن شرایط و امکانات ورزش برای دور شدن جامعه از فساد ← واجب کفایی  
تلاش برای پیشرفت علمی، صنعتی و افزایش تولید داخلی ← واجب  
دقت کنید در این سؤال عملی که دارای پاداش باشد، مستحب شمرده شده است.

۱۷۵- گزینه ۳

کسی با خوردن آب روزه ی خود را عمداً باطل کند، مانند کسی است که عمداً روزه نگیرد. چنین فردی هم باید قضای آن را به جا آورد (رد ۲) و هم «کفاره» بدهد. کفاره ی روزه به دو شکل است: برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام بدهد و این شخص در انتخاب نوع کفاره آزاد است.  
کسی که با خوردن خاک، روزه خود را عمداً باطل کند، حکمش مانند کسی است که به چیز حرامی روزه خود را باطل کرده است و کفاره جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفاره یادشده را انجام دهد.

۱۷۶- گزینه ۴

هر کس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می رود و اختلاف در انتخاب هدف ها ریشه در نوع اندیشه ی انسان دارد.

هدف های زندگی به هدف های اصلی و فرعی تقسیم می شوند که هر دوی این اهداف خوب اند و برای زندگی ما ضروری اند. مهم این است که هدف فرعی را به جای هدف اصلی قرار ندهیم و آن قدر به اهداف فرعی دل نبندیم که مانع رسیدن به هدف اصلی شود.

۱۷۷- گزینه ۴

در عالم برزخ انسان اموری را درک و مشاهده می کند که درک آن ها در دنیا ممکن نبود؛ به طور مثال اعمالی را که در دنیا انجام داده مشاهده می کند و به همین علت به کاستی های اعمال خود پی می برد و از خداوند تقاضای بازگشت به دنیا دارد تا اعمال صالحی را که ترک کرده است، انجام دهد:

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ: آن گاه که مرگ یکی از آن ها فرا رسد می گوید: پروردگارا مرا بازگردانید، باشد که عمل صالح انجام دهم؛ آنچه را که در گذشته ترک کرده ام.» بررسی سایر گزینه ها:

آیه «ام نجعل المتقين كالفجار: آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟» به ضرورت معاد براساس عدل الهی اشاره می کند و ارتباطی به بازگشت به دنیا ندارد. (رد گزینه های ۲ و ۳)

عبارت «جزای اعمال خود را می بینند و دچار شدیدترین عذاب می شوند.»، مربوط به برزخ یا حیات بعد از مرگ نیست بلکه مربوط به عالم قیامت است. (رد گزینه های ۱ و ۲)

۱۷۸- گزینه ۲

آیه شریفه « وَ قَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ: آنها به پوست خود می گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ گویند: ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن آورد.» بیانگر شهادت اعضای بدن انسان است و «حضور شاهدان و گواهان» از وقایع مرحله دوم قیامت است. با توجه به این آیه، اشیا و جمادات به اذن خداوند سخن می گویند (تکلم می کنند)

۱۷۹- گزینه ۱

دوزخیان در قیامت به خداوند می گویند: «پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می دهیم.»

پاسخ قطعی خداوند این است که: «آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می خواست به راه راست آید؟»

دوزخیان به نگهبانان جهنم نیز رو می آورند تا آنها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرنده ولی فرشتگان می گویند: «مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟»

۱۸۰- گزینه ۴

با توجه به عبارت « وَ لَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قَتْرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ: پاداشی نیک و چیزی فزون تر است و بر چهره آنان غبار خواری و ذلت نمی نشیند.» گرد ذلت و خواری بر چهره ی کسانی که نیکویی پیشه کرده و دارای «عزت» هستند، نمی نشیند. (عزت در مقابل ذلت است.)

پس علت بیان این عبارت را می توان در آیه « مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا: هر کس عزت می خواهد (بداند) که هر چه عزت است، از آن خداست.» مشاهده کرد.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه « يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا: (به گونه ای که دیگر) مرا پرستند و به چیزی شرک نورزند.» بیانگر نتیجه تحقق وعده های الهی به مؤمنان صالح است

(۲) آیه « وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ: ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و در خشکی و دریا بر نشانیدیم.» بیانگر جایگاه انسان در خلقت است.

(۳) آیه « وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بَمِثْلِهَا وَ تَرَهَّقُهُمْ ذِلَّةٌ: آنان که بدی پیشه کردند، جزای بد به اندازه عمل خود می بینند و بر چهره آنان غبار ذلت می نشیند.» از گناه کاراتی صحبت می کند که دچار ذلت شده اند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «و ما كان المؤمنون لينفروا كافةً فلو لا نفر من كل فرقةٍ منهم طائفةٌ ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون: و نمی شود که مؤمنان، همگی (برای آموزش دین) اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را (به طور عمیق) بیاموزند و آن گاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهنده باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند.»

با توجه به این آیه، ثمره ی هجرت گروهی از مؤمنان با هدف تفقه برای مردم «لعلهم يحذرون: آنها را هشدار دهند.» است

امام علی { پس از بیان اوضاع و احوال پس از خود و آگاه کردن مردم و هشدار به آنها فرمود:

در آن شرایط، در صورتی می توانید راه رستگاری (سعادت) را تشخیص دهید که ابتدا پشت کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می توانید به عهد خود با قرآن وفادار بمانید که پیمان شکنان را تشخیص دهید و آن گاه می توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.»

بهره مندی از امام زمان ا در زمان غیبت، منحصر به «ولایت معنوی» می شود که نیازمند به ظاهر بودن بین مردم نیست. ایشان به اذن الهی از احوال انسان ها آگاه است، افراد مستعد و به ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک ها و امدادهای معنوی خویش برخوردار می سازد. امام عصر ا در نامه ای به شیخ مفید، از علمای بزرگ اسلام در این باره می فرماید: «... ما در رسیدگی (به شما) و سرپرستی شما کوتاهی و سستی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند.»

هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی علماء خبردادن از پاره ای رویدادها، دستگیری از درماندگان و دعا برای مؤمنان، نمونه هایی از یاری رساندن های (ولایت معنوی) آن حضرت است

با توجه به آیه شریفه « كَلَّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا: هر یک از اینان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را مدد می رسانیم از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت (از کسی) منع نشده است.»

رحمت واسعه ی الهی به همه افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار مدد می رساند. (سنت امداد عام الهی)

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه ی « مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا: کسی که کار نیکی بیاورد ده برابر آن (پاداش) می گیرد.» بیانگر سنت «سبقت رحمت بر غضب الهی» است و حاوی این پیام است که خداوند پاداش کار نیک را چند برابر و کیفر کار بد را به اندازه خودش میدهد و این نشانه رحمت الهی است.

(۲) آیه « وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا: و کسانی که در راه ما جهاد (و تلاش کنند) حتماً آنان را به راههای خود هدایت می کنیم.» بیانگر سنت «توفیق یا امداد خاص الهی» است و حاوی این پیام است که خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند، به طور خاص هدایت می کند.

(۴) آیه « وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند قطعاً برایشان برکاتی می گشودیم.» بیانگر سنت «تأثیر اعمال انسان در زندگی او» است و حاوی این پیام است که مطابق قانون الهی، آینده انسان براساس رفتارهای گذشته اش رقم می خورد.

۱۸۵- گزینه ۲

ریشه ی بت پرستی و شرک جدید (شرکی پیچیده تر و خطرناک تر از شرک قدیم یا همان بت پرستی) آن است که برخی از انسان ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات دینی را در متن زندگی خود وارد نمی کنند و برعکس تمایلات دنیوی و نفسانی خود را اصل قرار می دهند.

(پس نتیجه ی اصل قرارداد تمایلات دنیوی و نفسانی، گرفتارشدن در شرک پیچیده و خطرناک دنیای امروز است)

۱۸۶- گزینه ۲

بخش اول عبارت صورت سؤال: «کسی که گمان می کند سایر مخلوقات مستقل از خداوند»، بیانگر این نکته است که فرد، مخلوق بودن همه و تنها خالق بودن خداوند را قبول دارد، یعنی به توحید در خالقیقت اعتقاد دارد.

در ادامه ی عبارت آمده است: «مستقل از خداوند، می توانند در اداره ی امور جهان دخالت کنند» که این بخش از جمله با توجه به کلیدواژه «اداره کردن» به شرک در ربوبیت اشاره دارد. چون ربوبیت خداوند شامل اداره «پرورش» «تدبیر»، «هدایت» و «پیش بردن» مخلوقات است.

۱۸۷- گزینه ۳

برخی می گویند: اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آن چه اهمیت دارد، درون و باطن است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست (ناسازگار است). خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است شرط اصلی دوستی با خدا اعلام می کند: «قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِيْ يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ: بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را ببخشد.»

آیه « وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَّتَّخِذُ مِنَ دُوْنِ اللّٰهِ اُنْدَادًا يُحِبُّوْنَهُمْ كَحُبِّ اللّٰهِ: و بعضی از مردم همتایانی را به جای خدا می گیرند آنان را دوست میدارند مانند دوستی خدا»، بیان می کند که عدهای غیر از خدا را مورد عشق و محبت خود

قرار می دهند، در حالی که یکی از ویژگیهای مؤمنان، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خداست. (این موضوع با سؤال ارتباطی ندارد - رد گزینه های ۱ و ۲)

۱۸۸- گزینه ۳

به نقل از یکی از یاران خوب پیامبر ، جابر بن عبدالله انصاری، پس از آن که رسول خدا ، در مورد حضرت علی { فرمود: «این مرد اولین ایمان آورنده ی به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا راسخ ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات بین آنها و ارجمندترین شما نزد خداست.»، آیه ۷ سوره ی بینه بر ایشان نازل شد و پیامبر ، آن را قرائت کرد:

« إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ: کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اینان بهترین مخلوقات اند.»

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه « إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا: همانا خدا اراده کرده که دور گرداند از شما اهل بیت پلیدی و ناپاکی را و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد». در مورد عصمت اهل بیت پیامبر ، است و پس از بیان جمله دعایی پیامبر ، :

«خدایا اینان اهل بیت من اند؛...» نازل شده است.

(۲) آیه ی « بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ: ای رسول، آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده برسان و اگر چنین نکنی، رسالتش را نگزارده ای»، در غدیر خم بر پیامبر ، نازل شد و پیامبر پس از آن حدیث غدیر را بیان کرد: «من کنت مولاه فهذا علیٌّ مولاه»

(۴) آیه ی «لقد كان لكم في رسول الله اسوةٌ حسنةٌ لمن كان يرجوا الله واليوم الآخرَ وذكر الله كثيراً: قطعاً برای شما در رسول خدا سرمشق نیکویی است برای کسی که به خداوند و روز رستاخیز امید دارد و خدا را بسیار یاد می کند.» که بخشی از آن در سؤال مطرح شده بیانگر الگو و اسوه بودن پیامبر ، است.

۱۸۹- گزینه ۳

خداوند درباره ی قدر و قضای الهی و این قانونمندی تخلف ناپذیر و استوار، مثالی می زند (پس آیه بیانگر تقدیر الهی است) و می فرماید: « لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ: نه خورشید را سزد که به ماه برسد، و نه شب بر روز پیشی جوید و هر یک در مدار ی در گردش اند.»

با شناخت این قانون الهی و اعتماد و اطمینان از دقت و نظم آن، انسان می تواند برنامه ریزی و عمل کند و ایام را تنظیم کند. منظور از تنظیم ایام، تقویم ماهانه و سالانه است که دانشمندان با توجه به گردش ماه و خورشید آن را تنظیم می کنند.

دقت کنید:

منظور از سنت الهی، قوانین حاکم بر زندگی انسان هاست، اما تقدیر الهی شامل قانونمندی حاکم بر جهان خلقت می شود.

۱۹۰- گزینه ۳

شعر:

«ذاتِ نیافته از هستی، بخش / چون تواند که بود هستی بخش؟»

خشک ابری که بود ز آب تهی / ناید از وی صفت آب دهی»

به مفهوم مقدمه ی دوم نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود به خداوند اشاره می کند.

نکته ی اصلی مقدمه ی دوم چنین است که پدیده ها که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد. در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) از بیانگر نیازمندی موجودات در بقاست، نه پیدایش

(۲) مقدمه اول نیازمندی جهان در پیدایش به خدا را بیان می کند.

(۴) به این مفهوم اشاره می کند که خداوند نور هستی است و همه موجودات تجلی بخش اویند.

۱۹۱- گزینه ۳

این روایت پیامبر ، : «راهیابی شرک به دل انسان از راه رفتن مورچه ای سیاه در شب تاریک بر تخته سنگی سیاه پنهان تر است.» از پنهانی بودن راهیابی شرک صحبت می کند و بیانگر اهمیت مراقبت از نفس است و براساس آن و به این نکته می توان پی برد که کسی راه توحید را برمی گزیند و در پی آن اندیشه و دل و عمل خود را برای رضای خداوند قرار می دهد، خطراتی (از جمله لغزش راهیابی شرک در او) او را تهدید می کند و احتمال انحراف از توحید برای او هست. پس باید ببینیم چگونه از حریم اندیشه و دل پاسبانی کنیم تا آفت شرک به آن راه نیابد و عمل ما خالص برای خداوند انجام شود.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) مصونیت برای کسی وجود ندارد و انسان موحد نیز در برابر خطر انحراف از توحید قرار دارد.

(۲) انسان همواره بر سر دو راهی بندگی خداوند و بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد. (نه اندیشه!)

۴) جمله ای صحیح است، ولی ارتباطی به سؤال ندارد.

۱۹۲- گزینه ۲

پیام اسلام، پیامی مطابق با فطرت انسان هاست. هر انسان حقیقت طلب و روشن ضمیری که جویای حقیقت باشد، وقتی دعوت قرآن را به عقلانیت، اندیشه ورزی، عدالت، دوری از ستمگری و... می شود، به طور طبیعی جذب آن می شود.

میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد، حق را نمی توان با روش های نادرست به دیگران رساند. دین اسلام یک دین منطقی و استدلالی است و چنین دینی را نمی توان با تعصب های جاهلانه یا با روش های فریبکارانه تبلیغ کرد و نظر مردم را به سوی آن جلب نمود.

نکته:

بخش اول سؤال مربوط به «حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی» و بخش دوم آن مربوط به «ترسیم چهره عقلانی و منطقی دین اسلام» است که هر دو از وظایف و مسئولیت های ما در احیای تمدن اسلامی است.

۱۹۳- گزینه ۱

روایات متعددی از معصومین [ نقل شده که اسلام را بر «پنج پایه» استوار دانسته اند و از میان آنها «ولایت» را مهم ترین پایه شمرده اند.

از جمله حدیث امام باقر { : «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُوذِيَ بِالْوَلَايَةِ: اسلام بر پنج پایه استوار است بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و به چیز دیگری دعوت نشده آن گونه که مردم به ولایت دعوت شده اند.» حدیث سلسله الذهب: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حَصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي: کلمه لا اله الا الله قلعه ی محکم من است، هر کس به این قلعه ی محکم من وارد شود، از عذاب من در امان است.» بیانگر این مفهوم است که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود (رد گزینه های ۳ و ۴) و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر می گردد.

۱۹۴- گزینه ۱

یکی از وظایف رهبر، حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان است. رهبر با دعوت مردم به استقامت و پایداری و بستن راه های سلطه، تلاش می کنند عزت و استقلال کشور از دست نرود.

بررسی سایر گزینه ها:

سایر گزینه ها، از وظایف مسئولیت های مردم نسبت به رهبر است.



۲) وحدت و همبستگی اجتماعی ← کشور را قوی می کند و به رهبری امکان می دهد که برنامه های اسلامی را به اجرا در آورد.

۳) افزایش آگاهی های سیاسی و اجتماعی ← برای تصمیم گیری صحیح در برابر قدرت های ستمگر دنیا، اطلاع از شرایط سیاسی و اجتماعی جهان، ضروری است.

۴) مشارکت در نظارت همگانی ← سبب می شود که رهبر، همه افراد جامعه را پشتیبان خود بیابد و هدایت جامعه به سمت وظایف اسلامی برای رهبر جامعه آسان تر شود.

۱۹۵- گزینه ۲

قرآن کریم بر این موضوع تأکید می کند که کسانی که در تلاش برای آوردن نمونه ای برای قرآن اند، هیچ گاه نمی توانند همانند قرآن را بیاورند:

«قُلْ لَنْ أَجْتَمِعَ الْإِنْسَ وَالْجِنَّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا: بگو اگر تمامی انس و جن جمع شوند تا همانند قرآن را بیاورند، نمی توانند همانند آن را بیاورند، هر چند پشتیبان هم باشند.»

در بین گزینه ها که همه پیرامون همین موضوع است، تنها عبارت «لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ: نمی توانند همانند آن را بیاورند.» پیش بینی قرآن است.

۱۹۶- گزینه ۱

وجود دو یا چند دین در یک زمان نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خداست و قطعاً با ناآگاهی همراه نبوده است. (رد گزینه های ۲ و ۴)

براساس آیه ی «قطعاً دین نزد خداوند اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند مگر، پس از آن که به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.» کسانی که این چند دینی را باعث شدند، گروهی از اهل کتاب (یهودی و مسیحی) بودند که به حقیقت آگاهی داشتند، اما به دلیل رشک و حسدشان در مقابل دین پیامبر اسلام، ایستادن و با آن مخالفت کردند.

۱۹۷- گزینه ۴

امام کاظم { در پاسخ برادرش که پرسید: «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟» فرمود: «چهره و دست تا مچ»

خداوند در آیه ی «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكِ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكِ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ: ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمن بگو پوشش های خود را به خود نزدیک تر کنند این برای آن که به (عفاف) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.»، از عبارت «جلباب» برای پوشش استفاده

می کند و در ادامه، یکی از دلایل حجاب و پوشش را دور شدن افراد ناپاک از زن مسلمان بیان می کند و دلیل دیگر این که زن به عفاف و پاکی شناخته شود.

۱۹۸- گزینه ۱

مهم ترین فایده ی روزه، تقواست پس برای فراهم شدن امکان دستیابی به تقوای الهی، باید به این سخن قرآن کریم در مورد روزه توجه کنیم که می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَّامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الذِّینِ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ: ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شده بود باشد که تقوا پیشه کنید.»

بررسی سایر گزینه ها:

۲) آیه « مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا: کسی که ایمان بیاورد به خدا روز قیامت و کار شایسته انجام دهد.» از کنار هم قرار گرفتن ایمان و عمل صالح سخن می گوید که نتیجه اش نداشتن ترس و اندوه است.

۳) در این مورد واقعاً نمیدونم چی بگم، چون جالبه که خود کتاب یکی از راه های سبک تقوا رو گفته نمازه! اما خب فقط تو آیه ی روزه به صراحت به تقوا اشاره شده.

۴) آیه ی « تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا: به صورت جمعی و فردی برای خدا قیام کنید. از موعظه خداوند نسبت به بندگان صحبت می کند. (حواستون باشه این جا «تقوموا» به معنای قیام رو با تقوا اشتباه نگیرید!)

۱۹۹- گزینه ۱

در صورت سؤال از آن صحبت شده که در ارتباط با مسائل خانواده است. پس از بین گزینه ها، ۱ یا ۲ مورد نظر است چون آیات دیگر در ارتباط با این موضوع نیستند. برای انتخاب بین گزینه های ۱ و ۲ نیز باید بر آیه تسلط کافی داشته باشید و ادامه آن را بدانید. خداوند در آیه ۲۱ سوره روم می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و از نشانه های خدا آن است که همسرانی از نوع خودتان برای شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و میان شما «دوستی» و «رحمت» قرار داد. همانا که در این مورد، نشانه هایی است برای کسانی که تفکر می کنند.»

۲۰۰- گزینه ۴

تولید فیلم های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد، مستحب است و در شرایط ویژه، واجب کفایی است.

تولید، توزیع و تبلیغ فیلم ها، لوح های فشرده، مجلات، روزنامه ها، کتاب ها و انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی، از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی بزرگ است.

خداوند در آیه: «و ما خلقت الجنّ و الانس الا ليعبدون: جن و انسان را نیافریدم مگر این که مرا عبادت کنند.» به هدف آفرینش انسان که عبادت و بندگی خداست، اشاره می کند.

منظور از این که هدف اصلی انسان در زندگی باید عبادت و بندگی خداوند باشد، فقط انجام برخی اعمال عبادی نیست، بلکه براساس تعالیم دین اسلام، هر حرکت و عملی که برای سبک رضایت خداوند و براساس معیارهای دینی صورت گیرد، عبادت است. آیه «قل إنّ صلاتی و نُسکی و مَحیای و مَمَاتی لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمین: بگو نمازم، تمامی اعمالم و زندگی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است. در واقع تفسیری است برای همین مطلب و آیه «ما خلقت الجنّ...» کامل ترین تعبیر درباره ی «زندگی به خاطر خدا» می باشد.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه « مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» بیانگر این موضوع است که با انتخاب خداوند به عنوان هدف اصلی می توان با یک تیر دو نشان زد و آخرت و دنیا را با هم به دست آورد.

(۳) آیه « مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِین: ما آسمان ها و زمین و آنچه بین آنهاست را به بازیچه نیافریدیم.» به هدفمند بودن خلقت جهان اشاره دارد.

(۴) آیه « إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا و إِمَّا كَفُورًا: ما راه را به او نشان دادیم خواه سپاسگزار و خواه ناسپاس باشد، به اختیار انسان در انتخاب راه اشاره می کند.

علاوه بر سرمایه های بزرگ، خداوند پیامبران و پیشوایان پاک و دلسوزی را همراه با کتاب راهنما برای ما فرستاد تا راه سعادت را به ما نشان دهند و در پیمودن راه حق به ما کمک کنند. این موضوع همان «حمایت خداوند از انسان است که در آیه «و الّذین جاهدوا فینا لنهّدیّنهم سُبُلنا: و کسانی که در راه ما جهاد او تلاش کنند حتماً آنان را به راه های خود هدایت می کنیم.» نیز به آن اشاره شده است.

در بخش دوم سؤال، از «قوه ی انتخاب بهترین راه» صحبت شده است، پس در مورد سرمایه ای درونی است. از بین دو آیه ذکر شده، آیه « وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّأَهَا فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا: سوگند به نفس و آن که سامانش بخشید، آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد.» یک سرمایه درونی یعنی «شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن: اشاره می کند که خداوند در وجود ما قرار داده تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم و در واقع «بهترین راه را انتخاب کنیم.»

نکته:

وقتی صحبت از «انتخاب» می شود، قطعاً سرمایه «اختیار» و آیه «اَنَا هِدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُوْرًا» به ذهنتان می رسد که کاملاً صحیح می باشد، اما در بین آیه های مطرح شده در قسمت دوم چنین آیه ای وجود ندارد. پس منظور طراح آیه دیگری است. (پس چشم ها را باید شست، جور دیگر باید دید!)

بررسی سایر گزینه ها:

آیه «اَنَا هِدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُوْرًا»: ما راه را به او نشان دادیم با سپاس گزار خواهد بود و یا ناسپاس» بیانگر «اراده و اختیار» انسان در انتخاب راه است و بر سرمایه «اختیار» اشاره می کند. که در سؤال به آن اشاره ای نشده است.

آیه «فاعبدوه هذا صراطٌ مستقيم»: پس او را بندگی کنید (که) این راه راست او درست است، به پرستش خداوند و توحید عملی اشاره می کند.»

۲۰۳- گزینه ۳

در پی کسب رضایت و منافع طاغوت بودن یعنی سر باز زدن از فرامین الهی و این به معنای شرک عملی یا عبادی است. (نه شرک ربوبی! رد گزینه های ۱ و ۴) و چون بحث از «افراد جامعه» است پس بُعد اجتماعی توحید عملی مطرح است.

در میان دو آیه، آیه « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...: ای کسانی که ایمان آورده اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، (به گونه ای که) با آنان مهربانی کنید. حال آن که آنان به دین حقی که برای شما آمده است، کفر ورزیده اند و هشدار می است به جامعه توحیدی که حکومت کسانی را که خداوند به آنها حق حکومت کردن را نداده است، نپذیرند و با آنان که با خداوند و مسلمانان دشمنی می ورزند، دوستی نکنند.

دقت کنید:

و آیه « وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللّٰهَ عَلٰی حَرْفٍ: از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره ای (تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی) عبادت و بندگی می کند...» به شرک عملی در بعد فردی اشاره می کند. (رد گزینه های ۱ و ۲)

به کلیدواژه «طاغوت» که در ارتباط با بُعد عملی (عبادی) شرک است، توجه کنید.

۲۰۴- گزینه ۴

توحید در ربوبیت بدان معنا نیست که موجودات، به خصوص انسان، قدرت تدبیر ندارند؛ باغبانی که زحمت می کشد و به پرورش درختان اقدام می کند، رشد این درختان نتیجه تدبیر اوست. بلکه، توحید در ربوبیت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند. (یعنی تدبیر باغبان در طول تدبیر خداوند متعال قرار

دارد.) آیه « قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّ وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ...: بگو: آیا جز خدا پروردگاری را بطلبم در حالی که او پروردگار همه چیز است؟...» به توحید در ربوبیت اشاره دارد. کلیدواژه «رب» به راحتی گویای این مطلب است.

آیه « مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا: آن ها هیچ ولی (سرپرستی) جز او ندارند و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی سازد.» بیانگر توحید در ولایت است و ارتباطی با صورت سؤال ندارد. (رد گزینه های ۱ و ۳)

۲۰۵- گزینه ۴

آیه شریفه « وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا: آنان که کافر شدند، تصور نکنند که به آنها مهلت می دهیم، به نفع آنهاست، فقط (به این خاطر) به آنان مهلت می دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذابی خوار کننده است.» به سنت «املاء» یا «امهال» اشاره دارد. به کلیدواژه ی «نملی» دقت کنید.

براساس سنت املاء، اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجابت ورزند، خداوند به آنها فرصتی می دهد و آنها این فرصت را وسیله ی غوطه ور شدن در تاریکی ها قرار می دهند، به طوری که اگر در ابتداء اندک امیدی وجود داشت که نور حق در دلشان بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار می شوند.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) فرصت دادن خداوند به گناهکاران برای نجات خود قبل از گرفتار شدن آنها به سنت املاء است و سنت امهال هنگامی است که آنان در گناه و باطل غرق شده اند و امیدی به بازگشت آنها نیست، پس این فرصت، دیگر برای نجات آنها نیست.

(۲) سنت ها و امکانات با اختیار و اراده خود گناهکاران به صورت بلای الهی جلوه گر می شود، نه لطف

(۳) آیه مربوط به سنت املاء است و ارتباطی با سنت «امداد» ندارد.

۲۰۶- گزینه ۱

پیامبر ، در ضمن بیان حدیث جابر، در مورد دوازدهمین امام (حضرت مهدی اُ) نیز صحبت می کنند:

«ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من اند. نخستین آنان علی بن ابی طالب است و سپس به ترتیب... حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش می باشد که هم نام و هم کنیه ی من است. اوست که از نظر مردم پنهان می شود و غیبت او طولانی می گردد تا آن جا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده ی او باقی می مانند.»

سایر نکات درسی در همین راستا:

وقتی آیه اولی الامر بر پیامبر ، نازل شد: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ...»، یکی از یاران پیامبر به اسم جابر بن عبدالله انصاری اومد پیش پیامبر و از ایشان پرسید که «اولی الامر» را بشناسیم. بعد از اون پیامبر طی حدیثی همه ی دوازده امام رو به عنوان «اولی الامر» معرفی کردن که این حدیث معروف شد به حدیث جابر.

یه مورد دیگه این که پیامبر ، وقتی این حدیث رو می گفتن، وقتی به اسم امام باقر { یعنی «محمد بن علی» رسیدن به جایر گفتن که موقع پیری ایشان رو می بینه و خواستن که سلامشون رو به امام باقر { برسونه.

۲۰۷- گزینه ۱

میزان بهره مندی انسان ها از هدایت معنوی به درجه ی ایمان و عمل آنان بستگی دارد. هر قدر درجه ایمان و عمل انسان ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت هدایت های معنوی را بیشتر کسب می کنند.

۲۰۸- گزینه ۱

با دانستن ترجمه ی آیه به راحتی می توان به این سؤال پاسخ داد:

« وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و از نشانه های خدا آن است که همسرانی از (نوع) خودتان برای شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و میان شما «دوستی» و «رحمت» قرار داد. همانا که در این مورد، نشانه هایی است برای کسانی که تفکر می کنند.»

عبارت «مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا: همسرانی از (نوع) خودتان»، بیانگر نگاه اسلام به زن و مرد و برابری منزلت زن و مرد است.

عبارت «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا: تا با آن ها آرامش یابید»، به هدف تشکیل خانواده و نتیجه ی ازدواج، یعنی رسیدن به آرامش اشاره می کند.

۲۰۹- گزینه ۳

دیدگاه انسان عفیف در آراستگی:

• زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی دهد و اجازه نمی دهد که به شخصیت انسانی او اهانت شود.

• او حیا می کند که برخی افراد به خاطر امور سطحی و کوچک، زبان به تحسین و تمجید او بکشایند.

• او در وجود خود، استعداد و ارزش های برتر و والاتری می یابد که می تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد. (گزینه صحیح)

● از مقبولیت نزد همسالان و جامعه گریزان نیست، اما خود را با ارزش تر از آن میدانند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهر به دست آورد و خود را در حد ابزاری برای هوس رانی دیگران پایین آورد.

۲۱۰- گزینه ۱

پیامبران و امامان، همان گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان ها بوده اند، در روز قیامت نیز شاهدان دادگاه عدل الهی اند و چون ظاهر و باطن اعمال انسان ها را در دنیا دیده‌اند (آگاهی ایشان از تمام زوایای اعمال انسان ها) و از هر خطایی مصون و محفوظ اند (دور بودن آنها از خطا و اشتباه)، بهترین گواهان قیامت‌اند.

بررسی سایر گزینه ها:

۲) مراقبت دائمی از انسان ها و ثبت و ضبط اعمال آن ها مربوط به «فرشتگان الهی»، یکی دیگر از شاهدان روز قیامت است.

۳) این که اعمال پیامبران و امامان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده، سبب شده است که اعمال ایشان معیار و میزان سنجش اعمال قرار گیرد و این موضوع مربوط به «برپاشدن دادگاه عدل الهی» است، نه «حضور شاهدان».

۴) جمله ی بی ربطی است، ضمن این که پیامبران و امامان با همه انسان ها مهربان نیستند! (قطعاً با کفار و امثالهم رفتار دیگری داشته اند).

۲۱۱- گزینه ۳

در پاسخ به سؤال «چرا خداوند هر لحظه دست اندر کار امری است؟» باید گفت: نیازهای دائمی موجودات لطف و فیض دائمی را طلب می کند، او هر لحظه دارای فیضی جدید و مستمر برای آفریده هاست. چنین نیست که خداوند عالم را آفریده و آن را به حال خود رها کرده باشد، بلکه همواره امور هستی را تدبیر و اداره می کند؛ بنابراین او همواره و هر لحظه دست اندر کار امری است زیرا: «یسأله مَنْ فی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ: آن چه در آسمان ها و زمین هستند، پیوسته از او درخواست می کند.»

بررسی سایر گزینه ها:

۱) آیه «انتم الفقراء إلى الله: شما به خداوند نیازمند هستید.» از فقر و نیازمندی موجودات نسبت به خداوند صحبت می کند که علت درخواست دائمی آنها از خداوند است.

۲) آیه «و الله هو الغنی الحمید: و خداست که (تنها) بی نیاز ستوده است» بیانگر بی نیازی و غنای خداوند است.

۴) آیه «الله نور السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ: خداوند نور آسمان ها و زمین است.» به نور بودن خداوند و این که تمام موجودات، وجود خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می شوند، اشاره دارد.

۲۱۲- گزینه ۱

پیامبر ، و از بیکاری بدش می آمد و کسانی را که فقط عبادت می کردند و کار نمی کردند، مذمت می کرد. این رفتار پیامبر ، در راستای «مبارزه با فقر و محرومیت» در جامعه بود و ایشان در همین زمینه به یاران خود می فرمود: «به من ایمان نیاورده است کسی که شب را با شکم سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد.» بررسی سایر گزینه ها:

۲) به «تلاش برای برقراری عدالت و برابری» پیامبر ، اشاره می کند.

۳) بیانگر «محبت و مدارای ایشان با مردم» است.

۴) بیانگر «سخت کوشی و دلسوزی ایشان در هدایت مردم» است.

۲۱۳- گزینه ۲

دین اسلام ویژگی هایی دارد که می تواند پاسخگوی نیازهای بشر در دوره های مختلف باشد. یکی از این ویژگی ها وجود دو دسته قوانین ثابت و متغیر، متناسب با نیازهای ثابت و متغیر بشر است.

انسان در زندگی فردی و اجتماعی، دو دسته نیاز دارد، نیازهای ثابت همانند «امنیت»، عدالت و ... این نیازها همواره برای بشر وجود داشته و از بین نمی رود و اسلام نیز برای تأمین آن ها قوانین ثابت و مشخصی دارد. دسته دیگر، نیازهای متغیر هستند که از درون همین نیازهای ثابت پدید می آیند، مانند «چگونگی تأمین امنیت» که فقیهان و مجتهدان براساس قانون ثابت و با تحقیق و مطالعه در کتاب و سنت پاسخ به نیازهای متغیر را معین می کنند.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه های ۱ و ۴ از دیگر موارد مربوط به «پویایی و روزآمد بودن دین اسلام» است.

۳) از عوامل ختم نبوت است.

۲۱۴- گزینه ۱

امام کاظم { می فرماید: «خدا یا! می دانم که بهترین توشه ی مسافر کوی نو عزم و اراده ای است که با آن خواستار تو شده باشد». پس با توجه به سخن ایشان، بهترین توشه ی مسافر کوی خداوند، عزم و اراده است و نتیجه برخورداری از آن آسان تر رسیدن به هدف است. (هر قدر عزم قوی تر باشد، رسیدن به هدف آسان تر است).

۲۱۵- گزینه ۳

مطابق آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون: «حتی اذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت کلاً آنها کلمة هُو قائلها و من ورائهم برزخ: آن گاه که مرگ یکی از آنها فرارسد می گوید: پروردگارا! مرا باز گردانید باشد که عمل صالح انجام دهم آنچه را در گذشته ترک کرده ام؛ هرگز! این سختی است که او می گوید و پیش روی آن ها برزخ و فاصله ای است.» عبارت «هرگز این سختی است که او می گوید.» مربوط به پاسخ خداوند در عالم برزخ است.



در قیامت نیز گناهکاران همین درخواست را از خداوند دارند و این بار پاسخ خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می خواست به راه راست آید؟  
توجه:

«اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می گیرید» نیز پاسخ خداوند در عالم قیامت است و «آیا پیامبران دلایل روشن برای شما نیاوردند؟» سخن فرشتگان است خطاب به گناهکارانی که برای گرفتن تخفیف از خداوند، نزد ایشان رفتند.

۲۱۶- گزینه ۲

اگر کسی بخواهد قلبش را خانه ی خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند. یعنی کلمه «لا اله الا الله» را در همه ابعادش در زندگی پیاده کند، زیرا این کلمه مرکب از یک «نه» و یک «آری» است، «نه» به هر چه غیرخدایی است (امور شیطان» و «آری» به خدای یگانه. (خانه ی خدا شدن قلب)

۲۱۷- گزینه ۴

با توجه به آیه الله لا اله الا هو لِيَجْمَعَنَّكُمْ الي يوم القيامة لا ريب فيه و من اصدق من الله حديثاً: خداوند کسی است که هیچ خدایی جز او نیست، او قطعاً شما را در روز قیامت جمع می کند که شکی در (وقوع) آن نیست و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است؟» صادق القول بودن (راستگو بودن) گوینده ی عبارت «لِيَجْمَعَنَّكُمْ..» که خداوند است، بر حقیقت آن تأکید و تأیید است.

عزیر نبی که به چشم خود زنده شدن الاغ را دید، گفت: «می دانم که خدا بر هر کاری تواناست.» .

سایر نکات درسی در همین راستا:

همون طور که می دونید قرآن کریم دلایل و شواهدی میاره تا «ممکن و شدنی بودن» معاد رو بیان کند. دلایلی که توی کتاب برای امکان معاد مطرح شده اینا هستن:

(۱) اشاره به پیدایش نخستین انسان (آیه ی «و برای ما مثالی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود..»

(۲) اشاره به نمونه هایی از زنده شدن مردگان (داستان عزیر نبی ،) و همین طور آیه ی «نه تنها استخوان های آنها را به حالت اول در می آوریم بلکه سرانگشتان آن ها را ...»

(۳) اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت (آیه ی «خداست که بادهای را می فرستد تا ابر را برانگیزند و ...»

۲۱۸- گزینه ۳

بخش هایی از سخنان حضرت علی { در عهدنامه مالک اشتر:

● در به دست آوردن رضایت عموم مردم سعی و تلاش کن، نه در جلب رضایت خواص که با وجود رضایت عمومی، خواص به تو آسیبی نمی رساند و با خشم عموم مردم، رضایت خواص سودی نمی بخشد. (رضایت عمومی مردم از حاکمان خشم خواص را بی اثر می کند).

● عده ای افراد مورد اطمینان را انتخاب کن تا درباره ی وضع طبقات محروم تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس برای رفع مشکلات آن ها عمل کن ... زیرا این گروه (افراد محروم) بیش از دیگران به عدالت نیازمندند. (محرومان به عدالت، بیشتر نیاز دارند، نه مجرمان)

۲۱۹- گزینه ۱

پیامبران الهی، برای تحقق وعده ی الهی پیروزی حق بر باطل در آینده تاریخ، از یک طرح الهی سخن می گویند: روزی که جامعه ی بشری آماده ی پذیرش حق خواهد شد، یک رهبر و ولی تعیین شده از جانب خداوند ظهور می کند و حکومتی عادلانه در جهان تشکیل می دهد. این همان ظهور حضرت مهدی است که اکنون از نظرها پنهان هستند و غیبت ایشان آن قدر ادامه پیدا می کند که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه ی انسانی (بشریت) شایستگی درک ظهور و بهره مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند.

۲۲۰- گزینه ۲

امام سجاد در کنار گسترش معارف از طریق دعا، به تجدید حیات نهضت شیعیان پرداخت (تجدید بنای سازمان تشیع)، انسان هایی فداکار، معتقد و دارای بینش عمیق، تربیت کرد و بار دیگر با علاقمندان اهل بیت ارتباط برقرار نمود. به سبب همین اقدامات، بار دیگر تشیع به عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی در جامعه حضور فعال پیدا کرد.

بررسی سایر گزینه ها:

در گزینه های (۳) و (۴)، پایه گذاری یک مدرسه علمی بزرگ از اقدامات امام باقر { می باشد

در گزینه های (۱) و (۳) تربیت هزاران شاگرد در سایه مبارزات علنی بر علیه بنی امیه در جامعه نیز از جمله اقدامات امام صادق { است.

سایر نکات درسی در همین راستا:

یه ارتباطی بین فعالیت های امام سجاد { و امام باقر { وجود دارد که مهمه بدونید:

در اثر فعالیت های امام سجاد { و قوت گرفتن مجدد شیعیان و ضعف تدریجی بنی امیه، زمان معرفی اسلام اصیل در دوران امام باقر { فرارسید و ایشان یک نهضت علمی و فرهنگی بزرگ را آغاز کرد.

۲۲۱- گزینه ۱

از نظر منکران معاد، مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می‌شود و حیات او پایان می‌یابد و رهسپار نیستی می‌گردد. به همین دلیل می‌گویند: «قالوا ما هی آلا حیاتنا الدنیا: (کافران) گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست.»

در حالی که قرآن کریم بر وجود دنیایی حقیقی به نام «آخرت» تأکید می‌کند و می‌فرماید: «ان الدار الآخرة لهی الحيوان لو كانوا يعلمون: و سرای آخرت، زندگی حقیقی است اگر می‌دانستند.»  
بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) عبارت «فلا خوفٌ علیهم ولا هم یحزنون: پس برایشان هیچ ترسی نیست و اندوهگین نمی‌شوند، از آثار و پیامدهای اعتقاد به معاد است، اما اشاره مستقیمی به سرای آخرت ندارد.

۳) عبارت «ما لهم بذلک من علمٍ ان هم آلا یظنون: البته این سخن را از روی علم نمی‌گویند، بلکه فقط ظن و خیال آنان است»، بیانگر این موضوع است که منکران معاد حتی به سخنی که می‌زنند نیز علم ندارند.

( عبارت «و ما هذه الحیاء الدنیا آلا لهوٌ و لعبٌ: این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست» در توصیف دنیاست و بر کم ارزش بودن آن تأکید می‌کند.

۲۲۲- گزینه ۴

انسان با عقل خود در پیام الهی تفکر می‌کند و با کسب معرفت و تشخیص باید‌ها و نباید‌ها، راه صحیح زندگی را می‌یابد و پیش می‌رود. در واقع با کنار هم قراردادن عقل و وحی میتوان به پاسخ سوال‌های اساسی که تضمین‌کننده‌ی سعادت انسان است، دست یافت.

توجه:

در (۱)، وحی الهی و در (۳)، عقل به تنهایی مطرح شده است که هیچ کدام به تنهایی پاسخگوی نیازهای اساسی و راه سعادت انسان | نمی‌توانند باشند.

۲۲۳- گزینه ۴

خداوند در آیه ۳۲ سوره یوسف از زبان زلیخا می‌فرماید: «قالت فذلک الّذی لمتّنی فیهِ و لقد راودته عن نفسهِ فاستعصم و لئن لم یفعل ما امره لیسجّن و لیکوناً من الصّاعرین: (زلیخا به زنانی که دست خود را بریده بودند) گفت: این همان کسی است که مرا درباره او ملامت می‌کردید و البته من از او طلب مراوده کردم، پس او پاکی ورزید و اگر آن چه را به او دستور میدهم، انجام ندهد، حتما زندانی خواهد شد و از خوارشدگان خواهد بود.»

پس عبارتهای (۱) (لیسجّن و لیکوناً من الصّاعرین) و (۲) (لقد راودته عن نفسهِ فاستعصم) و (۳) (فذلک الّذی لمتّنی) همگی از زبان زلیخاست و ارتباطی به پناه بردن حضرت یوسف به خداوند ندارد. پس پاسخ را باید در آیه ۳۳ سوره یوسف که از زبان حضرت یوسف است، یافت: «قال ربّ السّجن أحبّ الیّ ممّا یدعوننی الیه و آلا تصرّف

عَنِّي كِيدُهُنَّ أَصَبُ إِلَيْهِنَّ وَ أَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ: (يوسف) گفت: پروردگارا، زندان برای من از آن چه مرا به سوی آن می خوانند، محبوب تر است و اگر حيله آنها را از من بازنگردانی، به سوی آنها تمایل می کنم و از جاهلان می گردم.» با توجه به این آیه، عبارت بیانگر پناه بردن حضرت یوسف { به خداوند است.

۲۲۴- گزینه ۴

عبارت «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً: میان شما «دوستی» و «رحمت» قرار داد.» از آیه ۲۱ سوره روم به تشکیل خانواده و ایجاد مودت و دوستی میان زن و مرد سخن می گوید، پس جمله ای که انتخاب می کنیم باید در ارتباط با حوزه خانواده باشد.

مسئولیت ما در حوزه ی خانواده، تلاش در جهت تحکیم بنیان خانواده است، زیرا تحکیم این بنیان سبب رشد فضایل اخلاقی در جامعه، کاهش فساد و جرم و حضور انسان های بافضیلت و کارآمد می گردد و اگر بنیان خانواده سست شود فساد و تباهی گسترش می یابد. پس جمله «مواظبت و حراست از بنیان خانواده که مانع گسترش بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی می شود.» صحیح است.

۲۲۵- گزینه ۳

این سؤال کمی پیچ در پیچ است و مطالبی را اضافه به شما داده تا شما را گمراه کند! نکته ای که در سؤال خیلی مهم است و از روی آن به جواب می رسیم این است که شخص قبل از ظهر به وطنش بازمی گردد؛ در این صورت فقط یک حکم داریم: اگر کاری را که باطل کننده روزه است انجام نداده باشد، باید روزه اش را بگیرد.

۲۲۶- گزینه ۳

خداوند در آیه ۱۶۲ سوره انعام، می فرماید: «قُلْ اِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: بگو نمازم، تمامی اعمالم و زندگی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است.» پس شرط قبولی اعمال انسان برای خدا و رضایت او انجام دادن است. یعنی هدف و مقصد زندگی انسان خدا و بندگی او باشد و در این صورت است که انسان شایسته دریافت لطف و رحمت ویژه خداوند می شود و به زندگی سعادت‌مندانه در دنیا و آخرت خواهد رسید. آیه ی «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.» به این موضوع اشاره می کند که کسی که خداوند را به عنوان هدف اصلی خود قرار دهد، یا یک تیر چند نشان زده و هم دنیا و هم آخرت را خواهد داشت.

۲۲۷- گزینه ۴

گروهی وجود دنیای پس از مرگ را انکار می کنند. این دسته که برای انسان حقیقتی جز جسم و تن او قائل نیستند، با فرارسیدن مرگ انسان و نابودی جسم او، پرونده او را برای همیشه میبندند. در این دیدگاه، مرگ پایان زندگی

است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می شود و حیات او پایان می یابد و رهسپار نیستی می شود. دیدگاه این گروه (منکران معاد) در آیه زیر نمایان است:

«و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما یهلکنا الا الدهر و ما لهم بذلک من علم ان هم الا یظنون: (کافران) گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست. همواره (گروهی از ما) می میریم و (گروهی) زنده می شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می کند. البته این سخن را از روی علم نمی گویند، بلکه فقط ظن و خیال آنان است.»

۲۲۸- گزینه ۱

امام صادق { می فرماید: «ما أحبُّ اللهَ من عَصاهُ : کسی که از فرمان خدا سرپیچی می کند، او را دوست ندارد.» پس شرط اصلی دوستی با خداوند، اطاعت از دستوراتش است و اگر محبت خدا در قلب انسان قرار بگیرد، باید از دستوراتش پیروی کند. (پیروی از خداوند یکی از راههای افزایش محبت به خداست)

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه های ۲ و ۳ به بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان، یکی دیگر از راههای افزایش محبت الهی اشاره دارند. (۴) بیانگر «دوستی با دوستان خدا» از راه های افزایش محبت الهی است

سایر نکات در همین راستا:

یادتون باشه که آیه مربوط به پیروی از خداوند هم آیه ۳۱ آل عمران همیشه: (قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله ...)

۲۲۹- گزینه ۲

برپاشدن دادگاه عدل الهی: با آماده شدن صحنه قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می شود و اعمال، افکار و نیت های انسانها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می شود (نه فقط اعمال! رد ۱) و اگر عملی حتی به اندازه ذره ای ناچیز باشد، به حساب آن نیز رسیدگی خواهد شد.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) در مرحله برپایی دادگاه عدل الهی اعمال، افکار و نیت سنجیده می شود، نه فقط اعمال!

(۳) تابیدن نور حقیقت و کنار رفتن پرده ها و آشکار شدن اسرار و حقایق عالم مربوط به واقعه «کنار رفتن پرده از حقایق عالم» است.

(۴) آشکار شدن واقعیت همه چیز از جمله اعمال و رفتار انسان ها و نیز حوادث تلخ و شیرینی که در زمین اتفاق افتاده است نیز مربوط به «کنار رفتن پرده از حقایق عالم» است.

یکی از راه های تقویت اخلاص، افزایش معرفت نسبت به خداوند است که براساس آن، هر قدر که معرفت ما به خداوند بیشتر شود، به افزایش درجه اخلاص و بندگی کمک خواهد کرد. پس خوب است ساعاتی را صرف تفکر در آیات و نشانه های الهی کنیم. اگر کسی گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بست، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد و این بیت شامل حال او خواهد شد که:

مهر رخسار تو می تابد ز ذرات جهان

هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا، چه سود

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) به «راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او» به عنوان یکی از راه های تقویت اخلاص و بندگی اشاره می کند

(۳) بیانگر «تقویت روحیه حق پذیری» یکی دیگر از راه های تقویت اخلاص و بندگی است

(۴) جمله درستی است که ارتباطی به شعر صورت سؤال ندارد.

۲۳۱- گزینه ۲

هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را بیشتر ابراز می کند. افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش عبودیت و بندگی.

پس فهم و درک فقر و نیازمندی خود به خداوند برای تقویت عبودیت و بندگی ضروری است. این فقر و نیازمندی در عبارت «یا ایها الناس أنتم الفقراء إلى الله: ای مردم شما به خداوند نیازمند هستید» مشهود است.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه «قل الله خالق كل شيء: بگو خالق همه چیز خداست»، بیانگر توحید در خالقیست است

(۳) آیه «و لا یشرک فی حکمه أحداً: و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی سازد.» به توحید در ولایت اشاره می کند.

(۴) آیه «کل يوم هو فی شأن: او همواره دست اندرکار امری است.» بیانگر این مطلب است که خداوند همواره امور هستی را تدبیر و اداره می کند

۲۳۲- گزینه ۴

خداوند، درباره ی قدر و قضای الهی و این قانون مندی تخلف ناپذیر و استوار مثالی میزند و می فرماید: «لا الشمس ینبغی لها أن تُدرک القمر ولا اللیل سابق النهار و کلّ فی فَلَکِ یَسبحون: نه خورشید را سزد که به ماه برسد و نه شب بر روز پیشی جوید و هر یک در مداری در گردش اند. در میان گزینه ها آیه «ان الله یمسک السماوات و الأرض

آن تزولا ..... همانا که خداوند نگه می دارد آسمان ها و زمین را از این که نابود شوند.....» نیز از قانون مندی جهان خلقت سخن می گوید و این که این دنیا به سبب این قانون مندی و خواست و اراده الهی (قضای الهی) حفظ خواهد شد.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا: ما راه را به او نشان دادیم خواه سپاسگزار و خواه ناسپاس خواهد بود.» به اختیار انسان در انتخاب راه اشاره می کند.

(۲) آیه «ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيَكُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعٰبِدِیْنَ: این (عقوبت) به خاطر کردار پیشین شماست و نیز به خاطر آن است که خداوند هرگز به بندگان ستم نمی کند.» به یکی از نشانه های وجود اختیار در انسان، یعنی مسئولیت پذیری اشاره دارد.

(۳) آیه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ...: به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد. پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوست...» بیانگر تفکر و تصمیم از شواهد وجود اختیار در انسان است.

۲۳۳- گزینه ۲

آیه «ما لَهِمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّ لَا يَشْرِكُ فِي حَكْمِهِ اَحَدًا: آن ها هیچ ولی (سرپرستی) جز او ندارند و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی سازد.» بیانگر توحید در ولایت است. از آن جا که خداوند، تنها مالک جهان است، تنها ولی و سرپرست جهان نیز هست و مخلوقات جز به اذن و اجازه او نمی توانند در جهان تصرف کنند. چنین اذنی به معنای واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست، بلکه بدین معناست که خداوند آن شخص را در مسیر و مجرای ولایت خود قرار داده است پس براساس توحید در ولایت هر گونه تصرف در جهان، حق و شایسته خداوند است و غیر از او کسی بر موجودات ولایت مستقل ندارد

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) بخش اول توحید در ولایت است، اما بخش دوم که صحبت از «تدبیر» شده پیرامون توحید در ربوبیت است و ارتباطی با ولایت ندارد

(۳) ولایت پیامبر، به معنای واگذاری بخشی از ولایت خداوند به ایشان نیست، بلکه بدین معناست که خداوند پیامبر، را واسطه ی ولایت خود و رساننده فرمان هایش قرار داده است.

(۴) در این گزینه صحبت از مالکیت و ربوبیت خداست، در حالی که آیه بیانگر توحید ولایت است

۲۳۴- گزینه ۲

طبق فرموده پیامبر ، درباره حضرت فاطمه { ، (حدیث نبوی)، خداوند از خشنودی فاطمه خشنود و از خشمش به خشم می آید. پس رضایت و عدم رضایت الهی مشروط به خشنودی و خشم فاطمه { است. طبق آیه «و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم أزواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودّةً ورحمةً؛ و یکی از نشانه‌های الهی آن است که برای شما همسرانی از نوع خودتان آفرید تا با ایشان آرامش یابید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد ...» زن و مرد از لحاظ مقام و منزلت انسانی یکسان هستند و از یک نوع آفریده شده اند، اما رفتارهای جاهلانه در ارتباط زنان ثمره ی نامبارک و شوم عدم توجه به این پیام است.

توجه کنید که آیه «قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون: بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسان هستند.»، از معیار «عقل گرایی و خردورزی» صحبت می کند و ارتباطی با حدیث نبوی مورد نظر سؤال ندارد.

سایر نکات درسی در همین راستا:

پیامبر ، در مورد دخترشون فاطمه { احادیث زیاد دیگه ای هم بیان کردن از جمله این که:

• بهترین زنان چهار تن اند: مریم { ، آسیه { ، خدیجه { و فاطمه {

• فاطمه پاره ای از تن من است. هر که او را بیازارد، مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد، خدا را آزرده است.

۲۳۵- گزینه ۴

زیبایی های لفظی قرآن کریم (از جمله شیرینی و رسایی تعبیرات و فصاحت و بلاغت) سبب نفوذ خارق العاده این کتاب آسمانی در افکار و قلوب در طول تاریخ شده است و بسیاری از مردم به خصوص ادیبان و دانشمندان تحت تأثیر آن مسلمان شده اند.

منظور از مبارزه طلبی قرآن همان است که از مخالفانش می خواهد سوره‌های مانند سوره های قرآن بیاورند و از آنجا که قرآن کریم در هر دو جنبه لفظی و محتوایی معجزه است، مبارزه طلبی قرآن کریم مربوط به هر دو بخش لفظی و محتوایی است.

دقت کنید

لفظ «مبارزه طلبی» با «تحدی» از کتاب نظام جدید حذف شده است، اما مفهوم آن یعنی درخواست قرآن از مخالفان برای آوردن سوره‌های مشابه قرآن وجود دارد. پس بهتر است شما نیز با این دو لفظ آشنا باشید.

۲۳۶- گزینه ۲

اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر ، ، یکی از اقدامات ائمه در راستای مرجعیت دینی ایشان بود و براساس این اقدام، با وجود ممنوعیت نوشتن احادیث پیامبر ، پس از رحلت ایشان، امیرالمؤمنین { و حضرت فاطمه { به این



ممنوعیت توجه نکردند و سخنان پیامبر را به فرزندان و یاران خود آموختند (آموزش و تربیت یاران) و از آنان خواستند که این آموخته ها را به نسل های بعد منتقل کند. (انتقال)

نمونه بارز این اقدام اهل بیت را می توان در بیان حدیث «سلسله الذهب» دید. شیوه بیان امام رضا { در نقل این حدیث نشان می دهد که چگونه احادیث رسول خدا , از امامی به امام دیگر منتقل می شده است: من از پدرم، امام کاظم { شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق { و ... ایشان از پدرش، امام علی { و ایشان از رسول خدا , شنید که فرمود: خداوند می فرماید: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي»

۲۳۷- گزینه ۳

به نقل از ام سلمه، همسر رسول خدا , روزی ایشان در خانه استراحت می کردند که دختر بزرگوارشان حضرت فاطمه { حضرت علی { و پس از ایشان امام حسن { و امام حسین { به نزد پیامبر رفتند. رسول خدا , این افراد را در کنار خود جای داد. آن گاه برای آنان این گونه دعا کرد: «خدا یا اینان اهل بیت من اند؛ آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن!» در همین زمان فرشته ی وحی آمد و آیه تطهیر را قرائت کرد. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا: همانا خدا اراده کرده که دور گرداند از شما اهل بیت پلیدی و ناپاکی را و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد.» پیامبر , برای آگاهی مردم از این موضوع، مدت ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد از در خانه فاطمه { می گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می زد و آیه تطهیر را می خواند.

برای پاسخگویی راحت تر به کلیدواژه های «پلیدی و ناپاکی» و «تطهیر» دقت کنید. همین طور قسمت دوم سؤال هم گفته در حق «همسر و فرزندان امیرالمؤمنین» پس معلوم است که آیه باید در مورد «اهل خانه ی حضرت فاطمه {» می باشد. یعنی خود سؤال کلی راهنمایی کرده است!

سایر نکات درسی در همین راستا:

آیه تطهیر که کاملش رو در بالا آوردیم، پیام های مهمی داره که این جا براتون میگویم:

(۱) این آیه هرگونه گناه و پلیدی را از پیامبر , ، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین { دور می داند و آنان را معصوم از گناه و پلیدی معرفی می کند.

(۲) این آیه، تعداد خاصی از خانواده پیامبر را در بر می گیرد که مقام عصمت دارند، یعنی اینجا افراد خاصی از اهل بیت موردنظر است و شامل همه نمی شود.

(۳) چون این تعداد خاص معصوم اند، سخن و عمل آنان، مطابق با دین و بیان کننده دستورات الهی است

۲۳۸- گزینه ۲

انسان در زندگی خود دو دسته نیاز ثابت و متغیر دارد. دین اسلام برای تأمین نیازهای ثابت و انسان، قوانین ثابت و مشخصی دارد از جمله نیاز دادوستد که قرآن کریم برای این نیاز ثابت، یک قاعده و اصل ثابت دارد و آن قاعده این است که: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا: خداوند معامله را حلال کرده است، اما ربا را حرام»

اما شیوه ی دادوستد، ممکن است در هر زمان تغییر کند و ربا نیز شکل خاصی پیدا کند. این شکل های خاص نیازهای متغیر هستند که فقیهان و مجتهدان (و نه الزاماً ولایت فقیه! - رد ۳) براساس آن اصل ثابت و با تحقیق در کتاب و سنت، شکل های خاص ربا و معامله در این زمان را معین می کند و به کسانی که مجتهد نیستند، اعلام می کنند تا مطابق آن عمل کنند. این همان مفهوم آیه دوم است که بیانگر مرجعیت دینی فقیهان است:

«فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين: پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را به (طور عمیق) بیاموزند...»

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه های ۱ و ۳: هر دو از حکومت اسلامی و در واقع ولایت ظاهری سخن می گویند، در حالی که سؤال به مرجعیت دینی که توسط فقیهان و مجتهدان قابل اجراست، سخن می گوید.

(۴) به نوعی اختیارات حاکم و نظام اسلامی را در شرایط ویژه بیان می کند.

۲۳۹- گزینه ۴

بهشت برای بهشتیان سرای سلامتی (دار السلام) است. این جمله از آیه ۱۰ سوره انعام برداشته شده است. هیچ نقصانی، اندوهی، غصه ای، خوف و ترسی، عجزی، بیماری ای، جهلی، مرگ و هلاکتی و خلاصه هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست

۲۴۰- گزینه ۳

یکی از علل فرستادن پیامبران متعدد، استمرار و پیوستگی در دعوت بود. پیامبران الهی با ایمان استوار و تلاش بی مانند، در طول زمان های مختلف دین الهی را تبلیغ می کردند. آنان سختی ها را تحمل می کردند تا خداپرستی، عدالت طلبی و کرامت های اخلاقی میان انسان ها جاودان بماند و گسترش یابد و شرک و ظلم و رذائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد تا تعالیم الهی جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند. (تعالیم دینی به سادگی از جامعه ی بشری خارج نمی شود).

۲۴۱- گزینه ۱

آیه ی شریفه ی « كَلَّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا: هر یک از اینان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را مدد می رسانیم از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت (از کسی) منع نشده است.» به سنت امداد عام الهی اشاره می کند.

براساس این سنت، خداوند به کسانی که راه حق یا باطل را برمی گزینند، امکانات می دهد تا هر کدام در همان مسیری که انتخاب کرده است، به پیش رود و باطن خود را آشکار کند. کسی که راه حق را برمی گزیند، لوازم و امکانات رسیدن به حق را می یابد و مراتب کمال را می پیماید (مورد لطف خداوند قرار می گیرد). اما کسی که فقط

دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش می کند، همان را به دست می آورد. البته اینان عواقب زیان بار تصمیم غلط خود را در آخرت مشاهده خواهند کرد. (پس اینان مورد لطف نیستند!)

دقت کنید:

کلیدواژه ی «نُمد» بیانگر سنت امداد است و عبارت «هؤلاء و هؤلاء: از اینان و آنان» که منظور خواهان آخرت خواهان دنیاست به عام بودن سنت اشاره می کند. (سنت خاص امداد همان توفیق الهی است.)

این که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می کند، ارتباطی با آیه و سنت امداد ندارد و بیشتر مربوط به سنت «سبقت رحمت بر غضب» است. (رد گزینه های ۲ و ۴)

۲۴۲- گزینه ۳

همراهی حضرت علی { با «حق» به صورت جامع شخصیت والای ایشان را توصیف کرده است: «علی با حق است و حق با علی است.» کسی که همواره با حق باشد، رفتارهایش نیز مبتنی بر عدالت است و کاری خلاف عدالت انجام نمی دهد. همچنین کسی که همواره همراه حق است، از گناه و خطا و اشتباه مصون است، زیرا در غیر این صورت دیگر همراهی همیشگی وی با حق و حقیقت معنا نداشت و کسی که همراه همیشگی حق است، علمش نیز حق است. یعنی در علم و اندیشه اش خطا راه ندارد. پس «حق» بودن سایر ویژگی های ممتاز را نیز در بر می گیرد.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها: من شهر علم هستم و علی در آن، بیانگر عصمت علمی حضرت علی { است.

(۲) حدیث «علی مع القرآن و القرآن مع علی: علی قرآن و قرآن، علی است» از همراهی همیشگی قرآن و حضرت علی { سخن می گوید از این نظر با حدیث ثقلین در ارتباط مفهومی است.)

(۴) حدیث منزلت «أنت منی بمنزلة هارون من موسى: تو برای من به منزله ی هارون برای موسی هستی» جایگاه حضرت علی { را نزد پیامبر مشخص می کند .

۲۴۳- گزینه ۱

ما مسلمانان (شیعه و سنی) مانند پیروان سایر ادیان الهی عقیده داریم که در آخرالزمان منجی انسان ها، ظهور خواهد کرد و جهان را به نهایت عدل خواهد رساند. این منجی، امام مهدی ا است که از نسل پیامبر , می باشد.

(یعنی از نسل حضرت علی { و حضرت فاطمه { )

ما شیعیان معتقدیم که بنا بر سخنان صریح پیامبر , و ائمه اطهار [ موعود و منجی انسان ها، دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری { است و با توجه خاص خداوند، به حیات خود ادامه می دهد تا این که به اذن خداوند ظهور می کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می دهد.

نکته:

اهل سنت معتقدند که امام مهدی اُ هنوز به دنیا نیامده است.

۲۴۴- گزینه ۳

تفاوت های میان زن و مرد (تفاوت های زیستی و روان شناختی) به جهت وظایف مختلفی است که خالق حکیم بر عهده ی هر یک از زن و شوهر نهاده است تا هر کدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش های خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورنده، پس پدید آمدن یک خانواده متعادل نیازمند تفاوت های زیستی و روانشناختی است.

با توجه به آیه «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً: و خداوند برای شما همسرانی از (نوع) خودتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی نهاد» نیز زن و مرد آفرینش یکسان دارند و در ویژگی های انسانی با هم مشترک هستند و خداوند برای هر دو، هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن» یعنی از نظر خصوصیات جسمی با هم متفاوت اند.

دقت کنید که آیه «هل یستوی الذّٰین یعلمون و الذّٰین لا یعلمون: آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسان هستند؟»، بر ارزشمند عقل و خردورزی تأکید دارد و ارتباطی با مسئله زن و مرد و خانواده ندارد. (رد گزینه های ۱ و ۲)

۲۴۵- گزینه ۱

امام صادق { فرمود: «هنگامی که مرده ای را در قبر می گذارند، شخصی بر او ظاهر می شود و به او می گوید: ما (در دنیا) سه چیز بودیم، رزق تو که با پایان یافتن مهلت زندگی ات در دنیا قطع شد (و اینک همراه تو نیست)، خانواده ات که تو را رها کردند و بازگشتند و من که عمل تو هستم و با تو می مانم آگاه باش که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی ارزش تر و سبکتر بودم.»

۲۴۶- گزینه ۴

برخی از عالمان وابسته به بنی امیه و بنی عباس و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند.

حاکمان وقت تلاش می کردند که شخصیت های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر را در انزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی دور بودند، به جایگاه برجسته برسانند و آنها را راهنمای مردم معرفی کنند.

۲۴۷- گزینه ۳

یکی از آثار منفی تمدن جدید، ظهور ظلم فراگیر و پدیده ی استعمار بود. احتیاج به منابع طبیعی کشورها و نیز روحیه ی توسعه طلبی و فزون خواهی حاکمان غربی سبب شد که سرمایه داران و قدرتمندان غربی، کشورهای

دیگر را به خصوص در آسیا و آفریقا هدف قرار دهند و به بهانه ی استعمار (یعنی آباد کردن)، بسیاری از این کشورها را تصرف کنند و ذخایر با ارزش و گران قیمت آنها را از آثار باستانی و کتاب های خطی گرفته تا جواهرات و منابع طبیعی و معدنی به تاراج ببرند.

تمدن دوم (قرون وسطی) با گسترش مسیحیت در اروپا و آغاز حاکمیت کلیسا بر زندگی سیاسی و اجتماعی مردم آغاز شد و تا قرن های پانزدهم و شانزدهم ادامه یافت.

۲۴۸- گزینه ۳

زندگی دینی تنها شیوه ی مطمئن و قابل اعتمادی است که پیش روی هر انسان خردمند و عاقبت اندیش قرار دارد. بنابراین سهل انگاری در عمل و بی توجهی به احکام خداوند، (زندگی دینی) سقوط به وادی هولناک گمراهی و سرگردانی را در پی خواهد داشت و راه رهایی از آن با توجه به آیه «أَفَمَنْ اسَّسَ بِنِيَانِهِ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ: آیا آن کس که بنیاد (کار) خود را به پایه ی تقوای الهی و خشنودی خدا نهاده بهتر است، تقوا و توجه به خشنودی خداست.

۲۴۹- گزینه ۴

با توجه به آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبُهُنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ: ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمن بگو پوشش های خود را به خود نزدیک تر کنند این برای آن که به (عفاف) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است.» عبارت دیدن علیهن من جلابیبهن: پوشش های خود را به خود نزدیک تر کنند» بیانگر حدود حجاب است و عبارت (ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ) بیانگر ثمرات اجتماعی و علت حجاب است.

۲۵۰- گزینه ۴

کسی که برای انجام کار حرام سفر کرده باشد، مثلاً برای کمک به طاعوت به سفر برود، باید روزه اش را بگیرد و نمازش را تمام بخواند.

سایر نکات درسی در همین راستا:

کسی که به سفر میره اگه شرط های زیر رو داشته باشه باید نمازش رو شکسته بخونه و نباید روزه بگیره:

(۱) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی و مجموعه ی رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

(۲) بخواد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده بماند.

(۳) برای کار حرام سفر نکرده باشد، با نهی پدر و مادر به سفر غیر واجب نرفته باشد.

بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**info**